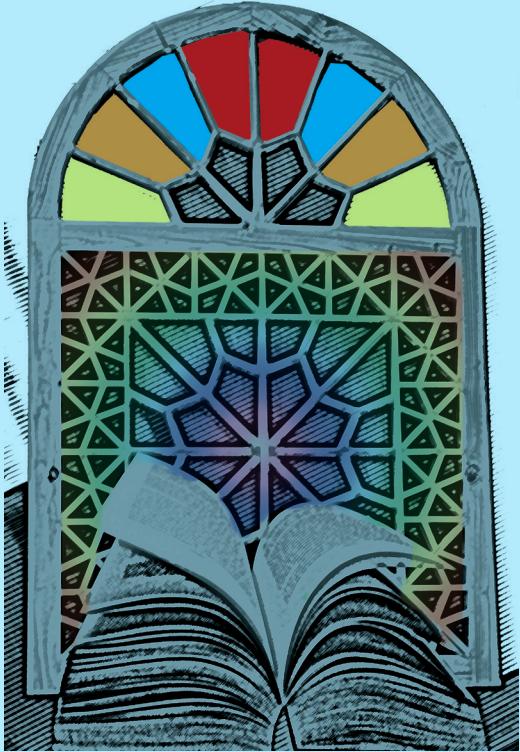


# زبان و ادبیات دری

## صنف یازدهم

پی افگندم از نظم کاخ بلند  
که از بادوباران نیابد گزند

دی صنف یازدهم



سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ايماق، هم پشه ٻان  
لكه لمر پرشنه آسمان  
لكه زره وي جاويдан  
وايو الله اكبر وايو الله اكبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د توري  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجردی  
براھوي دی، ټزلباش دی  
دا هېواد به ټل څلپري  
په سينه کې د آسيا به  
نوم د حق مو دی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# زبان و ادبیات دری

## صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش.



## مشخصات کتاب

**مضمون:** دری

**مؤلفان:** گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

**ویراستاران:** اعضای دیپارتمن特 ویراستاری و ایدیت زبان دری

**صنف:** یازدهم

**زبان متن:** دری

**انکشاف دهنده:** ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

**ناشر:** ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

**سال چاپ:** ۱۳۹۹ هجری شمسی

**ایمیل آدرس:** curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

## پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکنایی را که بر ما هستی بخشدید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهر و ندان مؤثر، متمن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوش‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیی و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آنها در این راه مقدس و انسان‌ساز موقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهر و ندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی  
وزیر معارف

# فهرست

صفحه	عنوان	شماره درس
۱	حمد	درس یکم
۵	سالار پیامبران ﷺ	درس دوم
۹	زبان و ادبیات چیست؟	درس سوم
۱۵	فولکلور و ادبیات	درس چهارم
۲۱	بهار	درس پنجم
۲۵	فیض محمد کاتب هزاره	درس ششم
۳۱	شعر و اقسام محتوایی آن	درس هفتم
۳۷	علم بیان	هشتم
۴۳	انجمن‌های ادبی افغانستان	درس نهم

صفحه	عنوانین	شماره درس
۴۷	نکوهش ظلم	درس دهم
۵۳	درخت بی بر	درس یازدهم
۵۷	فارسی یا دری	درس دوازدهم
۶۵	نقش زنان در ادبیات معاصر دری	درس سیزدهم
۷۱	علّامه صلاح الدین سلجوقي	درس چهاردهم
۷۷	نقش مسلمانان در تکامل علوم	درس پانزدهم
۸۳	روابط اجتماعی	درس شانزدهم
۸۹	علم و عقل	درس هفدهم
۹۳	اندرزهای اخلاقی	درس هزدهم
۹۹	حکایت	درس نزدهم
۱۰۵	نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه	درس بیستم
۱۱۱	ادبیات دری در قرون ۱۱ و ۱۲	درس بیست و یکم
۱۱۷	تولستوی	درس بیست و دوم
۱۲۳	چرس و اضرار آن	درس بیست و سوم
۱۲۷	واژه‌یابی در فرهنگ‌های زبان	درس بیست و چهارم
۱۳۳	تأثیرات روانی ماین‌ها	درس بیست و پنجم
۱۳۷	مولانا خسته و تذکرنهنگاری	درس بیست و ششم
۱۴۳	مردان پارو پامیزاد	درس بیست و هفتم
۱۴۹	سیاستنامه	درس بیست و هشتم
۱۵۵	واژه‌نامه (لغتنامه)	
۱۷۱	فهرست منابع	

# یکم

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

نظامی گنجوی

شاگردان عزیز، سال نو تعلیمی را با نام و یاد خداوند بزرگ آغاز می‌نماییم،

که نام او شایسته‌ترین عنوان هاست و یاد او بایسته‌ترین پیمان‌ها. از او امید می‌بریم و هم بیم داریم. او را ستایش می‌کنیم و نیایش خویش را به بارگاهش پیشکش می‌داریم. باشد که به رحمت بی پایان و مهر بانی بیکران خویش، پرده‌های اسرار را برگشاید و گنج‌های حکمت و دانش را در تار و پود روح و روان ما جاری سازد؛ تا بنده‌بی باشیم شایسته و در خدمت دیگران بایسته، پس بدین امید و باور، نخستین درس سال روان را آغاز می‌کنیم.

## حمد

ز نام خدا سازد آن را کلید  
همان ناخدمند را چاره ساز  
نگارنده نقش این کارگاه  
بزرگی و داناییش دلپذیر  
نه از آب و آتش نه از باد و خاک  
به بود کس او نیست نسبت پذیر  
خردمند ازین حکمت آگاه نیست  
سر از خط فرمان باید کشید  
چو در بسته باشد گشاینده اوست  
گر آن چیز جنبنده یا ساکنست

خرد هر کجا گنجی آرد پدید  
خدای خرد بخش بخرد نواز  
برا زانده سقف این بارگاه  
ز دانستنش عقل را ناگزیر  
یکی کز دویی حضرتش هست پاک  
همه بود را هست از او ناگزیر  
بدو هیچ پیوینده را راه نیست  
به هرج آرد از زیر و بالا پدید  
چو ره یاوه گردد نماینده اوست  
توانست بر هر چه او ممکن است

خدايا! تواي بنده را دستگير  
ترا خواهم از هر مرادي که هست  
نه من چاره خويش دانم نه کس  
نبينم من آن زهره در خويشن  
تو مستغنی از هرچه در راه توست  
به چشم من از خود فروغى رسان  
مبين گرچه خُردم من زير دست

من آن ذره خوردم از دیده دور  
که نيروي تو بermen افگنده نور

نظمي گنجوي

## توضيحات

حکیم الیاس بن یوسف بن زکی بن موید ملقب به جمال الدین و معروف به حکیم نظامی گنجوی از اعاظم شعرای دری زبان است. گرچه سال تولدش به صورت دقیق معلوم نیست؛ اما داکتر صفا سال ۵۳۰ هـ ق. را تاریخ ولادت نظامی گنجوی می‌داند.

گنجوی همه عمر خود را در گنجه به زهد و عزلت به سر برده، تنها سفر کوتاه‌مدت به دعوت سلطان قزل ارسلان به سی فرسنگی گنجه کرد و از این پادشاه عزت و حرمت دید. از شاعران همزمان خود با خاقانی ارتباط داشته، در مرگ او رثایی گفته است، گنجوی در سال ۶۱۴ هـ ق. چشم از جهان پوشید و مدفن او در گنجه است، آثار او عبارت‌اند از: دیوان قصاید، مثنوی مخزن الاسرار، مثنوی خسرو شیرین، مثنوی لیلی و مجنون، مثنوی هفت پیکر و مثنوی سکندرنامه.

## بخوانیم و بدانیم

۱. خردمند هر گنجینه علمی و ادبی را که به میان می آورد با نام خداوند حَمْدُ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ آن را آغاز می کند.
۲. خداوند حَمْدُ اللّٰهِ یکی هست و مثل و مانند ندارد. ذات او نه از آب و آتش و نه از خاک و باد است.
۳. خداوند حَمْدُ اللّٰهِ بر همه چیز قادر است، اگر آن چیز متحرک، جنبنده و یا ساکن هم باشد.
۴. از هر کسی اگر ضرورت خود را بجوییم سر انجام می دانم که بخشنده تو استی نه کس دیگری.
- ۵- خدایا! من این طاقت و توان را در خود نمی بینم که بگوییم که این یا آن را به من بده.



**نامه چیست:** نامه پیامی است که بنا به ضرورتی برای کسی یا مؤسسه‌یی و یا مرجعی فرستاده می‌شود. از این رو نامه برآورنده نیازهایی است که در روابط اجتماعی افراد وجود دارد. از سوی دیگر اگر در نوشتن نامه دقت به خرج رود، افکار، احساسات و عواطف نویسنده در آن به خوبی منعکس شود، جنبه ادبی نیز به خود می‌گیرد؛ چنانکه بسیاری از نامه‌هایی که هنرمندان و نویسنده‌گان و بزرگان تاریخ نوشته‌اند، امروز جزء آثار ادبی به شمار می‌روند. نامه‌یی که نوشته می‌شود، می‌تواند بیانگر شخصیت، فرهنگ، ادب، اندیشه، ذوق و سلیقه نویسنده باشد. اثری که نامه در مخاطب می‌گذارد، در بسیاری از موارد، تأثیر آن از نفوذ کلام قویتر است؛ در حالی که گفتار به دلیل شرم حضور، یا آماده‌گی نداشتن گوینده برای رویارویی و گفتگو با اشخاص، ممکن است تأثیر لازم را در شنونده و مخاطب نداشته باشد.

## کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در سه گروه در مورد درس جدید باهم صحبت کنند و از هر گروه یک شاگرد نتیجه صحبت خود را به دیگران بگوید.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.



۲. به این تصویر دقت کنید و در مورد قدسیت و علو مقام آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. حمد در وصف کی سروده می‌شود؟

۲. «بدو هیچ پوینده را راه نیست» چه مفهوم دارد؟

۳. شاعر این سروده از کجا بود و چه نام دارد؟

۴. نامه چیست؟

۵. چرا اهمیت نامه بیشتر از گفتار است؟

## کار خانه‌گی



۱. در مورد این بیت یک متن پنج سطری بنویسید:

ز نام خدا سازد آن را کلید

خرد هر کجا گنجی آرد پدید

-۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

نخست موعظه پیر می‌فروش اینست

حافظ

۳. متن کامل درس دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## دوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سالار پیام آوران کیست و به چه دلیل او را سالار پیامبران گویند.
۲. در این شعر «به رهت نشد که قدم زنم» چه معنا دارد؟  
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## سالار پیامبران ﷺ

شفق صلابت نام تو دل شب دریده محمدا  
به شب زمانه پیام تو سحر آفریده محمدا  
به رهت نشد که قدم زنم به چه آبرو ز تو دم زنم  
به کدام خامه رقم زنم به تو این قصیده محمدا  
تو گلاب گلشن انبیا تو حبیب حضرت کبریا  
تو چراغ سینه اولیا تو فروغ دیده محمدا  
به کرامت و به کمال تو به وجاهت و به جمال تو  
بشر و مَلَک به مثال تو دَگْری ندیده محمدا  
چوشکسته شاخه در این چمن عدم است ساز بساط من  
همه برگ‌های نشاط من زتنم تکیده محمدا  
مَکْنُم رها تو برای کس که مرا نمانده هوای کس  
به کجا روم که صدای کس نشود شنیده محمدا  
رمقی نمانده به پای ما نشود بلند صدای ما  
آسفا که ناله به نای ما دَگْری دمیده محمدا  
چه بلا خزیده به خون ما که شرر جهد ز درون ما  
تو بیین که کارجنون ما به کجا کشیده محمدا  
سحری تو ای شه مُحتشم ز حرم بنه به بِرون قدم  
گل سرخ شعر دری دلم به ره تو چیده محمدا



«سالار پیغمبران» از سرودهای شاعر فقید کشور ما «عبدالرازق فانی» است. عبدالرازق فانی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در شهر کابل به دنیا آمد. تحصیلات عالی اش را در سال ۱۳۵۶ ه. ش. با به دست آوردن درجه ماستری در رشته اقتصاد سیاسی از بلغاریا به اتمام رسانید. او سرودن شعر را از سال ۱۳۴۰ ه. ش. آغاز کرد و در عرصه نشرات و کارکردهای فرهنگی دست به فعالیت‌های ارزشمندی زد.

او در سال ۱۳۶۷ ه. ش. همراه با خانواده‌اش راه مهاجرت در پیش گرفت و راهی شهر ساندیاگوی ایالت کالیفورنیای ایالات متحده امریکا شد. بالآخره او در بهار سال ۱۳۸۶ ه. ش. به روز دوشنبه سوم ثور داعی اجل را لبیک گفت و در همان سرزمین غربت به خاک سپرده شد. از وی چند مجموعه شعر به نام‌های: ارمغان جوانی، بارانه، ابر و آفتاب، شکست شب، دشت آینه و تصویر به جا مانده است، که از جمله ابر و آفتاب، شکست شب، دشت آینه و تصویر در کالیفورنیا و بقیه در کابل به چاپ رسیده است؛ همچنان مجموعه طنزهای او زیرعنوان «آمر بی‌صلاحیت» چاپ کابل در دسترس می‌باشد.

### بخوانیم و بدایم

۱. با میلاد حضرت محمد ﷺ، کاخ‌های ظلم، استبداد، فرو ریخت.
۲. او یگانه پیامبری است که بزرگی و علو مرتبت او را همه انسان‌ها و تمام ملایک نه قبل از ان دیده بودند و نه پس از این می‌بینند.
۳. او مقرب‌ترین بنده نزد خداوند ﷺ، عزیزترین شخص نزد همه پیامبران است.
۴. ارشادات و رهنمایی‌های او قرن‌هاست که موجب هدایت جوامع بشری گردیده و تا قیامت نیز چنین می‌باشد.
۵. دستورات او نه تنها موجب هدایت جوامع اسلامی گردیده؛ بلکه بسیاری از جوامع غیر اسلامی نیز قواعد، قوانین و نظم عامله خود را از هدایات او الهام گرفته‌اند.
۶. برماست که به عنوان افراد مسلمان همیشه او را به خاطر داشته و هدایاتش را در زنده‌گانی خویش با دل و جان عملی سازیم.

## آیین نامه‌نگاری

**ضرورت نامه نگاری:** معمولاً همهٔ ما گاهی نیاز پیدا می‌کنیم پیامی را از طریق نامه برای یکی از دوستان یا خویشاوندان یا مؤسسه‌یی رسمی و اداری و یا... بفرستیم. نامه، چه به صورت نوشtar روی کاغذ و چه به صورت پست برقی (ایمیل) باشد، یکی از آسانترین و ارزانترین راههای ارتباط است به همین دلیل، آشنایی با اصول آن ضروری است.

هیچ شخص با سوادی نیست که در زندگانی خود به نامه نوشتن نیاز نداشته باشد. در واقع نامه وسیله‌یی است که به کمک آن می‌توانیم با هر کس که بخواهیم بدون روبه رو شدن؛ بلکه از فاصله دور گفتگو کنیم؛ مخصوصاً در کارهای رسمی و اداری، نامه گره‌گشای دشواری‌ها است؛ زیرا نامه وسیله برقراری ارتباط در هر زمینه است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا بخواهیم پاسخی بدھیم؛ گزارشی تهیه کنیم؛ چیزی بخواهیم و خلاصه در هر مورد، نامه زبان گویای ما به شمار می‌رود، علاوه بر آن در ارتباطهای خانواده‌گی و دوستانه نیز نامه، بهترین وسیله است.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد آبیات زیر باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان با ارائه مثال‌های گوناگون به دیگران بگویید:

رمقی نمانده به پای ما نشود بلند صدای ما  
آسفَا که ناله به نای ما دَگْرِی دمیده محمدَا  
چه بلا خزیده به خون ما که شرر جهد ز درون ما  
تو ببین که کار جنون ما به کجا کشیده محمدَا

۲. دوتن از شاگردان در برابر صنف قرار گرفته، یکی از آن‌ها بعضی کارهایی را بر شمارد که پیامبر ما دستور اجرای آن را داده است؛ اما در جامعهٔ ما بعضی از مردم آن را عملی نمی‌کنند. و شاگرد دیگر عواقب و سرانجام عملی نکردن آن کارها را با ارائه مثال‌ها به دیگران شرح دهد.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. تصویر مقابل را با موضوع «معماری‌های اسلامی» ارتباط داده در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.

خود آزمایی



۱. درباره حضرت محمد ﷺ و مقام او در میان دیگر پیامبران چه می‌دانید؟
۲. از نظر شما پیوند ما با پیامبر ما چگونه باید باشد؟ بیان کنید.
۳. «به شب زمانه پیام تو سحر آفریده محمد» چه مفهوم دارد؟
۴. درمورد ضرورت نامه‌نگاری چه می‌دانید؟
۵. عبدالرازق فانی کی بود؟ چه کارهایی را انجام داد و در کجا وفات یافت؟
۶. آثار فانی را نام ببرید.

## کارخانه‌گی



۱. خلاصه مفهوم و معنای شعر متن درس را در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
«بیدل» کسی به عرش حقیقت نمی‌رسد  
تا خاک راه احمد مرسل نمی‌شود
۳. متن کامل درس سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زبان چیست و در زندگی انسان‌ها چه اهمیت دارد؟

۲. اهمیت و نقشهای زبان را صرف نام ببرید.

۳. ادبیات چیست و در قلمرو آن چه چیزهایی یافت می‌شود؟

۴. زبان و ادبیات از یکدیگر چه تقاؤت دارند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### زبان و ادبیات چیست؟

بشر موجودی است اجتماعی و یکی از مهمترین نیازهای آدمی در زندگی اجتماعی برقراری ارتباط با همنوعان و ایجاد تفہیم و تفاهم است. بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود، از وسائل مختلفی سود جسته که در این میان «زبان» مهمترین وسیله به شمار می‌آید، پس زبان، وسیلهٔ عمدۀ بشر، برای برقراری ارتباط با یکدیگر می‌باشد.

**تعريف زبان:** زبان مجموعه‌یی از عالیم صوتی، اکتسابی و قراردادی است که افراد یک جامعه به منظور افهام و تفہیم آن را به کار می‌گیرند. گاهی زبان به هر نوع ارتباط میان موجودات زنده گفته می‌شود. چه این ارتباط کلامی باشد و چه غیرکلامی. بر اساس این تعريف همه حالات و حرکاتی که در انسان‌ها برای تفاهم با یکدیگر انجام می‌شود، از تغییرات رنگ چهره گرفته تا رمزها و اشارات میان افراد بشر و گفتگوهای معمولی میان انسان‌ها و همه مهارت‌های گفتن، نوشتن، شناخت علامت‌ها و کاربرد آن‌ها، زبان نامیده می‌شود.

**اهمیت زبان:** زبان و رشد سریع آن در انسان، موهبت بسیار با ارزش خداوند علیه السلام است که در سیر کلی رشد و به ویژه رشد اجتماعی او نقش اساسی دارد. با شروع تکلم، کودک وارد دنیای جدید می‌شود و به تدریج از حالت خود محوری، که ویژه‌گی دوران کودکی است، رو به اجتماعی شدن می‌گذارد. بالآخره زبان مهارتی است که انسان با آن، آنچه را در

ضمیر دارد ابراز می‌دارد و خاطرات قلبی و افکارش را بیان می‌کند و به کمک زبان آنچه را که دیگران در باطن دارند، درمی‌یابد و اگر زبان نبود انسان چون حیوانی گنگ بود که نه دیگران را از خود آگاه می‌ساخت و نه از دیگران مطلبی در می‌یافت.

**زبان و هویت:** زبان جزئی از هویت فرهنگی انسان است؛ یعنی بیان کنندهٔ شخصیت فرهنگی و هویت تاریخ فرهنگی است و این هویت تا جایی جزئی از نوامیس فرهنگی اوست؛ بنابراین توجه به نگهداری و حفظ این اصالت، به صورت طبیعی و معمول، از اعتقاد ژرف انسان به حفظ هویت فرهنگی و شخصیت فردی او سرچشمه می‌گیرد.

### ادبیات چیست؟

از همان ابتدای زندگی انسان و پیدایش زبان و خط، ادبیات به عنوان وسیله‌یی برای ابراز احساسات و عواطف باطنی بشر به وجود آمد؛ حتی نقاشی‌هایی که بر دیوارهای مغاره‌ها وجود دارد، بیانگر نوعی علاقه انسان به روایت رویدادها، بیان احساسات و به تصویر کشیدن تصورات ذهنی اوست که می‌تواند به عنوان بخشی از ادبیات تلقی گردد.

در تعریف ادبیات گفته‌اند: ادبیات مجموعهٔ آثار هنری، لسانی، مكتوب و نا مكتوب، منظوم و منثور یک جامعه است. نوع ویژه‌یی از کلام است که در پی ایجاد زیبایی بوده و با آفرینشی نو، نظر مخاطبان را جلب کند و در این راستا برخلاف «زبان» که هدفش منتقل کردن مفهوم در کمترین زمان است، می‌خواهد خود را در پیچش هنری و بیان شاعرانه پیچاند تا در ذهن‌ها تخیل ایجاد نماید و دنیای پر رمز و راز را پیش چشم خواننده‌گان بگشاید. در این نمایش هنری شاعر از قراردادهای متعارف زبانی، پیروی نمی‌کند. از این روی به طور کلی سخن ادبی و به طور اخص شعر، کشف نکته یا راز بیان حالتی از جهان هستی انسان و دیگر موجودات و روابط آن‌ها با یکدیگر و تبلور جلوه‌های گوناگون عواطف و احساسات انسانی است؛ پس گفته می‌توانیم که ادبیات در پی تصحیح زبان و تأثیرگذاری

پیام برمخاطب و خواننده است؛ بنابرین تخیل، بیان احساسات و عواطف باطنی و هنری بودن از شروط اساسی و اهداف بلند آن به حساب می‌آیند.

ادبیات قلمرو بس وسیع دارد که قسمت عمده‌یی از احوال، آثار و اجتماع انسان را در بر می‌گیرد؛ چنانچه از حوادث و وقایع شگفت انگیز زنده‌گی قهرمانان گرفته تا اندیشه‌های ذوقی مشایخ صوفیه، همه در این قلمرو وسیع ادبیات جای دارند.

اگر به دو ویژه‌گی دیگر آثار ادبی یعنی گسترده‌گی و مقبولیت نیز بنگریم، به این نتیجه می‌رسیم که به طور کلی اگر مبتکر ادبی به اصل و هدف ادبیات متوجه باشد، می‌تواند اثری بیافریند که سه ویژه‌گی: ماندگاری، گسترده‌گی و مقبولیت را داشته باشد که این سه ویژه‌گی، سه عنصر اساسی ادبیات به شمار می‌روند. همین امور سبب می‌شود که آثار ادبی از غیر ادبی تفکیک گردد.

ادبیات را از دیدگاه شیوه‌های بیان و شکل ظاهری آن می‌توان به دو دستهٔ کلی نظم و نثر تقسیم کرد که هر کدام شامل بخش‌های کوچکتری استند. نظم و شعر از نظر ظاهری به وسیلهٔ قالب‌های شعری: غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، شعر نو و... شناخته می‌شود؛ اما نثر را به انواع ساده، مسجع، متکلف و... دسته‌بندی کرده اند؛ همچنان ادبیات را از دیدگاه مفهوم و محتوا به سه دستهٔ کلی: حماسی، غنایی و تعلیمی تقسیم می‌کنند، که هر اثر ادبی (چه نظم و چه نثر) را می‌توان در یکی از این دسته‌ها قرار داد.

## توضیحات

پیشینیان ادب را دانشی شامل ۹ علم: لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، عروض، قافیه، قوانین خط و قوانین قرائت دانسته اند و بعضی اشتقاء، قرض‌الشعر، انشا و تاریخ را هم به آن افزوده اند. نزد قدما علم ادب عبارت بوده است از معرفت به احوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی و مراتب آن.

## بخوانیم و بدانیم

۱. زبان مجموعه‌یی از علایم صوتی، رمزی، اکتسابی، اجتماعی و قرار دادی است که انسان برای بیان احساسات و اندیشه‌های خود و برقراری ارتباط سازگاری با محیط به کار می‌گیرد.
۲. زبان جزئی از هویت فرهنگی انسان و بیان کننده شخصیت فرهنگی او است.
۳. ادبیات مجموعه‌یی از آثار هنری، لسانی، مکتوب، نامکتوب، منظوم و منثور یک جامعه است.
۴. ادبیات قلمرو بس وسیع دارد که قسمت عمده‌یی از احوال و آثار فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد.

### آبین نامه‌نگاری

برای نوشتن نامه اصول زیر را باید در نظر داشت:

۱. آنچه را که می‌خواهیم بنویسیم، طرحش را در ذهن خود آماده سازیم، کم و زیادش کنیم، وقتی که برای ما کاملاً روشن شد، قلم و کاغذ بگیریم و مسودة آن را تهیه کنیم.
۲. هر واژه‌یی را که می‌خواهیم به کار ببریم، باید معنایش را خودمان کاملاً بدانیم. این کار باعث می‌شود که از به کار بردن واژه‌های نا آشنا دوری کنیم؛ اگر گاهی مجبور می‌شویم واژه‌یی را به کار ببریم که معنایش برای ما روشن نیست، به فرهنگ لغت‌ها مراجعه کنیم.
۳. جمله‌ها را هرچه ممکن است کوتاه بنویسیم؛ زیرا جمله کوتاه باعث می‌شود که در نخست رشتۀ نوشتن از دست ما نرود و از سوی دیگر خواندن و فهمیدن آن برای خواننده آسان باشد.
۴. قواعد دستور زبان، املاء و نشانه‌های نوشتاری را به کار ببریم.

۵. هنگامی که مسوده نامه تمام شد، یک بار آن را بخوانیم و اصلاحش کنیم.
۶. برای پاکنویس کردن نامه، باید به این نکات توجه کنیم:
- الف: طرف سمت راست و چپ کاغذ، به اندازه دو سانتی متر، حتماً باید حاشیه بگذاریم.
  - ب: نوشتن اولین قسمت را که می‌خواهیم شروع کنیم، حتماً باید از حاشیه اندکی به طرف داخل صفحه برویم؛ اگر دو سانتی متر حاشیه گذاشته‌ایم، اولین قسمت را از چهار سانتی متر شروع کنیم. این نکته را باید برای هر پارagraf رعایت کنیم و یا میان پارagrafها، به اندازه یک سطر را سفید بگذاریم.
  - ج: باید خوانا بنویسیم؛ یعنی دندانه‌ها و نقطه‌های حرف‌ها را به اندازه و در جایش بگذاریم و بین کلمه‌ها به اندازه کافی فاصله را رعایت نماییم.
  - د: پاکنویس که تمام شد، یک بار دیگر آن را بخوانیم.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول در مورد «اهمیت زبان و ادبیات» و گروه دوم درباره «تفاوت زبان و ادبیات» باهم گفتگو کنند؛ نتیجه بحث هر گروه را یک نفر به دیگران بگوید.
۲. چند تن از شاگردان در مورد «اصول و مراحل نامه‌نگاری» سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
  ۲. تصویر را با موضوع «بهار در ادبیات» ارتباط داده در مورد آن یک متن هفت سط्रی بنویسید.
- 



۱. زبان را چگونه تعریف کرده اند؟

۲. اهمیت زبان را بیان کنید؟

۳. چه چیزهایی در نامه‌نگاری ضروری است؟

۴. ادبیات چیست و به چند دسته تقسیم می‌شود؟

۵. کدام مسایل شامل قلمرو ادبیات می‌گردد؟

### کار خانه‌گی



۱. متنی در مورد اهمیت زبان در اجتماع بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید.

می‌شود اسرار دل روشن ز تحریک زبان      می‌دهد این برگ بوی غنچه اندیشه را

بیدل

۳. متن کامل درس چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. فولکلور چیست؟ ۲. فولکلور چه اهمیت دارد؟

۳. نخستین بار واژه فولکلور را چه کس و در کجا به کار برده؟

۴. فولکلور با ادبیات چه پیوند دارد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## فولکلور و ادبیات

فولکلور از دو واژه آلمانی *folk* (مردم) و *lore* (دانش) تشکیل شده و به معنای دانش عوام، فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم است. فولکلور مجموعه‌یی از دانستنی‌ها و دست آوردهای مادی و معنوی بشری را شامل می‌شود، که ادبیات عامیانه را نیز احتوا می‌کند. در فولکلور تخیل، احساس، آرزو و اندیشه‌های گوناگون مردمی متبلور است، که از نسلی به نسلی انتقال یافته و نشان دهنده معیارهای زیبایی‌شناسی و اخلاقی هر دوره از زندگی مردم می‌باشد. پس فولکلور یا فرهنگ مردم در حکم زندگی‌نامه و شرح احوال و تصویری از آداب، رسوم و عادات و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم یک کشور است.

فولکلورشناسی، تا سال ۱۸۴۸ میلادی چندان معمول نبود و هیچ اثری از آن دیده نمی‌شد، جز آنچه که جسته – جسته در خلال کتاب‌های ادبی و تاریخی به صورت غیرمشخص به ملاحظه می‌رسید. در قرن نزدهم میلادی دو برادر آلمانی به نامهای «یاکوب» و «گریم» کارهایی را در این زمینه آغاز نموده و نتیجه کارشان را به عنوان یک وظیفه مهم به جامعه تقدیم کردند. مساعی پیگیر این دو دانشمند باعث شد تا دانشمندان کشورهای دیگر در جمع‌آوری چنین آثار همت گمارند و آن را انکشاف دهند. بر همین اساس بود که بیشترین مطالعات آنان را موضوعاتی از قبیل اشعار، حکایات و عادات مردم تشکیل داده و آنان را معتقد ساخت که این نوع جستجو در ساحة آثار مردمی، می‌تواند از روحیه واقعی یک ملت نماینده‌گی بهتر کند؛ اما تا آن زمان هم این دانش، نام فولکلور را به خود نگرفته بود. در

واخر نیمة اول قرن نزدهم بود که برای نخستین بار «ویلیام جی تامس» با امضای مستعار «آمبروبیز مرتن» در یک مجله انگلیسی، واژه فولکلور را به کار برد.

فولکلور میراث معنوی نسل‌های گذشته است که به‌طور شفاهی در قالب آثار ذوقی پدید آمده و به گونه‌های مختلف آن؛ یعنی: ادبیات داستانی، غیرداستانی و نمایشی به آینده‌گان رسیده است. مهمترین بخش‌های آثار داستانی: قصه‌ها، افسانه‌های تاریخی، قهرمانی، عاشقانه، اخلاقی، پندآموز، رمزی و تمثیلی، طنزآمیز و تخیلی است؛ اما آثار غیرداستانی مانند، ضربالمثل‌ها، چیستان‌ها، لطیفه‌ها، شوخی‌ها، هزل و بذل، بدیهه و حاضر جوابی در هر دو نوع نظم و نثر به میان آمده است.

فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. ادبیات شفاهی؛ ۲. فرهنگ مردم ادبیات شفاهی متشكل است از: ضربالمثل‌ها، دویتی‌ها، سرودها و ترانه‌ها، حکایت‌ها، قصه‌ها، روایت‌ها، افسانه‌ها، لغز، معمای چیستان، فکاهی، لطیفه، مطابیه، هزل، بذل و بدیهه. فرهنگ مردم متشكل است از: انواع بازی‌ها، دوخت‌ها، بافت‌ها، رسوم، آداب و سنن (برفی، سوگواری، عروسی، نذرها، و سایر عنانات).

با مراجعه به آثار فولکلوری نه تنها با تاریخ زنده‌گی مردم و کار و فعالیت آنان آشنا می‌شویم؛ بلکه درباره خصلت‌های ملی آن‌ها نیز تصوراتی برای ما حاصل می‌شود. در فولکلور عقاید انسان‌دوستی، عدالت پروری، وفاداری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری و غیره افاده شده است، که این‌ها برای تربیت جوانان با روحیه عالی انسانی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و به مطالعه و تحقیق جریان انکشاف ادبیات و خصوصیات آثار شاعران و نویسنده‌گان کمک می‌کند.

## پیوند فولکلور با ادبیات

آثار شفاهی مردم در تشكیل و انکشاف ادبیات بکر و جدید نقش بارز و ارزشمندی داشته و در میان‌شان پیوند ناگرسانی ایجاد می‌کند. این پیوند از زمانه‌های دوری به اینسو با تأثیرپذیری متقابل و غناپذیری آثار همه‌گانی ادامه دارد. بهترین آثار ادبیات قدیم در موجودیت مواد فولکلوری به وجود آمده است. از جمله شاهنامه ابوالقاسم فردوسی بر بنیاد و

الهام مواد اساطیری و روایات فولکلوری مردم آریایی نژاد ایجاد شده است. داستان‌های لیلی و مجنون، ویس و رامین، خسرو و شیرین، سلامان و ابسال، طالب و مطلوب و امثال آن با ارتباط به تصویرها، سیماها و سوژه‌های فولکلوری مشرق زمین ایجاد شده اند.

در آثار ابوعبدالله رودکی، ناصرخسرو، نظامی گنجوی، مولانا جلال الدین بلخی، حافظ شیرازی، سعدی، کمال، عبید زاکانی، مولانا جامی، واصفی، هلالی، بیدل، نسَفی، شاهین و دیگران، تأثیر فولکلور و استفاده از آن به طور واضح نمودار است. اینان از سوژه‌ها، سیماها، اهداف و انواع فولکلور مبتکرانه استفاده جسته اند و هم از لحاظ ارزشمندی‌های ادبی و قوتمندی مضمون، آثار بسیار عالی به وجود آورده و آن‌ها را با شرایط جدید تاریخی جامعه خویش وفق داده اند.

توجه به فرهنگ شفاهی ما نه تنها به باروری و غنامندی مکتوبات در عرصهٔ فرهنگ یاری می‌رساند؛ بلکه موجب استحکام وضع فرهنگ جاری جامعه نیز می‌شود. ادب فلکلور تنها یک ادبیات نیست؛ بلکه فرهنگ ملتی است که از فراز و نشیب تاریخ و ذهن مردان و زنان این سرزمین گذشته است؛ سپس وظیفهٔ شما شاگردان عزیز هم است که در حفظ آثار فولکلوری و انتقال آن به نسل‌های بعدی نقش ارزندهٔ تان را ایفا نمایید.

## توضیحات

ادبیات فلکلوری ما قدامت طولانی دارد؛ یعنی از زمانی که در برخی از متون اوستایی سخن از حماسه‌ها و پهلوانان گفته شده، حماسه در سرزمین ما بخش اعظمی از همین ادبیات بوده که بخشی از آن در شاهنامهٔ فردوسی منعکس است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. فولکلور هر ملتی در حکم زنده‌گی نامه و شرح احوال آن ملت، عامل اصلی انتقال خصلت‌ها و تصویری از آداب، رسوم و عادات آن قوم و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است.
۲. در قرن نزدهم میلادی دو برادر آلمانی به نام‌های «یاکوب» و «گریم» کارهایی را در زمینهٔ فولکلور آغاز نموده و نتیجهٔ کارشان را به عنوان یک وظیفهٔ ملی و حیاتی به جامعه تقدیم کردند.
۳. فولکلور میراث معنوی نسل‌های گذشته است که به‌طور شفاهی در قالب آثار ذوقی پدید آمده و به گونه‌های مختلف ادبیات داستانی، غیر داستانی و نمایشی به آینده‌گان رسیده است.
۴. فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود: (۱) ادبیات شفاهی؛ (۲) فرهنگ مردم.
۵. بهترین آثار ادبیات قدیم فارسی دری در موجودیت مواد فولکلوری به وجود آمده است.
۶. توجه به فرهنگ شفاهی ما نه تنها به باروری و غنامندی ادبیات در عرصهٔ فرهنگ یاری می‌رساند؛ بلکه موجب استحکام وضع فرهنگ جاری جامعه نیز می‌شود.



## آیین نامه‌نگاری

۱. در نامه‌های زبان فارسی دری، نوشتن مطالب از سمت راست است. عنوان در سمت راست و امضا باید در سمت چپ باشد.
۲. به صورت عموم تاریخ و شمارهٔ نامه در سمت چپ قرار دارد. در نامه‌های شخصی نیازی به ذکر آدرس در متن نامه نیست؛ ولی در ادارات، نامه‌ها در ورق‌های رسمی (نشاندار) نوشته می‌شوند که آدرس اداره در پایین صفحه ذکر شده است.
۳. به یاد داشته باشید که در نامه‌های انگلیسی آدرس گیرنده را سمت راست، بالای صفحه بنویسید و زیر آن تاریخ بزنید. عنوان باید در سمت چپ و امضاء در سمت راست باشد.

۴. نامه‌های خود را تایپ نکنید، مگر این که خط تان خیلی بد باشد.
۵. نوع قلم نامه‌نگاری نشان‌دهنده میزان احترام شما به دریافت کننده نامه است. هرگز با پنسل نامه بنویسید. بهترین قلم خود رنگ است. در مکاتباتی که چندان رسمی نیستند می‌توانید از خودکار استفاده نمایید.
۶. وقت کنید که از کلمه‌های مناسب استفاده کنید. ایجاز و اختصار بهترین روش نامه‌نگاری است؛ البته مختصرگویی نباید منجر به نارسانی شود.
۷. به یاد داشته باشید که نامه‌ها معرف شخصیت شما استند و بعضی از نامه‌ها سال‌ها نگهداری می‌شوند.
۸. اگر در آدرس نامه، عنوان خاصی برای شخص به کار رفته، مثلاً «جناب آقای دکتور احمدی» در سرnamه هم باید همان عنوان را استفاده کرد. هرگز هنگام امضای نامه برای خود عنوان (آقا / خانم) را به کار نبرید.

### کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «نقش فولکلور در بیداری اذهان عامه» باهم مباحثه کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه با نظر داشت قواعد خوانده شده، یک دعوت‌نامه بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفر آن نامه را در برابر صنف بخواند و گروه مقابل آن را تعديل و اصلاح کند.

### املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با «میله فولکلوری نوروز» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. نخستین بار در کدام زمان و چه کسانی در زمینه فولکلور کارهایی را انجام دادند؟
۲. فولکلور به چند بخش تقسیم شده و هریک شامل کدام موارد می‌شود؟
۳. چرا فولکلور یا فرهنگ مردم، دارای اهمیت است؟ با ارائه دلایل واضح سازید.
۴. فولکلور با ادبیات چه پیوند دارد؟
۵. فولکلور در بیداری اذهان عامه چه نقشی را بازی می‌کند؟
۶. مهمترین نکات قابل رعایت در آداب نامه‌نگاری از نظر شما چیست؟

### کار خانه‌گی



۱. در مورد «نقش فولکلور در تعلیم و تربیه» یک متن بنویسید.
۲. این ایات را به حافظه بسپارید:  
که کس نیارد قفلش شکست با سندان  
درید نتوان با تیغ پهلوان جوان  
خزینه‌یی است دل مردمان با تدبیر  
زفکر پیران، مویین زیره اگر بافند
۳. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.  
ادیب الممالک فراهانی

درس  
پنجم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. «یزک تابش خورشید به یغما برخاست» چه مفهوم دارد؟
  ۲. بهار چه ارمنان به انسان‌ها و سایر موجودات دارد؟
  ۳. درباره شاعر شعر بهار به صورت مختصر معلومات بدھید؟
  ۴. چند مرجع اهلایی، انشایی و دستوری را نام بگیرید.

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## بهار

لشکر زحمت سرما ز سر ما برخاست  
یزک تابش خورشید به یغما برخاست  
که به غواصی ابر از دل دریا برخاست  
وین چه بادیست که از جانب صحرا برخاست  
چه زمینی است که چرخش به تولا برخاست  
بسکه از طرف چمن لاله حمرا برخاست  
بلبان را ز چمن ناله و غوغای برخاست  
شور دیوانه‌گی از سینه دانا برخاست  
وز شری ناله مستان به ثریا برخاست  
القیاث از چمن و گلبن حمرا برخاست  
که دل زاهد از اندیشه فردا برخاست  
عاشق سوخته خرمون چو زلیخا برخاست  
نه که این ولوله از بلبل تنها برخاست  
با قدش سرو ندانم به چه یارا برخاست  
که ز خواب سحر این نرگس شهلا برخاست  
که قلم را به سر از دست تو سوداء برخاست  
سعده

علم دولت نوروز به صحرا برخاست  
تا رباید کله قاقم برف از سر کوه  
بر عروسان چمن بست صبا هر گهری  
این چه بوییست که از جانب خلخ بدمید  
چه هوایی است که خلدهش به تحریر بنشست  
طارم اخضر از عکس چمن حمرا گشت  
موسم نعمه چنگ است که در بزم صبح  
بوی آلوده‌گی از خرقه صوفی آید  
از زمین ناله عشاق به گردون برسید  
بسکه خوبان به تفرج سوی صحرا رفتند  
عاشق امروز به ذوقی بر شاهد بنشست  
هر کجا سرو قدمی چهره چو یوسف بنمود  
هر کسی را هوس روی گلی در سر شد  
با رخش لاله ندانم به چه رونق بشگفت  
سر به بالین عدم باز نه ای نرگس مست  
سعدیا، نامه سیاه کردن و سودا تاکی



عروسان چمن: گل‌های رنگارانگ، زیبا، میان قد و قد بلند.  
طارم اخضر ز عکس چمن حمرا گشت: آسمان سبز از افتیدن عکس چمن سرخ شد.  
سعدی: شرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی نویسنده و شاعر بزرگ قرن هفتم هجری  
قمری.  
اجداد او عالم دینی بودند، سعدی در شیراز به کسب علوم پرداخت و بعد به بغداد شتافت و  
در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد.  
در سال ۶۵۶ هـ ق. گلستان را تألیف کرد، مهارت او در شعر، در غزل عاشقانه و عارفانه  
است. شعر و نثر سعدی از زمان او تا حال مورد تبعیت بزرگان دری زبان قرار گرفته است.

### بخوانیم و بدانیم

۱. اشعة خورشید برفها را نابود می‌کنند.
۲. بهار زمان به وجود آمدن زیبایی‌هاست.
۳. هوای خوشگوار بهار دشواری‌های فصل خنک و سرما را به دور می‌افگند.
۴. در بهار انسان به شور و شوق و طرب می‌آید.
۵. در این موسم ابر غواصی می‌کند و بادهای عطرآگین از هر سو می‌وزد.
- ۶ سعدی شیرازی نویسنده و شاعر بزرگ قرن ۷ هـ ق. است.

### ۰ مأخذ و مراجع املایی، انشایی و دستوری

همان‌گونه که پیش از این یادآوری شد، نگارش نامه درست، افرون بر آگاهی به ساختار و شکل ظاهری آن، مستلزم دانستن نکات و قواعد نگارشی درست زبان دری در این زمینه‌هاست. دانستن نشانه‌گذاری، دستور زبان و املای درست واژه‌ها، به کاربردن واژه‌های مناسب و آشنایی نسبت به ساختار زبان دری و پرهیز از نارسایی‌ها و اشتباهات مختلفی که امروز در برخی از نوشه‌ها به دلیل غفلت و نا‌آگاهی و کم‌توجهی، فراوان مشاهده می‌شود. به همین منظور لازم است، حداقل با برخی از کتاب‌های مربوط آشنا باشید، تا بتوانید مشکلات احتمالی خود را با مراجعه به این کتاب‌ها برطرف کنید. از این‌رو در زیر نام چند کتاب مربوط به این فن را می‌آوریم؛ تا در صورت نیاز به این کتاب‌ها مراجعه کنید.

۱. دستور معاصر زبان دری، نوشته پوهاند دکتور محمد حسین یمین
۲. غلط ننویسیم (فرهنگ دُشواری‌های زبان فارسی)، نوشته ابوالحسن نجفی
۳. درست بنویسیم (فرهنگ املای زبان دری) نوشته احمد یاسین فرخاری
۴. روش املای زبان دری، پذیرفتۀ اتحادیۀ نویسنده‌گان (به کوشش پویا فاریابی)
- ۵- دستور زبان معاصر دری نوشته محمد نسیم نگهت سعیدی

### کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده در مورد بهار باهم صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بگوید.
۲. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد اصول و مراحل نامه‌نگاری سخنرانی کنند.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های خوبش به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «بهار» ارتباط داده، در مورد آن یک متن پنج سطری بنویسید.



## شود آزمایی



۱. «لشکر زحمت سرما ز سر ما برخاست» چه مفهوم را افاده می‌کند؟
۲. بهار بالای انسان‌ها، زمین، درختان چه تأثیر می‌آورد؟
۳. کی می‌تواند معانی کلمه‌های سرما، یغما، قاقم، حمرا و یارا را بگوید؟
۴. در نامه‌های خصوصی رعایت کدام نکات ضروری است؟

## کارخانه‌گی



۱. متنی در مورد بهار و اهمیت آن در زندگی انسان‌ها بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. متن کامل درس ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس ششم

درس امروز قوسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفات جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. فیض محمد کاتب هزاره کی بود؟

۲. او در کدام زمان می‌زیست؟

۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴. او چه کارهایی را انجام داد؟

۵. چرا او را «بیهقی ثانی» می‌گویند؟

### فیض محمد کاتب هزاره



ملافیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ هجری شمسی در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود. نام پدرش سعید محمد و نام پدر کلانش خداداد فرزند الله داد است که در منطقه ناهور غزنی زنده‌گی می‌کردن.

کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن دانش، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد و با اندوخته‌های فراوانی برگشت. فیض محمد به ولایت قندھار رفت و نزد «ملا محمد سرور اسحاقزی»، عالم دین و شخصیت سیاسی آن خطه، به شاگردی نشست. بعد از مدتی، برای کسب آموزش بیشتر روانه لاهور شد و به آموزش ادامه داد. پس از آن به ایران رفت و در حوزه علمیه قم مصروف تحصیل گردید. آخرین مرجع تحصیل او حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بود.

تحصیلات کاتب، مسلسل و روی یک رشته خاص تحت نظر استادان مشخص صورت نگرفته است؛ بنابرآن چنین به نظر می‌رسد که کاتب از استعداد سرشار برخوردار بوده و آنچه را آموخته از تلاش، جدیت و مطالعه مداوم شخصی خودش بوده است؛ یعنی در فراگیری دانش و آگاهی پیرامون وقایع جهان و روزگار، حس کنجکاوی ویژه‌بی داشته و همین کنجکاوی باعث شده که او به تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع بپردازد. کاتب هزاره علاوه بر مراتب علم و دانش در هنر خطاطی و خوشنویسی نیز صلاحیت استادی داشت. نسخه‌های متعددی از قرآن کریم را با خط زیبای خویش نوشته و چند جلد کتاب از تألیفات علمای گذشته را نیز با خط نستعلیق نوشته که تعدادی از آن کتاب‌ها تا اکنون در دسترس است؛ بنابرآن یکی از

دلایلی که کاتب به دربار راه می‌یابد و عضویت دارالانشا را حاصل می‌کند، درایت و استعداد خاص او در نویسنده‌گی و خوشنویسی است.

**وظایف رسمی فیض محمد کاتب:** آغاز وظایف رسمی ملافیض محمد کاتب، با پایان دوره تحصیل و آموزش او گره می‌خورد. زمانی که او عراق و حوزه علمیه نجف را ترک نمود، از طریق هندستان وارد جلال آباد شد. وقتی کاتب به جلال آباد رسید، این مصادف بود با زمانی که سردارنصرالله خان برادر امیر حبیب الله خان با ختم سفر زمستانی خود، جلال آباد را به قصد کابل ترک می‌کرد. فیض محمد دریافت که استاد سابق او، مولوی محمد سرور اسحاقی، به حیث مشاور همراه با سردار نصرالله خان است. پس او خود را به استادش رسانید و با توجه او، همراه با آن کاروان به کابل آمد. در ضمن با سردارنصرالله خان معرفی گردید و در دربار امیر به حیث عضو دارالانشا و مجلس تألف گماشته شد. پس از مرگ حبیب الله خان به وظیفه او در دارالانشا و مجلس تألف خاتمه داده شد و به دارالتألیف منتقل گردید که آنجا در تهییه و تنظیم کتاب‌های درسی سعی لازم و ارزشمندی به خرج داد و خود نیز به نوشتمن کتاب و مقالات پرداخت، چنانکه کتاب «تاریخ متقدمین» را در جریان کار در همین اداره تألف و چاپ کرد.

کاتب در تاریخ‌نگاری خویش از نوع واقعه‌نگاری استفاده کرده است. او رویدادها را از سال ۱۱۶۰ تا ۱۳۴۸ هـ.ق. که نزدیک به دو صد سال می‌شود، به صورت بسیار واقع‌بینانه و دور از مبالغه و گرایش‌ها با اتکا به مدارک مؤثق و دست اول منعکس ساخته است.

فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، عملأً فعال بود و هم در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندانه و با تدبیر تلاش می‌کرد. به عبارت دیگر آن گونه که آثارش نشان می‌دهد، او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته و هیچ‌گاه برای آسایش خودش، دور از درد و رنج مردم به سر نبرده است. تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند؛ زیرا او شاگرد راستین و ادامه دهنده راه ابوالفضل بیهقی است. بدان‌سان که ابوالفضل بیهقی، دانش، آزاده‌گی و فضیلت را بندۀ درهم و دینار نساخت و جوهر حقیقت را گاهی به آشکارا نویسی و صراحةً گرایی و گاهی به نیروی ابهام و الهام، طنز و کنایات در رگ‌های تاریخ حاری ساخت. فیض محمد کاتب، نیز آگاهانه مسیر بیهقی را پیمود و توانست با بهره‌برداری از قریحه توایش هدف اساسی خویش را که همانا ثبت واقعیت‌های تاریخی است، استادانه برآورده سازد.

بالآخره کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ هـ.ش. به سن هفتاد ساله‌گی در حالی که پنجاه سال آن را در خدمت فرهنگ و ادب به سر برده بود، وفات کرد و در بالاجوی چنداول به خاک سپرده شد.

## توضیحات



**آثار کاتب:** از ملافیض محمد کاتب آثار فراوانی بر جا مانده است که همه مأخذ پژوهشگران است. نه تنها محققان داخلی که تاریخ‌نگاران خارجی نیز به گفته‌های او استناد می‌ورزند.

مهمترین آثار او قرار زیر اند:

۱. **تحفة الحبیب:** جلد اول شامل وقایع و حوادث دوران سدوزایی و جلد دوم شامل وقایع دوران محمد زایی‌ها است.

۲. **سراج التواریخ:** (پنج جلد) که امروز تنها سه جلد آن در دسترس است.

۳. **فیضی از فیوضات:** که مهمترین و با ارزش‌ترین اثر قلمی کاتب بوده است.

۴. **تاریخ عصر امانیه:** بنا به فرمان تاریخی ۱۲۹۹/۲/۱۶ امام الله‌خان نگاشته شده که در آرشیف ملی افغانستان موجود است.

۵. **واقع افغانستان**

۶. **استقلال افغانستان**

۷. **تاریخ حکماء متقدمین (كتاب درسي)**

و بیشتر از بیست جلد کتاب، رساله و نوشته‌های دیگر.

واقعه‌نویسی: در زمان ملافیض محمد کاتب هزاره، تاریخ‌نگاری در افغانستان؛ مانند کشورهای دیگر اسلامی تابع روشی بود که از ظهور اسلام به بعد در مراکز مهم فرهنگی اسلامی آن روزگار مثل بغداد، کوفه و شهرهای دیگر - آنچه در آن هنگام، اراضی خلافت شرقیه نامیده می‌شد - مرسوم بود که آن مشتمل بر دو نوع اصلی و انواع فرعی دیگر می‌باشد: ۱. نوع خبر؛ ۲. نوع واقعه‌نگاری و یا تاریخ‌نویسی.

کاتب در تاریخ‌نگاری اش از نوع دوم که واقعه‌نگاری است، استفاده کرده است؛ زیرا واقعه نگاری به تفصیل در مورد قضایای تاریخی می‌پردازد. از قرن چهاردهم به بعد، مؤرخان روش

واقعه نگاری را به کاربرده و به قید سال، ماه و روز هم پرداخته‌اند.

فیض محمد کاتب در آثار خویش، آنچه در باره تاریخ افغانستان نوشته، در آن روش واقعه‌نگاری و تاریخچه‌نگاری را برگزیده و وقایع تاریخی را به قید سال بیان کرده و مانند مؤرخان قرن چهاردهم و پانزدهم تاریخ ماه و روز را نیز بر آن افزوده است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ ه.ش. در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود.
۲. کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن علوم، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد، و با اندوخته‌های فراوانی برگشت.
۳. کاتب در تاریخ‌نویسی خویش از نوع واقعه‌نویسی استفاده کرده است.
۴. فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، و هم در زمینه‌های تاریخ، فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندانه و با تدبیر فعالیت می‌کرد.
۵. او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته است.
۶. تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند.
۷. کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ ه.ش. به سن هفتاد ساله‌گی وفات یافت و در بالاجوی چنداول به خاک سپرده شد.
۸. مجموعه آثار کاتب به بیشتر از بیست اثر می‌رسد که مشهورترین آن: تحفة الحبيب، سراج التواریخ، فیضی از فیوضات، تاریخ عصر امانیه، وقایع افغانستان، استقلال افغانستان و تاریخ حکماء متقدمین می‌باشد.

## آیین نامه‌نگاری

- ۰ انواع نامه‌ها: نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده اند، که در زیر از هر یک آن نام می‌بریم:
۱. نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)
  ۲. نامه‌های دوستانه
  ۳. نامه‌های عاطفی
  ۴. نامه‌های اشخاص به دفاتر رسمی
  ۵. نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)
  ۶. نامه‌های آگاهی بخش و غیره
- با نظر داشت همه موارد یادشده، در مجموع نامه‌ها به دو دسته عمومی تقسیم می‌شوند:
- ۱ - نامه‌های خصوصی
  - ۲ - نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به گروهها تقسیم شده در مورد این که خواندن علم تاریخ چه فایده دارد، باهم گفتگو کنند و فواید آن را فهرست نمایند؛ سپس نتیجه را یک نفر از هر گروه به دیگران بگوید.
۲. دو تن از شاگردان به اساس نوبت در برابر صنف حاضر شده چند نوع نامه را نام ببرند و هر یک شان یک نوع نامه را به برداشت شخصی خود تعریف نموده و نمونه بیاورند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسند.
۲. این تصویر را با موضوع «استقلال» ارتباط داده، در مورد آن یک نامه هفت سطری به یکی از دوستان خود بنویسند.





۱. ملا فیض محمد کاتب هزاره در کجا به دنیا آمد و در کجا وفات یافت؟
۲. او چگونه به دربار راه یافت و به چه کاری مکلف شد؟
۳. تعداد مجموعی آثار کاتب چند است؟ از جمله پنج اثر مشهور او را نام ببرید.
۴. چرا تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند؟
۵. کاتب آموزش را در چه موقعی آغاز کرد و برای فراگرفتن دانش به کدام شهرها و کشورها سفر کرد؟
۶. واقعه‌نگاری به چه چیزی گفته می‌شود؟
۷. از مجموع انواع نامه‌ها چند نوع آن را یاد دارید؟
۸. در مجموع نامه‌ها به چند دسته عمومی تقسیم می‌شوند؟ هریک را نام ببرید.

### کار خانه‌گی



۱. در مورد شخصیت و کارنامه‌های ملافیض محمد کاتب هزاره یک مقاله بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

شیان وادی ایمن گهی رسد به مراد  
که چند سال به جان خدمت شعیب کرد  
حافظ

۳. متن کامل درس هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. مهمترین ارکان در ساختار شعر کدام‌هاست؟
۲. شعر چیست؟
۳. اسطو در مورد «وزن» چه گفته است؟ ۴. خیال انگیزی چیست؟
۵. اشعار حماسی و غنایی از هم چه فرق دارند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## شعر و اقسام محتوایی آن

کلمه «شعر» برگرفته از کلمه «شعور» عربیست. معنای لنوی این واژه، قوه ادراک یا احساس است. از آنجایی که این نوع سخن، با قوه ادراک و احساس و تخیل انسان سروکار دارد؛ پس آن را «شعر» نامیده اند؛ چون شعر برانگیزندۀ تخیل و شعور انسان است.

در تعریف اصطلاحی «شعر» نیز سخن بسیار رفته است. در قدیمترین اثری که پیرامون این نکته سخن به میان آمده، رساله «ایون» اثر افلاطون، فیلسوف مشهور یونان باستان، است که وی مایه و انگیزه سروden شعر را الهام می‌داند و به نقل از سقراط می‌گوید: «شاعران در حالت بیخودی شعر می‌سرایند و آهنگ و وزن شعر آن‌ها را مسحور می‌کند.» اسطو نیز این بحث را همچنان دنبال می‌کند و در رساله‌یی که درباب شعر نوشته، شعر را سخن موزون می‌داند و ابراز نظر می‌کند که وزن ملازم دایمی شعر است و هیچگاه شعر از وزن جدایی ندارد؛ همچنان وی معتقد بوده است که گرایش به توازن و هماهنگی، خود در نهاد فطری و غریزی انسان نهفته است که این دو، دست به دست هم داده و باعث پیدایش شعر و ادبیات شده است؛ پس از آن در دوره‌های اسلامی نیز دانشمندان این عرصه بر وجود «وزن» در شعر تأکید فراوان داشته اند؛ چنانچه شیخ الرئیس ابوعلی بن سینای بلخی، در تعریف شعر «وزن» را یک رکن اساسی شعر می‌داند و پذیرش هرگونه اثری زیرنام شعر را منوط به موزون بودن آن می‌داند. وی در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنی است رسا و خیال انگیز که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد.» این خلدون نیز در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنیست مرکب از پارچه‌های نوشتاری گستاخ، که همه پارچه‌ها از وزنی واحد پیروی نموده و حرف آخرشان با هم یکسان باشد. هر دو پارچه از این نوع سخن را «بیت» می‌نامند و کلمه‌ها و حرف‌های آخرين هر یک از این دو را به ترتیب به

نام‌های «قافیه» و «رَوِيٌّ» یاد می‌کنند. هر بیتی خود بیانگر معنایی مستقل است، که از نظر القای معنایی، نسبت به بیت قبلی و بعدی استقلال کامل دارد؛ چنانچه اگر بیتی را خارج از دایرهٔ بیان کلی یک شعر مطالعه کنیم، خود به تنها یک بیانگر معنایی مستقل باشد.»  
شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی معايير أشعارالعجم» و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «معيارالاشعار»، برعلاوهٔ عناصر ترکیبی دیگر شعر، بر دو عنصر «خيالانگیزی» و «وزن» تأکید بیشتر دارند.

دیده می‌شود که یکی از پایه‌های اساسی در ساختار «شعر»، همان عنصر «خيالانگیز» بودن آن است، که نه تنها دانشمندان قدیم بر وجود آن تأکید فراوان داشته اند؛ بلکه دانشمندان معاصر نیز «خيالانگیز» بودن شعر را یکی از اركان اساسی آن می‌دانند. از این گفته بر می‌آید که هر سخن منظوم و موزونی که قادر عنصر «خيالانگیزی» باشد، نمی‌تواند نام شعر برخود گیرد.

دانشمندان غربی نیز در تعریف شعر نمونه‌هایی ارائه داده اند، که تعریف‌های آنان به جای خود خالی از ایراد نیست و هیچ یک از آن‌ها نمی‌تواند تصویری کامل از شناخت شعر در ذهن مجسم سازد. «گوته» و «لاندرو» شعر را نوعی از هنرهای بیانی می‌دانند، که تعریف آن وابسته است به قوت تصویر پردازی هنری آن در ذهن. برخی دیگر از دانشمندان غربی تعریف‌هایی را درمورد شعر ارائه داده اند که هر دو بخش شکلی و محتوایی شعر را دربر می‌گیرد. یکی از آن جمله «ستدمان» است که در این مورد می‌گوید: «شعر زبان موزون تخلیل و انعکاس دهندهٔ معانی نو، اندیشه، عاطفه، و اسرار روح بشری است.»

با نظرداشت سخنان بالا، می‌توان شعر را چنین تعریف کرد: شعر سخنی است موزون یا آهنگیں که تصویرپردازی هنری آن موجب خیالانگیزی در ذهن شود.

### اقسام محتوایی شعر

اگر از عناصر فنی و ظاهری شعر بگذریم، زمینهٔ معنوی شعر، حاصل تجربهٔ عاطفی یا اندیشه و خیالی است که شاعر در آفرینش شعر خود به کار گرفته است. مجموع این زمینه‌های معنوی شعر را که محتویات آن را تشکیل می‌دهند، دانشمندان عرصهٔ ادبیات، به اقسام زیر دسته بندی کرده اند:

۱. **حمسی:** حمسه که در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است، از قدیمی‌ترین و مهمی‌ترین انواع ادبی به شمار می‌رود. حمسه از زمانی که ملتی در راه حصول عظمت و تمدن گام نهاده است، سخن می‌گوید. در آن، سخن از جنگ‌هایی است که برای استقلال و بیرون راندن یا شکست دشمن یا کسب نام و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته است. از این رو حمسه هر ملتی، بیان کنندهٔ آرمان‌های آن ملت است و مجاهدت آن ملت

را در راه سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند.

**۲. غنایی:** اشعار غنایی، آن است که احساسات و عواطف شخصی را به صورت کوتاه مطرح کند. در اکثر نقاط جهان شعرهای عاطفی و عاشقانه و سوزناک، با موسیقی همراه بوده است. عرب‌ها نیز شعرهای عاشقانه و عاطفی را به نام «الشعر الغنایی» یاد می‌کنند و شاید همین علت بوده که این‌گونه شعر را در زبان ما، به تبعیت از عربی، به شعرهای غنایی، ترجمه کرده‌اند. به هر حال، معادل قدیم آن غزل است. در شعر فارسی دری، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح می‌شود.

**۳. مدحی و هججویی:** مدح مضمون اصلی قصیده است و مقدار زیادی از شعرهای شاعران ماء، در مدح پادشاهان و بزرگان است. در مدح باید شخص را بیش از آن که است بنمایاند و به اصطلاح چهره‌بی را اسطوره کنند. در هجو، که صورت منظوم دارد، شاعر همه کوشش خود را به کار می‌برد؛ تا طرف را هجو کند و در این زمینه کار را به غلو و گاهی به زشتانگاری می‌رساند.

**۴. تعلیمی:** به سرودهایی گفته می‌شود که علمی را برای خواننده تشریح کند و یا مسائل دینی، اخلاقی، مذهبی و فلسفی را در قالب‌های شعری عرضه دارد. در ادبیات ما هرچند نمونه‌ها بیشتر مربوط به علوم نظری است؛ اما در علوم عملی هم نظم‌هایی سروده شده است؛ مانند: نورالانوار از بحرالاسرار مظفر علیشاہ کرمانی در علم کیمیا.

**۵. مرثیه:** مرثیه از نظر ماهیت جزء ادب غنایی است. مرثیه در ادب دری سابقه کهن دارد و در نخستین دیوان شعر فارسی دری؛ یعنی «دیوان رودکی» دیده می‌شود. مرثیه‌ها اغلب درباره مرگ پادشاهان و صاحبان قدرت و مقام یا بزرگان علم و ادب سروده شده است. بعضی مرثیه‌ها هم درباره فوت یکی از خویشاوندان است؛ مانند: مراثی فردوسی، خاقانی و حافظ درباره مرگ فرزندانشان.

گاهی مرثیه در سوگ کسی سروده نشده است؛ بلکه درباره از بین رفتن ارزش‌ها و گذشت ایام جوانی و شادکامی یا از بین رفتن عظمت یک تمدن است. مرثیه ممکن است در هر قالبی باشد: قصیده و قطعه، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و گاهی هم غزل و رباعی و مثنوی.

**۶. طنزی:** طنز از اقسام هجو است؛ اما فرق آن با هجو این است که تنیدی و تیزی و صراحة هجو در طنز نیست. در طنز معمولاً مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مطرح است. طنز کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است، به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و گاهی در آن تحقیری باشد. هزل و مطابیه هم عناصر و عواملی هستند که در ادبیات از آن‌ها برای ایجاد نشاط و خنده در خواننده استفاده می‌شود.

**۷. مناظره:** مناظره نیز از نظر ساختمن، جزء ادبیات حماسی است؛ زیرا در آن بین دو چیز

بر سر برتری و فضیلت یکی بر دیگری نزاع و اختلاف در می‌گیرد و هر یک با استدلال‌هایی خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجبوب می‌شود. ظاهراً اولین شاعری که به نوع ادبی مناظره پرداخته است اسدی (صاحب گرشاسبنامه) است. از او مناظراتی به نام‌های مناظره آسمان و زمین، مخ و مسلمان، نیزه و کمان، شب و روز، عرب و پارسی به جامانده است. قالب شعری مناظره قصیده یا قطعه است.

۸. **حبسیه**: بیشتر از موضوعات شعری است تا از انواع ادبی. حبسیه از فروع ادب غنایی شمرده می‌شود و در آن شاعر اندوه و رنج خود را در زندان توصیف می‌کند. نخستین و بیشترین حبسیه‌ها در دیوان مسعود سعد سلمان دیده می‌شود و بعد از او نیز شاعرانی که به زندان رفته اند، حبسیه سروده اند؛ چنانکه خاقانی چند حبسیه دارد. غیر از آنچه بر شمردیم، محتویات دیگری؛ مانند: دینی، انتقادی، وصفی، قصصی، مناجات و... نیز در اشعار زبان دری موجود است.

## توضیحات



شعر به مفهوم عام خود نه در تعریف می‌گنجد و نه در قالب، ولی شاعران و مخاطبان، به مرور زمان به تفاهم رسیده و شکل‌های خاصی را در مصراع‌بندی و قافیه‌آرایی شعر به رسمیت شناخته اند، که شاعران ما کمتر از محدوده این قالب‌ها خارج شده اند. قالب‌های معروف شعر در زبان دری عبارتند از: قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط، مستتراء، رباعی و دو بیتی.

## بخوانیم و بدانیم

۱. کلمه «شعر» برگرفته از کلمه «شعور» عربیست. چون این نوع سخن، با قوه ادراک و احساس و تخیل انسان سروکار دارد؛ پس آن را «شعر» نامیده اند.
۲. یکی از پایه‌های اساسی در ساختار «شعر»، عنصر «خيال‌انگیز» بودن آن است. دانشمندان قدیم و معاصر «خيال‌انگیز» بودن آن را یکی از ارکان‌های اساسی شعر می‌دانند.
۳. شعر سخنی است موزون یا آهنگ‌دار که تصویر پردازی هنری آن موجب خیال‌انگیزی در ذهن شود.
۴. محتویات شعر فارسی دری را مسایل حماسی، غنایی، مধی و هجوی، تعلیمی، دینی، انتقادی، وصفی، قصصی، مرثیه، طنز، مناظره، حبسیه و مناجات تشکیل می‌دهد.



### ۰ نامه‌های خصوصی

چنان که از نامش پیداست، به نامه‌هایی گفته می‌شود که میان دوستان، نزدیکان و خویشاوندان رد و بدل می‌شود. نامه خصوصی باید خشک و رسمی گونه نباشد و از هرگونه تعارف و تکلف و خودنمایی به دور بوده، مظہر صفا و صداقت و صراحة باشد؛ تا بر مهر و محبت بیفزاید، نه این که از آن دورتی به میان آید. نامه‌هایی که به بزرگترها می‌نویسیم، باید حاوی احترام توأم با محبت باشد؛ نامه‌هایی که به کوچکترها می‌نویسیم باید از عطوفت و مهربانی حکایت کند و بالآخره نامه همسالان و همپایه‌گان، باید آینه اخلاص و صمیمیت باشد.

رعایت ادب و حرمت در همه انواع نامه‌ها ضروری است. هریک از نامه‌های تسلیت و تبریک و دعوت و جز آن، باید به مقتضای حال، نمایشگر همدردی یا خوشحالی نویسنده و شرکت وی در غم و شادی مخاطب باشد. در نامه باید از مقدمه طولانی و پرگویی و بحث‌های بیمورد پرهیز نمود و نباید وقت خواننده را تلف کرد و نیز نباید نامه را چنان مختصر و تلگرافی نوشت که خواننده از فهم منظور عاجز بماند و یا دلالت بر سردی، کم مهری و بی اعتمایی نویسنده کند؛ همچنان از شکوه و شکایت و شرح ناکامی‌ها و ناسازگاری‌های روزگار و گرفتاری‌های شخصی تا حد امکان باید احتراز نمود.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان با هم صحبت نموده و پارچه شعری را انتخاب کنند که از نظر وزن، آهنگ، محتوا، قالب و عنصر خیال‌نگیزی برجسته باشد؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید و دلایل برازنده‌گی آن شعر را شرح دهد.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و با نظرداشت قواعدی که خوانندن، گروه اولی یک تبریک‌نامه و گروه دومی یک تسلیت‌نامه بنویسنند؛ بعد نماینده هردو گروه آن را برخته صنف بنویسنند و گروه مقابله آن را اصلاح کنند.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «تنها‌ی» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.

## خود آزمایی



۱. در نامه‌های خصوصی، رعایت کدام نکات ضروری است؟
۲. اشعار دری دارای چه نوع محتویاتی است؟
۳. به نظر شما یک شعر خوب باید دارای چه اوصافی باشد؟
۴. کدام عناصر در شعر از اهمیت ویژه‌یی برخوردار اند؟

## کار خانه‌گی



۱. جواب پرسش زیر را طی ده سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. شعر باید مطابق فهم مردم عام باشد و یا این که جامعه فرهنگی سطح فهم مردم را بالا ببرد تا مفاهیم شعر را همه مردم درک کنند نظر شما چیست؟ با دلایل واضح سازید.  
۳. این بیت را به حافظه بسپارید:

شاعر اندر سینهٔ ملت چو دل

ملت بی‌شاعری انبیار گل

علامه اقبال

۳. متن کامل درس هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. علم بیان چیست و از چه بحث‌می‌کند؟
۲. تشییه چیست و چند رکن دارد؟
۳. فرق مشبه و مشبه به در چیست؟
۴. رابطه‌های مجاز کدام است؟

در پایان معرفی، پرسش‌های بالا از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## علم بیان

بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن‌ها یک معنی به راه‌های گوناگون نشان داده می‌شود. شیوه‌های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنجانیده اند، که ما در این بخش به بررسی هریک از آن‌ها می‌پردازیم. این چهار زمینه که مباحث علم بیان است، عبارت است از:

۱. تشییه؛ ۲. استعاره؛ ۳. مجاز؛ ۴. کنایه

## ۱- تشییه

تشییه پیوند برقرار کردن میان دو چیز و همانند کردن آن‌هاست با واژه‌ها یا عباراتی ویژه؛ مانند: «علم درهای انسان، چون نور است.» در این مثال چهار پایه یا رکن وجود دارد، که ارکان تشییه نامیده می‌شود.

(۱) **مشبه**: چیزی که آن را به چیز دیگری مانند کرده‌ایم. (عنی علم)

(۲) **مشبه به**: چیز دوم که **مشبه**، به آن مانند شده است. (عنی نور)

(۳) **ادات تشییه**: واژه‌ایی که میان مشبه و مشبه به، پیوند برقرار می‌کنند. و آن‌ها عبارتند از: چون، چو، همچون، مانند، به سان، مثل، پنداری، گویی و...

(۴) **وجه شبیه**: صفت مشترک میان مشبه و مشبه به است (عنی هدایت)

**تشییه انواعی دارد، به شرح زیر:**

- **تشییه مؤکد**: گاهی ممکن است ادات تشییه حذف شود؛ مانند: روی او ماه است، اگر بر ماه مشک افشار شود. (که در اصل: روی او چون ماه است، بوده است)

- **تشبیه مجمل:** حذف وجه شبہ موجب می گردد؛ تا ذهن خواننده خود تلاش کند که دلیل همانندی را بیابد؛ مانند: تنم چون سایہ موی است و دل چون دیده موران. (وجه شبہ در اینجا باریکی {مو} و تنگی {دیده} است که حذف شده است)
- **تشبیه تسویه:** هنگامی است که چند مشبہ را به یک مشبہ بِهٗ تشبیه کنند؛ مانند: نقش خَوَنق است همه باع و بوستان فرش سبیرق است همه دشت و کوهسار
- **تشبیه جمع:** گاه یک مشبہ را به چند مشبہ به تشبیه می کنند؛ مانند:  
من همچو خار و خاکم و تو آفتاد و ابر
- **تشبیه بليغ:** در تشبیه بليغ ادات تشبیه و وجه شبہ هردو حذف می شود؛ مانند: عمر برف است.

در زبان ادبی، گاه مشبہ و مشبَه بِهٗ، با کسره به هم می بیوندد و به صورت اضافهٗ تشبیه‌ی بیان می شود؛ مانند: برفِ عمر. بنابرین اضافهٗ تشبیه‌ی، گونه‌یی از تشبیه بليغ است.  
چند نمونه:

قد سرو، تیر مژگان، شبنم عشق، باران رحمت، خوان نعمت، کلاه شگوفه، مهد زمین، دایه ابر بهاری، نوردانش، چراغ علم، تخم محبت، نسیم رحمت، سحاب رحمت، سیلاح اشک.

## ۲- استعاره

- هرگاه واژه‌یی به دلیل شباهتش با واژه دیگری به جای آن به کار رود، استعاره پدید می آید.  
به گفتهٗ دیگر، استعاره تشبیه‌ی است که یکی از طرفین تشبیه ذکر نشود.  
استعاره از لحاظ ذکر یا حذف مشبہ یا مشبَه بِهٗ، دو نوع است:

• **استعاره مُصرَحَه:**  
هنگامی است که مشبہ را حذف کنیم و تنها مشبہ به را ذکر نماییم؛ مانند:  
یکی درخت گل اندر میان خانه ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پستند «سعدي»  
که بیت بالا استعاره از جوانی بلند بالا و خوش اندام است.

ستاره‌یی بدرخشید و ماه مجلس شد. «حافظة» (استعاره از یار زیبا روی)  
فراش باد صبا را گفته تا فرش زمزدین بگسترد. «سعدي» (استعاره از چمن و سبزه)  
همی زور کرد این برآن آن بر این / نجنبید یک شیر بر پشت زین «فردوسی» (استعاره از پهلوان)  
• **استعاره مکنیه:**

این استعاره صورت معکوس استعاره مصراحت است؛ یعنی، در آن مشبہ به را حذف کرده و مشبہ را ذکر می کنند. ولیکن «مشبہ به» جای خود را به یکی یا چند اوصاف خود می دهد؛ مثلاً وقتی می گوییم: کام ظلم، ظلم را به حیوانی تشبیه کردہ‌ایم، که کام و دهان برای بلعیدن دارد و مظلوم را در کام خود فرو می برد.

نمونه‌های دیگر:

یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

دستِ روزگار، رخسار صحیح، چنگالِ مرگ، آستین عقل، دست طرب، چشم بخت.

### ۳ - مجاز

مجاز به کاربردن واژه در معنای غیرحقیقی است، به شرط آن که میان س حقیقی و معنای غیرحقیقی پیوندی برقرار باشد؛ مثلاً: هنگامی که می‌گوییم: «جهان انجمن شد بر تخت اوی» مراد از جهان، مردم جهان است.

طبق معمول رابطه‌های زیر باعث می‌شود که واژه‌یی در معنای مجازی به کار رود:

- رابطهٔ حال با جا: سراسر همه دشت بریان شدند. (دشت به جای مردم دشت آمده است)
- رابطهٔ کل با جزء: افغانستان در مسابقات فوتبال قهرمان شد. (که افغانستان به جای تیم فوتبال افغانستان آمده است)

• رابطهٔ جزء با کل: به کشن دهنده سر به یکباره‌گی (سر به جای تمام وجود آمده است)

• رابطهٔ لازم با ملزم: فلان را در دوستی پای نیست. (پای به جای پایداری آمده است) در اصطلاح علم بیان این رابطه‌ها را علاقه نیز می‌نامند.

### ۴ - کنایه

کنایه به معنای سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان، عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیرحقیقی (معنای نزدیک)، آن گونه که بتوان معنای حقیقی (معنای دور) آن را نیز اراده کرد.

به عنوان مثال در جمله‌های:

- «پرسیدم: پس چه خاکی بر سر بریزم.»
- «بقیه را فعلاً خط بکش.»

عبارت‌های مشخص شده دارای دو معنای نزدیک و دور اند؛ اما معنای دور آن‌ها مورد نظر است. «چه خاکی بر سر بریزم؟» در معنای حقیقی؛ یعنی «چه کار باید بکنم؟» و عبارت

«خط بکش» یعنی «نادیده بگیر.»

این نوع کاربرد را کنایه می‌گویند.

چند نمونه:

• در خانه او به روی همه باز است.

معنای نزدیک: همه می‌توانند وارد خانه او شوند.

معنای دور: مهمان نواز است.

• چشم به راه بودن

معنای نزدیک: یکسره و بدون توقف به راه دیدن

معنای دور: انتظار کشیدن

• کمر بستن

معنای نزدیک: کمریند را به کمر بستن

معنای دور: همت کردن

تفاوت کنایه با مجاز و استعاره در این است که در کنایه به هر دو معنای می‌توان دست یافت و هر دو معنا می‌تواند درست باشد (ولی گوینده معنای حقیقی را می‌خواهد).

## توضیحات



علم بیان که به یاری آن حالات گوناگون سخن را در هماهنگی با حال شنوونده و خواننده تعیین می‌کنند، به سه نوع ایجاز، اطناب و مساوات نیز تقسیم می‌شود:

ایجاز: عبارت است از بیان مقصود و معنا در کوتاهترین لفظ و کمترین عبارت، مشروط بر آن که رساننده مقصود باشد.

اطناب: درازگویی و آوردن واژه‌ها و عبارات زاید و بسیار در سخن را گویند، که معنای آن‌ها کم و اندک باشد.

مساوات: یعنی آوردن لفظ به اندازه معنا، که برای رسانیدن مقصود گوینده مناسب است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن‌ها یک معنای به گونه‌های مختلف نشان داده می‌شود.

۲. شیوه‌های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنجانیده اند، که عبارتند از:  
(۱) تشبیه؛ (۲) استعاره؛ (۳) مجاز؛ (۴) کنایه

۳. علم بیان از نظر سنجش حالات سخن به سه بخش ایجاز، اطناب و مساوات تقسیم می‌شود.

۴. تشبیه اقسام زیادی دارد. مهمترین آن تشبیه مؤکد، مجمل، تسویه، جمع و بلیغ نام دارد.

۵. تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبہ.

۶. کنایه، سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان، عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیرحقیقی (معنای نزدیک)، طوری که بتوان معنای حقیقی (معنای دور) آن را نیز اراده کرد.

## آین نامه‌نگاری

### • بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی

معمولاً نامه‌های خصوصی دارای بخش‌هایی اند که ترتیب آن به صورت زیر است:

۱. آدرس گیرنده (آدرس مرسل الیه)
  ۲. تاریخ
  ۳. عنوان که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.
  ۴. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)
  ۵. متن نامه
  ۶. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
  ۷. نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او
  ۸. آدرس فرستنده (آدرس مرسل)
  ۹. امضا (در صورت لزوم)
- معمولاً بخش‌هایی از آنچه گفته شد، فقط روی پاکت نوشته می‌شود؛ مانند: آدرس فرستنده و گیرنده و بخش‌هایی هم روی پاکت و هم روی نامه نوشته می‌شود؛ مانند: مشخصات نویسنده نامه، تاریخ و عنوان گیرنده.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند و هر گروه درباره یکی از اجزای علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) باهم گفتگو کنند و یک یک جمله به حیث مثال بسازند؛ سپس از هر گروه یک شاگرد در برابر صنف آمده آن جمله‌ها را تشریح و توضیح نمایند.
۲. شاگردان باهم گفتگو کنند و با نظرداشت قواعد بالا، یک نامه خصوصی کامل بنویسن؛ سپس یک شاگرد در برابر صنف آمده، آن نامه را بخواند و قسمت‌های مختلف نامه را برای دیگران واضح سازد.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «مهر مادر» ارتباط داده در مورد آن یک نامه به مادر تان بنویسید.

## خود آزمایی



۱. تشیبیه را تعریف نموده و اقسام آن را نام ببرید.
۲. تشیبیه چند رکن دارد؟ همه را نام گرفته و تعریف کنید.
۳. نامه‌های خصوصی از چند بخش تشکیل می‌شود؟ هریک را نام ببرید.
۴. استعاره مکنیه و استعاره مصرحه از هم چه فرق دارند؟ با مثال واضح سازید.

## کار خانه‌گی



۱. در مورد هر آنچه می‌خواهید، یک متن بنویسید، که در آن تشیبیه و استعاره، به کار رفته باشد؛ سپس هریک آن‌ها را مشخص کنید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

علم بیان دُ سخن پرورد  
پُرخور و خوابست که تن پرورد  
حاجب شیرازی

در صدف سینه و دریای دل  
بیخبر از جان و ز جانانه کیست

۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## نهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. انجمن چیست؟

۲. اهداف انجمن ادبی کابل چه بود؟

۳. نخستین بار انجمن ادبی در کدام شهر افغانستان تشکیل شد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

## انجمن‌های ادبی افغانستان

انجمن جایی است که گروهی به طور مؤقت یا دائم برای مشوره در امری گرد هم بیایند و انجمن ادبی، گردهمایی ادبیان، شاعران و نویسنده‌گان، به منظور کار بر روی مسائل ادبی، در زیر چتر یک سازمان یا بنیاد را نامند.

انجمن‌های ادبی در کشور ما سابقه طولانی دارد. در زمانه‌های قدیم رسم چنان بوده که نشستهای کوچکی تشکیل می‌شد و در آن نشسته‌ها، شاعران و نویسنده‌گان آثار خود را خوانده و در مورد آن آثار به بحث می‌پرداختند؛ اما هیچگاه صورت رسمی و تشکلی گستردۀ نداشته و تنها در سطحی دوستانه و کوچک برگزار می‌شد. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، با تشکیل «انجمن ادبی کابل» در پانزدهم ماه جوزای سال (۱۳۱۰ هش). آغاز شد.

### ۱. انجمن ادبی کابل

این انجمن که در آغاز به مدیریت محمد انورخان بسمل به میان آمد، مرامنامه‌یی در ۱۴ ماده تدوین کرد و در آن هدف اصلی خود را همسان کردن اصول نگارش و ایجاد سبک معین نظم و نثر، تربیت روحیه ادبی و تکامل آن و تحقیق در تاریخ افغانستان خواند. این انجمن به نشر «مجله کابل» پرداخت که تا ۱۲ شماره انتشار یافت؛ همچنان سالنامه‌یی به نام «سالنامه مجله کابل» از سوی این انجمن نشر می‌شد و شعبه‌های تاریخ، تألیف، ترجمه، لغت، ادب عامه و ادبیات جزء تشکیل انجمن ادبی کابل بود.

نخستین اعضای آن ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، عبدالعلی مستغنی، میر غلام محمد غبار، غلام سرور جویا، محمد سرور گویا و تنی چند از نویسنده‌گان دیگر بودند.

انجمن ادبی کابل، که حدود هفت سال فعالیت داشت، کارهای مهمی در زمینه تاریخ سیاسی و ادبی افغانستان انجام داد و سبب مطرح شدن تعداد قابل توجهی از شعراء، نویسنده‌گان، تذکره‌نویسان



و شناساندن بعضی رجال ادبی، و علمی به جامعه شد. انجمن کتابخانه کوچکی با کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و لغت به زبان‌های دری، پشتو، عربی، انگلیسی، ترکی و فرانسوی تأسیس نمود و تالیف، ترجمه و تصحیح کتاب‌های متعدد از دیگر فعالیت‌های مهم انجمن ادبی کابل به شمار می‌رفت. از نخستین کتاب‌هایی که انجمن تألیف نمود اخلاق عسکری، قرائت فارسی برای صنوف چهارم و پنجم، تاریخ افغانستان، تاریخ ادبیات افغانستان و تذکره مشاهیر افغانستان را می‌توان نام برد. یکی دیگر از کارهای بزرگ انجمن ادبی کابل تدوین دایرة المعارف آریانا بود که نخستین شماره آن در سال (۱۳۲۷هـ.) به زبان‌های دری و پشتو منتشر شد.

## ۲. انجمن ادبی هرات

این انجمن در سال ۱۳۰۹هـ.ش. به ریاست قاضی محمد صدیق خان تشکیل شد و پس از انجمن ادبی کابل رسیتی یافت.

انجمن مذکور ماهنامه‌یی را به نام «مجله هرات» در موضوعات ادبی، تاریخی، هنری و اجتماعی به چاپ می‌رساند. نخستین شماره این ماهنامه در ۱۵ حوت ۱۳۱۰هـ.ش. منتشر شد و انتشار آن تا سال ۱۳۴۸هـ.ش. ادامه داشت. از اعضای انجمن می‌توان از منشی عبدالکریم احرار و محمد سرور جویا نام برد. این کانون ادبی، مرکز شایسته‌یی برای تلاش‌های فرهنگی و محیط سودمندی برای رشد استعدادهای ادبی به شمار می‌رفت. کنفرانس‌های آموزنده و بزم‌های ادبی آگاهی دهنده و چاپ آثار قلمزنان هرات در نامه انجمن از دستاوردهای این نهاد است.

انجمن ادبی هرات مدت یازده سال از ۱۳۲۲ تا ۱۳۴۱هـ.ش. کانون گرم دوستداران فرهنگ و ادبیات در هرات بود و با انتشار ۱۴۴ شماره مجله ادبی هرات خدمات پر ارجی را انجام داد.

## ۳. انجمن ادبی قندهار

انجمن دیگری که به موازات انجمن ادبی هرات و تقریباً همزمان با آن از سال ۱۳۱۱هـ.ش. شروع به فعالیت کرد، انجمن ادبی قندهار بود. این انجمن «مجله قندهار» را به زبان پشتو به نشر می‌رساند. سر انجام این انجمن در اثر ایجاد موانع و مشکلات از فعالیت بازماند و مسدود گردید.

## توضیحات

انجمن ادبی کابل کتابخانه کوچکی با کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و لغت به زبان‌های دری، پشتو، عربی، انگلیسی، ترکی و فرانسوی تأسیس نموده بود که بسیاری از کتاب‌های

این انجمن از کتابفروشی‌های کشورهای مختلف خریداری شده بود.

### بخوانیم و بدانیم

۱. انجمن ادبی، گردهمایی ادبیان، شاعران و نویسنده‌گان، به منظور کار بر روی مسائل ادبی، در زیر چتر یک سازمان یا بنیاد را گویند.

۲. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، با تشکیل «انجمن ادبی کابل» در پانزدهم ماه جوزای سال (۱۳۱۰ هـ.ش.) آغاز شد.

۳. هدف اصلی انجمن ادبی کابل همسوکردن اصول نگارش و ایجاد سبک معین نظم و نثر، تربیت روحیه ادبی و تکامل آن و تحقیق در تاریخ افغانستان بود.

۴. انجمن ادبی هرات در سال ۱۳۱۱ هـ.ش. به ریاست قاضی محمد صدیق تشکیل شد و ماهنامه‌یی به نام «مجله هرات» در موضوع‌های ادبی، تاریخی، هنری و اجتماعی به چاپ می‌رساند.

### آیین نامه‌نگاری

#### • بخش‌های اصلی نامهٔ شخص به دفتر رسمی

این نوع دیگری از نامه‌های است، که ما آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. این گونه نامه‌ها چه در بیان تقاضا و طلب باشد و چه در بیان آگاهی و یا پرسش، دارای بخش‌هایی است همانند بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی؛ با اندکی تفاوت، که در زیر به شرح آن می‌بردازیم:

۱. نشانی کامل فرستنده (کنار راست در بالای صفحه)

۲. نشانی کامل گیرنده (کنار چپ در بالای صفحه)

۳. تاریخ (کنار چپ صفحه در زیر نشانی گیرنده)

۴. موضوع (کنار چپ صفحه در زیر تاریخ)

۵. عنوان که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.

۶. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)

۷. متن نامه

۸. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)

۹. نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او (کنار چپ صفحه)

۱۰. امضا (حتمی است)

۱۱. ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، سه سانتی پایین تر از امضا)

۱۲. گذاشتن حداقل پنج سانتی متر فاصله سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه، یادداشت و....

## کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم گفتگو کنند و فهرستی از کارهایی را که یک انجمن ادبی باید آن را انجام دهد، تهیه نمایند؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
۲. چندتن از شاگردان در مورد نقش انجمن‌های ادبی در جامعه سخنرانی کنند.



## املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. یک تن از شاگردان یک نامه شخصی به دفتر رسمی بر روی تخته بنویسد و دیگران آن را اصلاح کنند.
۳. این تصویر را با موضوع «سکوت و اندیشه» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.

## خود آزمایی



۱. انجمن چیست و انجمن ادبی به چه چیزی گفته می‌شود؟
۲. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، چه زمان و به چه شکل آغاز شد؟
۳. هدف اصلی انجمن ادبی کابل چه بود؟
۴. نامه شخص به دفتر رسمی را تعریف کنید.
۵. در نامه شخص به دفتر رسمی، ذکر ضمیمه‌ها در کدام قسمت نوشته می‌شود و آیا گذاشتن فاصله سفید در پایین صفحه ضروری است؟

## کار خانه‌گی



۱. در مورد وظایف انجمن‌های ادبی و نقش آن‌ها در ارتقای سطح ادبیات در جامعه مقاله‌یی بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

تا طبایع نیست مألف انجمن و برانه است  
ناقص افتاد خوشه چون بی‌ربط بالد دانه‌ها  
بیدل
۳. متن کامل درس دهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. ظلم از دیدگاه لغت و حقوق چه معنا دارد؟
۲. پیامدهای فردی و اجتماعی ظلم چیست؟
۳. چند مثال درمورد ظلم ارائه کنید.
۴. تجاوز از حدود چه معنا دارد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## نکوهش ظلم

ظلم درلغت، ستم کردن و جور و بیداد کردن را گویند. و از نظر حقوقی، تجاوز از حد عدالت را ظلم گویند. عدالت به معنای این است که حق هر کس را ارج نهند و با او به اندازه مقام و شایسته‌گی اش رفتار کنند؛ بنابرین ارج ننهادن به حقوق دیگران و در نظر نگرفتن حدود، ظلم است.

هر صفتی یک حد وسط دارد که اگر از آن حد تجاوز شد، چه به این سوی و چه به آن سوی، ظلم حساب می‌شود؛ مثلاً میانه‌روی در خرج کردن، عدالت است پس اگر کسی اسراف کند و زیاده روی نماید تا جایی که خانواده خود را به اذیت بیندازد و به آنان رحم نکند و نانی برای خوردن‌شان ذخیره ننماید، از حد تجاوز کرده و ظلم نموده است و اگر کسی بخل ورزد و اموال خود را در بانک‌ها نگه دارد و حقوق فقرا و مستمندان را نداده، حقوق شرعی خود را نپردازد و در راه خدا انفاق ننماید، او نیز تجاوز کرده و از حد اعتدال خارج شده و ستم نموده است.

همچنین اگر ما کثافت و خاکروبهای منازل خویش را از خانه کشیده و در سرک و یا در جوی کوچه بیندازیم، از حدود تجاوز کرده و ظلم کرده ایم. اگر دود موتر ما به حدی برسد که باعث آلوده‌گی هوا شود، به حدود دیگران تجاوز کرده و ظلم کرده‌ایم. اگر خود در موتر نشسته قطی، پوست ساقچ و بوتل‌های خالی نوشابه‌ها را از کلکین موتر به روی سرک بیندازیم، ظلم کرده‌ایم. اگر صدای موسیقی را به حدی بلند کنیم که باعث اذیت و آزار دیگران شود، ظلم کرده‌ایم. اگر چراغ‌ها و وسایل برقی را بدون ضرورت روشن بگذاریم، به خود و دیگران ظلم کرده‌ایم. اگر اوقات گران‌بهای عمر خویش را با دیدن فلم‌ها، پارچه‌های موسیقی و

سریال‌های مبتدل خایع سازیم، ظلم کرده‌ایم. اگر نول‌های آب را بی‌مورد باز بگذاریم و یا در هنگام موترشویی، کالاشویی، ظرفشویی و آپاشی، آب را بیش از مقدار ضرورت مصرف کنیم، ظلم کرده‌ایم؛ اگر در کارهای خانه سهم نگیریم و تمام کارها را به دوش دیگران بیفگنیم، ظلم کرده‌ایم، همچنان هر نوع اعمال غیر قانونی و در نظر نگرفتن حقوق همه مردم در اسناد تقنیتی ظلم گفته می‌شود و خلاصه صدھا مورد دیگر، که همه این گونه موارد ظلم به حساب آمده و سزاوار باز پرس خواهد بود؛ بنا برین هر نوع تجاوز از حدود تعیین شده ظلم است؛ ولی نسبت‌ها به تناسب اوضاع و احوال فرق می‌کند؛ پس از این گفته‌ها نتیجه می‌گیریم که ظلم دارای مفهومی گسترده بوده و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق هم‌دیگر و نافرمانی انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می‌شود؛ چه آن زیان کوچک باشد یا بزرگ، در هر دو صورت ظلم است و سزاوار نکوهش و کیفر می‌باشد.

خوشبختانه، ادبیات دری در وضاحت مفهوم و نکوهش از ظلم، صدھا و هزارها مورد را به شکل حکایت، داستان، افسانه، روایت، قصه و شعر در خود نهفته دارد که جهت روشنی بیشتر موضع، یکی دو نمونه آن را نقل می‌کنیم.

آورده اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی، صیدی کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت، تا نمک آرد. نوشیروان گفت: «نمک به قیمت بستان، تا رسمی نشود ناستوده و روستا خراب نگردد». گفتند: از این چه قدر خلل زاید. گفت: «بنیاد ظلم در جهان اول اندک بوده است، هر که آمد بر او مزیدی کرد تا بدین غایت رسید.»

اگر زیاغ رعیت ملک خورد سیبی  
برآورند غلامان او درخت از بیخ  
به یک بیضه که سلطان ستم روا دارد  
زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ

همچنان خواجه عبدالله انصاری، در نکوهش از ظلم چنین گفته است:  
ای عزیز! در ظلم مگشای و از آه مظلومان حذر نمای، که ظلم نمودن از خدا بیخبریست  
و مظلومان را کوی به کوی راندن، مایه در به دریست. بنیاد ستم، خرابی اساس دین است  
و ظالمان را عذاب الهی در کمین است.

هزار همچو تو از خانمان براندازد  
زسوز سینه پیری که ناوک اندازد  
که گر به کوه زند، روزنی در آن سازد  
فغان و ناله به عرش و ملایک اندازد  
مکن اگر آه فقیری شبی برون تازد  
زتیر آه یتیمان مگر نمی‌ترسی  
حذر نمای از آن ناله سحرگاهی  
به وقت نیمه شبی گر بگوید ای الله

هزار جوشن فولاد اگر بپوشی تو  
 متاز برس مظلوم ساکن ای ظالم  
 اگر بهل نکند سایل ستم دیده  
 ز بار جور لئیمان منال عبدالله  
 که گر خسی بزند کردگار بنوازد  
 خواجه عبدالله انصاری

## توضیحات

**خواجه عبدالله انصاری:** شیخ‌الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن ابی‌منصور محمد (زاده ۳۹۶ هـ. ق.) معروف به «پیرهرات» دانشمند و عارف، از اعقاب ابو ایوب انصاری است. مادرش از مردم بلخ بود و عبدالله خود در هرات متولد شد. از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا داشت. وی در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او بود. محل اقامتش بیشتر در هرات بود و در آنجا تا پایان زنده‌گانی به تعلیم و ارشاد اشتغال داشت. انصاری شعر می‌سرود و لیکن بیشتر شهرت وی به جهت رسالات و کتب مشهوری است که تألیف کرده است. از رسائل منتشر او که به نثر مسجع نوشته مناجات‌نامه، نصایح، زادالعارفین، کنز السالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت‌حصار، رساله دل و جان، رساله واردات و الهی‌نامه را می‌توان نام برد.

### بخوانیم و بدانیم

۱. ظلم در لغت، ستم کردن، جور و بیداد کردن را گویند و از نظر حقوقی، تجاوز از حد عدالت را ظلم گویند.
۲. عدالت به معنای این است که حق هر کس را ارج نهند و با او به اندازه جایگاه و شایسته‌گی اش رفتار کنند.
۳. اگر ما کثافات و خاکروبهای منازل خویش را از خانه کشیده و در سرک و یا در جوی کوچه بیندازیم، و یا خود در موتر نشسته و پوست ساقچ و بوتل‌های خالی نوشابه‌ها را از کلکین موتر به روی سرک بیندازیم، از حدود تجاوز کرده و ظلم کرده‌ایم.
۴. ظلم دارای مفهومی گسترده بوده و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق همیگر و نافرمانی

انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می‌شود.  
۵. ارج ننهادن به حقوق دیگران و در نظر نگرفتن حدود، ظلم است.

#### ۰ نکات ضروری در نامه شخص به دفتر رسمی

وقتی برای اداره، دفتر رسمی و یا شخص مهمی نامه می‌نویسیم که رابطه کاری با او داریم، در چنین مواردی نمی‌شود از روش نامه دوستانه استفاده کرد و این کار نوعی توهین به شخص گیرنده محسوب می‌شود. نوشتن این‌گونه نامه‌ها مستلزم رعایت یک سلسله نکات ضروری است که در زیر به توضیح آن می‌پردازیم:

۱. نامه باید در یک طرف صفحه نوشته شود و باید در حاشیه آن‌ها چیزی نوشت.
۲. متن نامه باید با نهایت دقیقت در صحت مطالب تهییه شود.
۳. متن نامه باید شایسته فرد گیرنده باشد و پست و مقام شغلی فرد گیرنده باید در نظر گرفته شود.
۴. در نامه باید شیوایی بیان و روانی مطلب نیز در نظر گرفته شود و از واژه‌های ناماؤس باید استفاده گردد.
۵. از حشو (به کار بردن کلام زاید) خود داری شود.
۶. در نامه به هیچ وجه، باید از کلمه‌ها و جمله‌های عامیانه استفاده کرد.
۷. از نشانه‌های قراردادی (کامه، سمیکولون، نقطه و...) باید درست و به جا استفاده کرد.
۸. در نامه باید از استفاده کردن جمله‌های توهین‌آمیز، تهدیدآمیز و مشکل‌آفرین خودداری کرد.
۹. نامه باید در کاغذهای مناسب نوشته شود تا امکان ارجاع و حاشیه‌نویسی داشته باشد.
۱۰. نامه تا حد امکان باید تایپ شود یا حد اقل با خط خوانا نوشته شود.
۱۱. سلسله مراتب باید رعایت شود؛ عدم رعایت سلسله مراتب توهین تلقی می‌شود.
۱۲. اگر مخاطب نامه را نمی‌شناسیم، نامه را باید با یک عنوان کلی بنویسیم. در هر اداره یک سیستم تفکیک نامه وجود دارد که باعث ارسال نامه به مکان مورد نظر می‌شود.
۱۳. اگر نامه به وسیله اینترنت مکاتبه شود: (الف) از رنگ‌های ملایم (مثل آبی) استفاده گردد.  
(ب) تایپ همه نامه‌ها با فونت بزرگ یک نوع توهین محسوب می‌شود. (ج) ارسال تعداد زیاد ایمیل برای یک مکان کار درستی نیست.

## کارگروهی و سخنرانی

شاگردان باهم گفتگو کنند و برای سه مورد ظلم در مکتب، در خانه و در اجتماع پنج پنج  
مثال بر روی یک صفحه کاغذ بنویسند؛ سپس چند تن از شاگردان با کاربرد مثال‌ها در مورد  
ظلم مطالبی ارائه کنند.

## املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. تصویر زیر را با موضوع «نکوهش ظلم» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطري  
بنویسند.





۱. ظلم را تعریف کنید.
۲. عدالت به چه چیزی گفته می‌شود؟
۳. در چه صورت‌هایی، ما از حدود تجاوز کرده و مرتكب ظلم می‌شویم؟
۴. ظلم شامل چه چیزهایی می‌شود؟
۵. مهمترین نکات قابل رعایت درنامه شخص به دفتر رسمی چیست؟
۶. اگر نامه به وسیله اینترنت مکاتبه شود، چه مواردی را باید رعایت نمود؟
۷. ایات زیر چه معنایی را افاده می‌کند؟  
اگر زیاغ رعیت ملک خورد سیبی  
به یک بیضه اگر سلطان ستم روا دارد
- براورند غلامان او درخت از بیخ  
زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ

### کار خانه‌گی



۱. ده مورد از چیزهایی را که ظلم است و در جامعه ما مردم بدان اعتمنا نمی‌کنند، در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این ایات را به حافظه بسپارید:  
آنکس که به کوه ظلم خرگاه زند  
ای راهزن از دور مكافات بترس  
خود را به دم آه سحرگاه زند  
راهی که زنی ترا همان راه زند  
ابوسعید ابوالخیر
۳. متن کامل درس یازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## یازدهم

- درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. «جز دانش و حکمت نبود میوه انسان» چه مفهوم دارد؟
  ۲. چرا سپیدار گریه کرد؟
  ۳. فرق بین یک شاخ پر ثمر و بی ثمر در چیست و به زنده‌گی انسان چه رابطه دارد؟
  ۴. پرونین اعتمادی کیست؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### درخت بی بر

از جور تبر زار بنالید سپیدار  
از تیشه هیزم شکن و اره نجسار  
دست قدرم کرد به ناگاه نگونسار  
کین موسم حاصل بود و نیست ترا بار  
شد توده در آن باغ سحر هیمه بسیار  
بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار  
اندام مرا سوخت چنین ز آتش اد بار  
زین جامه نه یک پود بجا ماند و نه یکتار  
در صفحه ایام نه گل ماند و نه گلزار  
آن را که بسوزند چو من گریه کند زار  
کو دعوی دیروزی و آن پایه و مقدار  
نا چیزی تو کرد بدینگونه ترا خوار  
فرجام، به جز سوختنش نیست سزاوار  
ای میوه فروش هنر این دکه و بازار  
کردار نکو کن که نه سودیست ز گفتار

آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز  
کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی  
این باکی توان گفت که در عین بلندی  
گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس  
تا شام نیفتاده صدای تبر از گوش  
دهقان چو تنور خود از آن هیمه برافروخت  
آوخ که شدم هیزم و آتش گر گیتی  
هر شاخه ام افتاده در آخر به تنوری  
چون ریشه من کنده شد از باغ بخشکید  
از سوختن خویش همی زارم و گریم  
کو دولت فیروزی و آسایش و آرام  
خندید برو شعله که از دست که نالی  
آن شاخ که سر بر کشد میوه نیارد  
جز دانش و حکمت نبود میوه انسان  
از گفته نا کرده بیهوده چه حاصل

پرونین اعتمادی



- \* شعری را که خواندید از نقطه نظر قالب شعری قطعه است.
- قطعه(شعر): چند بیت هم وزن و هم قافیه است که قافیه را در مصراج اول بیت اول آن رعایت نکنند و در آن از یک مضمون بحث کنند.
- \* در شعر درخت بی بر نگونسار به معنای (سرچپه) هیمه (چوب هیزم) ادبار(بدبختی) باز (حاصل میوه) آمده است.
- \* پروین اعتمامی در سال ۱۲۸۵ هـ ش. تولد یافت؛ وی از کودکی زبان شاعری گشود و در عنفوان شباب از معروفترین شاعران زمان خود گردید.
- پروین در قصاید خود از حیث الفاظ پیرو سبک شاعران قرن پنجم و ششم به ویژه ناصر خسرو بلخی است و در اشعار دیگر از قطعه‌ها و مثنوی‌های پر ارزش و غزل‌ها و غیره سخن او بیشتر زنگ سخن عراقی دارد و غالباً ساده است.
- اندیشه‌های وی نو و متضمن نکات اجتماعی و اخلاقی و انتقادی است، و تمثیل‌های نفر و اندزهای حکیمانه و طرز تفکر او مایه شگفتی است.
- پروین اعتمامی در سال ۱۳۲۰ هـ ش. وفات یافت.

### بخوانیم و بدانیم

۱. درخت بی بر درخت بی ثمر و بی حاصل را گویند که فقط می‌توان آن را اره نمود و چوب آن را به حیث هیزم سوخت به کار گرفت.
۲. قطعه نوع شعری است که در مصراج اول قافیه مراعات نشده و در آن از یک مضمون بحث کند.
۳. شاخی که بلند باشد و حاصل ندهد، عاقبت سزاوار او جز سوختن چیزی دیگر نیست.
۴. انسانی که دانش نیندوزد، مانند درخت بی حاصل است.

## • آدرس‌نویسی روی پاکت مراislات

نوشتن آدرس یا نشانی در زبان دری دقیقاً برخلاف بسیاری از زبان‌ها از جمله انگلیسی است؛ بدین معنا که از موارد بزرگتر به سمت موارد کوچکتر می‌رود؛ به ترتیب زیر:

۱. نام کشور
۲. نام ولایت
۳. نام ولسوالی
۴. نام قریه
۵. نام ناحیه
۶. نام یا شماره منزل
۷. نام یا شماره کوچه
۸. شماره سرک
۹. نام و نام خانواده‌گی گیرنده.

### تفصیلات

۱. در همه زبان‌هایی که از راست به چپ نوشته می‌شوند (دری، پشتون، عربی، ازبکی و...)، قاعده همان است که در بالا گفته‌یم؛ یعنی از موارد بزرگ آغاز نموده به سوی موارد کوچک باید رفت.
۲. اگر نامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود که ترتیب نوشتاری آن کشور از راست به چپ است، در آن صورت عین قاعده بالا بر آدرس گیرنده و فرستنده تطبیق می‌شود.
۳. اگر نامه به داخل کشور فرستاده می‌شود، دیگر نوشنونام کشور ضروری نیست.
۴. اگر نامه از مرکز یک ولایت به مرکز ولایت دیگری فرستاده می‌شود، طبیعی است که نام ولسوالی و قریه نوشته نمی‌شود.

فرستنده: کابل - قلعه فتح‌الله‌خان، ناحیه دهم،  
سرک ۸، منزل شماره (۳۱۱)، انجینیر رحیم گل.

محل نصب  
تکت پستی

گیرنده: بامیان- ولسوالی پنجاب، قریه تگاب برگ،  
پهلوی مکتب ذکور، منزل احمد حسین خان.

۵. آدرس فرستنده به ترتیبی که گفتیم، در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود.  
 ۶. آدرس گیرنده به همان ترتیب در سمت راست، کنار پایینی پاکت نوشته می‌شود.

## کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده و در مورد درس صحبت نمایند. و یک نفر از هر گروه نتیجه صحبت خود را در مقابل دیگران بیان دارد.
۲. یک شاگرد در برابر صنف قرار گرفته و مراحل مختلف آدرس‌نویسی را روی پاکت مراسلات با ترسیم نمونه‌ها روی تخته شرح دهد.



## املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. در ارتباط تصویر صفحه با متن درس مقاله‌یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



۱. قطعه چگونه شعر است؟
۲. پروین اعتضامی کیست؟
۳. چرا انجام درخت بی بر سوختن است؟
۴. اگر در عقب پاکت مراسلات آدرس فرستنده را در سمت راست کنار پایینی پاکت بنویسیم چه می‌شود؟

## کار خانه‌گی



۱. خلاصه و مفهوم شعر درخت بی بر را در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید: نگه نتوان نوشتن بر بیاض چشم قربانی هوس در نسخه تسلیم ما صورت نمی‌بندد
۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس دوازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زبان دری و فارسی از یکدیگر چه تقاضا دارند؟
۲. چرا این زبان را گاهی فارسی و گاهی دری می‌گویند؟
۳. شاعران شبه قاره به کدام زبان شعر گفته اند؟
۴. این زبان در کجا و در کدام زمان به میان آمده است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود

### فارسی یا دری؟

زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه‌ها، حوادث متعددی را پشت سرگذاشت و مواجه به تغییرات و تحولات بی‌شماری گردیده است. این زبان، جاده هموار را طی ننموده؛ بلکه همواره در تغییر و نوسان بوده است. گاه از چهره ظریف طبیعت وصف نموده و زمانی سیمای خشن زنده‌گی انسان را به تصویر کشیده است.

به گواهی تاریخ، زبان دری، که قدامت در حدود دوهزارسال دارد، بر سر زمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده هندواریایی پا به عرصه وجود نهاده است که در نخست ساکنان کابلستان، زابلستان، غزنیان، بدخشنان، نیمروز سیستان، بلخ، هری، گنده‌هارا و اراکوزیا آن را وسیله افهام و تفہیم خویش قرارداده بودند؛ و از همین جاها بود که نخستین جوانه‌های زبان دری روییدن گرفت، به سیر تکاملی پرداخت و پس از مرور فرازها و فرودهای بسیار، به حد رشد رسید. با رواج یافتن آیین اسلام در خراسان و تغییر یافتن الفبا و آشنای مردم ما با زبان عربی، سیر این زبان تندتر شده و غنای بیشتر یافت و اصول و قواعد دستوری زبان دری حالت اصلی خویش را حفظ کرد.

اما این که چرا این زبان را دری و یا فارسی می‌گویند، سخن بسیار است. در متون کلاسیک، اسم‌های چون: دری، پارسی، فارسی، دری، پارتی - دری و... به زبان مذکور اطلاق شده است؛ ولی از آنجایی که مطالعات نشان داده، در اوایل دوره اسلامی این زبان را فارسی، دری و فارسی دری می‌خوانند.

در گذشته‌ها عده‌یی زبان دری را منسوب به «دره» و «دربار» می‌دانستند و مدعی بودند که این زبان، زبان رسمی دربارها بوده، به این لحاظ «دری» نامیده شده است؛ چنانکه در روایات ابن‌المقفع، یاقوت‌الحموی، حمزه اصفهانی و برخی دیگر از دانشمندان، از آن به

عنوان دو زبان جداگانه یاد شده، که «دری» را زبان مختص دربار و درگاه و «پارسی» یا «فارسی» را زبان موبدان، داشمندان و اهل فارس خوانده اند؛ اما خاور شناسان از جمله «کریستینسر» دنمارکی و «دینینگ» انگلیسی در این مورد چنین داوری دارند که در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. و «تخار» تعریب شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم درنخست «دهاری»؛ سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است. این زبان درنخست دری بوده و در دریارها از آن به عنوان زبان تشریفاتی استفاده به عمل می‌آمد.

در هر حال هم اکنون در حدود (۲۰۰) میلیون انسان به این زبان سخن می‌گویند.

در افغانستان یک نظر در میان بعضی از مردم ما وجود داشت که «زبان دری، تاجیکی و فارسی سه زبان جداگانه است»؛ اما این نظر اساس علمی ندارد؛ زیرا هرسه لهجه از یک زبان واحد است؛ اگر ما چنین تصنیفی را پذیریم که زبان دری، زبان تاجیکی و زبان فارسی سه زبان جداگانه اند، دچار مشکلات بسیار جدی می‌شویم؛ زیرا یک عده از شاعران ما که در دو – سه صد سال اخیر زنده‌گی کرده اند، زبان خود را زبان فارسی گفته اند و یک عده از شاعران که از لحاظ جغرافیایی به ایران کنونی ارتباط دارند، یا به قفقاز مربوط اند، زبانی را که با آن شعر سروده اند یا نثر نوشته اند، از آن به «دری» تعبیر کرده اند؛ مثلاً نظامی گنجه‌بی، شاعر قرن ششم که از گنجه است و گنجه در قفقاز موقعیت دارد، می‌گوید:

نظمی که نظم دری کار اوست                  دری نظم کردن سزاوار اوست

و یا حافظ شیرازی (که شیراز در محدوده جغرافیایی ایران کنونی موقعیت دارد) می‌گوید:  
زشعر دلکش حافظ کسی بود آگاه                  که لطف طبع و سخن گفتن دری داند  
و در جای دیگر می‌گوید:

چو عنديليب، فصاحت فروشد اي حافظ                  تو قدر او به سخن گفتن دری بش肯  
يا «رشيدی سمرقندی» شاعر قرن ششم که چنین گفته است:

بهانه‌هاست به ماندن مرا و يك آن است                  که هست مردن من مردن زبان دری  
همچنان با قبول فرضیه یاد شده، دچار یک مشکل دیگرهم می‌شویم؛ در مورد شاعران پارسی گویی که در شبه قاره (هند و پاکستان) نثر نوشتند یا شعر گفته اند. مثلاً «بیدل» به کدام زبان شعر گفته است؟ زبانی را که «بیدل» به آن شعر سروده، فارسی بدانیم؟ یا دری؟  
به هر حال زبان دری و فارسی یک زبان است که روزگارانی این زبان در مقاطع گوناگون تاریخ، زبان رسمی سرزمین‌های بسیار وسیعی بوده که از شط العرب شروع تا تمام ایران و

سراسر افغانستان کنونی و ماورای قفقاز، خود قفقاز، آسیای میانه و ترکستان چین و گاهی زبان رسمی سراسر قاره هند و در دوره‌هایی زبان رسمی امپراتوری عثمانی بوده است.

با یاد آنچه گذشت و نگرشی دیگر در آثار باستانی و کنونی این زبان، کوچکترین مورد اختلافی را نمی‌توان یافت که روی آن، زبان مورد بحث را به فارسی، دری یا تاجیکی تقسیم نمود. و اینکه از زبان مذکور لهجه‌های متعددی شاخه کشیده، نمی‌شود آن را دلیلی برای انقسام این زبان به دری، فارسی و تاجیکی انگاشت.

در زیر نمونه‌هایی از قدیمترین آثار می‌آوریم، که در آن‌ها این زبان را جایی «دری» گفته‌اند، جای دیگری «پارسی» و در موقعی دیگر از آن به نام «پارسی-دری» یاد کرده‌اند:

### نخست در مورد اطلاق «دری» به همین زبان

دل بدان یافتنی از من که نکودانی خواند مدحت خواجه آزاده به الفاظ دری

فرخی سیستانی / قرن پنجم

صفات روی وی آسان بود مرا گفتن گهی به لفظ دری و گهی به شعر دری

سوزنی سمرقندی / قرن پنجم

مدايح تو به لفظ دری همی گويد که از مدايح تو پاکيزه گشت لفظ دری

امیرمعزی / قرن ششم

سمع بگشاید ز شرح لفظ او جذر أَصَمْ چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری

انوری ابیوردی / قرن ششم

دید مرا گرفته لب، آتش پارسی ز تب نطق من آب تازیان بردہ به نکته دری

خاقانی شروانی / قرن ششم

«ارثنگ، کتاب اشکال مانی بود و اندر لغت دری همین یک ثاء دیده ام، که آمده است»

اسدی طوسی

«دری» به کسر دال (به فتح دال هم می‌گویند): و معنای دقیق آن، زبان درباریان «در»

مخفف دربار یا درگاه است و به زبان فارسی معاصر اطلاق می‌شود.

دایرة المعارف اسلامی

## دو دیگر در مورد اطلاق «پارسی» به زبان مورد بحث

بسی رنج بردم درین سال سی	عجم زنده کردم بدین پارسی
فردوسی / قرن چهارم	
زبان پارسی را می‌ندانست	سخن‌ها فهم کردن کی توانست
شیخ عطاء / قرن ششم	
پارسی گوییم، هین تازی بهل	هندوی آن ترک باش از جان و دل
مولانا / قرن هفتم	
خوبان پارسی گو بخشندۀ گان عمرند	ساقی بده بشارت، رندان پارسا را
	حافظ / قرن هشتم

با نظرداشت موارد یادشده، ما به این تصنیف علمی دست می‌باییم که زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان، ایران و بعضی مناطق دیگر دنیا، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه. همان‌گونه که زبان عربی در همه کشورهای عربی در عراق، سوریه، اردن، فلسطین، مصر، کشورهای شمال افریقا، عربستان سعودی و یمن، همان زبان عربی است. یا زبان انگلیسی که در همه جهان زبان واحد انگلیسی است و نام بومی به خود نگرفته، زبان فارسی دری نیز همان یک زبان است.

## **بخوانیم و بدانیم**

۱. به گواهی تاریخ، زبان دری، که پیشینه‌بی در حدود دوهزار سال دارد، در سرزمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده هندوآریایی پا به عرصه وجود نهاده است.
۲. به یک نظر در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. «تخار» تعریب شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم در نخست «دهاری»، سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است.
۳. در حدود (۲۰۰) میلیون تن به زبان فارسی دری سخن می‌گویند.
۴. زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان و ایران، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه.

### ۰ آدرس نویسی روی پاکت مراولات خارجی

نوشتن آدرس در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، برخلاف زبان دری است؛ یعنی همیشه باید از موارد کوچک شروع شده و به طرف موارد بزرگ رفت. به ترتیب زیر؛ ۱. نام و نام خانواده‌گی گیرنده ۲. شماره منزل ۳. نام یا شماره عمارت ۴. نام یا شماره کوچه ۵. شماره سرک ۶. نام روستا ۷. نام شهر ۸. نام ایالت یا ولایت ۹. کود پستی ۱۰. نام کشور.

**From:**

محل نصب  
تکت پستی

**To:** Mrs. Kim Jennifer  
1066 - 22 Lawrence St.  
Scarborough, Ontario  
M7X 3K8  
Canada

افغانستان- ننگرهار،  
چوکتلاشی، منزل شماره  
۴۶، عبدالکریم سرخ روڈی  
Afghanistan

### تفصیلات

۱. اگر نامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود، که ترتیب نوشتاری آن کشور از چپ به راست است، در آن صورت آدرس فرستنده مطابق قاعدة دری نوشته شده و آدرس گیرنده مطابق به قاعدة زبان‌های چپ به راست نوشته می‌شود.

۲. جاهای نوشتن آدرس فرستنده و گیرنده روی پاکت، تغییر نمی‌یابد؛ یعنی آدرس فرستنده در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود و آدرس گیرنده در سمت راست، کنار پایینی آن.  
۳. بهتر است در پایین آدرس فرستنده، کلمه Afghanistan را با حروف لاتین بنویسیم؛ زیرا اگر گیرنده نامه در آن کشور بپیدا نشود، شرکت پستی کشور خارجی به آسانی بداند که این نامه را به کدام کشور مسترد نمایند و از مفقود شدن آن جلوگیری به عمل آید.

### کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد مفهوم کلی درس باهم گفتگو نموده، نکات اساسی آن را یادداشت کنند؛ سپس چند تن شان، در این مورد دو دو دقیقه در برابر صنف صحبت کنند.
۲. دو تن از شاگردان تصویر یک نامه مراسلات خارجی را روی تخته رسم نموده یک تن شان آدرس گیرنده و دومی آدرس فرستنده را با رعایت تمام موارد آن نوشته به دیگران شرح دهند.

### املا و نگاش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «فردوسی و زبان دری» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



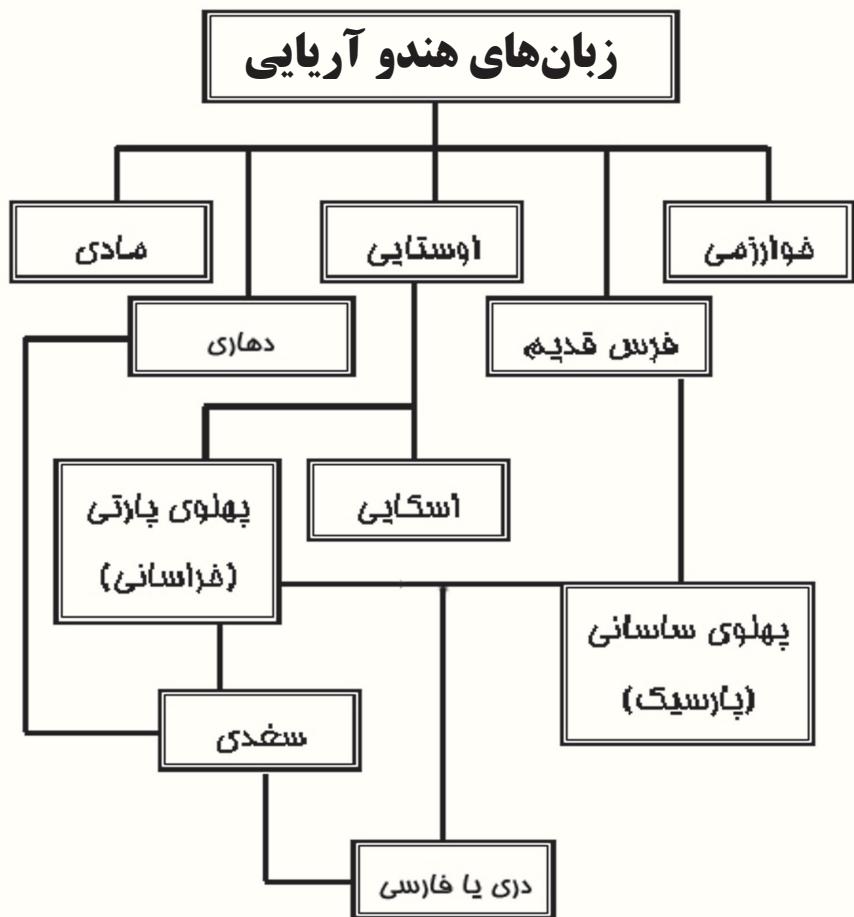


۱. زبان دری یا فارسی مریوط به کدام خانواده زبانی بوده و در کجا به میان آمده است؟
۲. چرا این زبان را به نام‌های دری و فارسی یاد می‌کنند؟
۳. این زبان در کدام مناطق جهان، چه تعداد گوینده دارد؟
۴. آیا زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان و ایران، سه زبان جداگانه است؟ چرا؟
۵. نوشتن آدرس یا نشانی در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، روی پاکت مراسلات خارجی چگونه باید باشد؟
۶. چرا نوشتن کلمه Afghanistan با حروف لاتین روی پاکت مراسلات خارجی ضروری است؟

### کار خانه‌گی



۱. به رویت جدول پایین، چگونه‌گی پیدایش زبان دری را در چند سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
یکیست ترکی و تازی در این معامله «حافظه»  
حدیث عشق بیان کن بدان زبان که تو دانی
۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## درس سیزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. نقش زنان در ادبیات از چه زمان آغاز گردید؟

۲. نخستین داستان نویس زن کی بود؟

۳. چه عواملی باعث کمرنگ بودن حضور زنان در عرصه ادبیات شده بود؟

۴. نام چند تن از زنان شاعر معاصر را به یاد دارید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### نقش زنان در ادبیات معاصر دری افغانستان

نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعه بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متتمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر بر می‌خوریم. شاید همزمان با او و پس از او زنان سخنور دیگری هم بوده اند؛ اما نظر به دلایل گوناگون، نام آن‌ها ثبت تاریخ ادبیات نگردیده است؛ تنها در اواخر قرن نزدهم و آغاز قرن بیستم است که جسته و گریخته، نام چند شاعر زن؛ مانند: عایشة درانی، آمنه فدوی، محجوبة هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم، که ناچیز بودن تعداد این نام‌ها نیز وابسته به اوضاع و شرایط آن روزگار می‌تواند باشد.

در آن دوره زمانی، محدودیت‌های اجتماعی، خانواده‌گی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای ابتكارات زنان تنگ می‌کرد؛ زنان یا چنان گرفتار امورخانه بودند که نمی‌توانستند کارهایی را که توانایی آن را داشتند، به انجام برسانند و یا هنوز در اندیشه پرداختن به ادبیات نیفتاده بودند. برخی هم که می‌نوشتند، موجودیت خود را پشت نام‌های مستعار پنهان می‌کردند. فضا چنان بود که آنان به نوشتن ترغیب نمی‌شدند؛ زیرا امکانی برای نشر آثار خود نمی‌دیدند. زنان در آن دوره هنوز امکان گشايش درهای مراکز ادبی را به روی خود نیافته بودند و شرکت آنان در جنبش ادبی، بسته‌گی به موقعیتی داشت که در جامعه به دست می‌آوردند. در اوایل سده بیستم میلادی، گروه کوچکی از زنان تحصیل کرده که در راه به دست آوردن کمترین امکانات با مخالفتها و تهدیدهای بسیار رو به رو می‌شدند، آغاز به گشودن مکاتب دخترانه و تدریس کردند، کانون‌های زنان را بنیاد نهادند و مجله‌های ویژه خود را منتشر کردند.

نخستین بار در زمان سلطنت امان‌الله خان بود که دختران و زنان در تاریخ شکل‌گیری و انکشاف معارف عصری افغانستان، وارد این عرصه شدند. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ هـ.ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد؛ سپس در سال ۱۳۰۲ هـ.ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت. به روایت دیگر؛ نخستین بار به تاریخ ۱۹ جدی ۱۳۰۰ هـ.ش. در قسمتی از پارک زرنگار شهر کابل، که در آن وقت «بوستان‌سرای نامیده می‌شد، به کمک یک عده زنان منور شهر و رهبری ملکه ثریا، «مکتب مستورات» گشایش یافت. دخترانی که در خانه به طور خصوصی تحصیل کرده بودند، به صنوف بالاتر و دیگران به صنوف پایین‌تر شامل درس شدند و بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند. در همین سال با تلاش و ابتکار ملکه ثریا، مجله ویژه زنان به نام «ارشادالنسوان» تأسیس یافت. مکتب مستورات که بعداً در سال ۱۳۲۱ هـ.ش. به لیسہ ملالی تغییرنام داد، از آغاز تا امروز در تنویر افکار زنان افغان نقش شایسته‌بی را ایفا کرده است. تا آنجا که حتی بسیاری از زنان آگاه، منور، شاعر و نویسنده معاصر از همین مکتب فارغ شده‌اند.

در اواسط سده بیستم با پیدایش کانون‌های آموزشی جدید و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی همسان با مردان و پدید آمدن نشریات ویژه شان، ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

خوشبختانه ما امروز شاهد زنان بسیاری استیم که در عرصه ادبیات امتیازات چشمگیری به دست آورده و از اعتبار و موقعیتی بسیار خوبی برخوردار گردیده اند و تقریباً همدوش و همراه با مردان افغان در مراکز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... حضور فعال دارند. نه تنها در عرصه شعر و شاعری نامهای ماندگاری را می‌بینیم که ما را به آینده امیدوارتر می‌سازد؛ بلکه در عرصه داستان نویسی هم چهره‌های درخشانی عرض وجود کرده‌اند.

### داستان نویسی

ادبیات داستانی افغانستان از زمان شکل‌گیری آن به شکل نو و سبک‌های رایج ادبی این صد سال اخیر، به سال ۱۳۰۰ هـ.ش. برمی‌گردد، که از آن زمان تا کنون فراز و فرودهای بسیاری در پیوند با تغییر نظام‌های سیاسی و متعاقب آن تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مدنی کشور داشته است. با نوشته شدن داستان «جهاد اکبر» در سال {۱۳۰۰ هـ.ش.} و چاپ آن در مجله معارف، داستان نویسی ظهور خود را در افغانستان آشکار، و تا سال {۱۳۳۰ هـ.ش.} گهگاه به صورت تک جرقه‌هایی در مطبوعات، چهره‌نمایی کرد. پس از پایان دهه بیست و

آغاز دههٔ سی، آهسته آهسته داستان با شیوهٔ نسبتاً جدید در مطبوعات جا باز نمود. با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دههٔ چهل تاکنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است.

زنان از دههٔ چهل به اینسو، مجدانه به ادبیات داستانی روی آورده و در این عرصه قلم زده اند. نخستین داستانی که توسط یک نویسندهٔ زن (خانم ماگه رحمانی) نوشته شده بود، در سال ۱۳۴۰ هـ.ش. انتشار یافت؛ پس از آن داستان‌های دیگری از نویسنده‌گان زن به وجود آمد که بسیاری از آن‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور منتشر شد، که این روند همچنین تا هنوز ادامه دارد.

## بخوانیم و بدانیم

۱. نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعهٔ بلخی» آغاز می‌باید که پس از او تا سده‌های متتمادی، با نام دیگر زنان سخنور‌کمتر بر می‌خوریم.
۲. در اواخر قرن نزدهم و آغاز قرن بیستم، نام چند شاعر زن دیگر؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محجوبهٔ هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم.
۳. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۳۹۹ هـ.ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد. و در ۱۳۰۰ هـ.ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت.
۴. در اواسط سدهٔ بیستم بود که ورود زنان به تدریج در عرصهٔ فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

### آیین نامه‌نگاری

#### • کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی

معمولًاً نامه‌ها با خطاب آغاز می‌شوند. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب و وضع و موقعیت او را در کاربرد کلمه‌ها درخور و مناسب در نظر بگیرد. همین کلمه‌ها

واژه‌های احترام‌آمیز را که در آغاز نامه به مثابه خطاب می‌آیند، به نام کلمه عنوانی یاد می‌کنند. همچنان کلمه‌های احترام‌آمیز که پس از تمام شدن متن نامه، در پایان نامه می‌آیند، کلمه‌های پایانی نام دارند.

- کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی هر یک بار عاطفی خاصی دارند، که اگر هریک از آن‌ها در جای مناسب خویش به کار نرود، یا خنده دار خواهد بود و یا توهین به گیرنده نامه تلقی می‌شود و او را ناراحت می‌کند؛ پس باید از درست بودن آن کاملاً اطمینان حاصل کرد.
۱. در نامه‌های خانواده‌گی: پدر گرامی و گرانقدرم، پدر مهربانم، مادر عزیز و مهربانم، مادر شیرینتر از جانم، پدر بزرگوارم، فرزند عزیزم، دختر نازنینم، فرزند گرامی‌ام.
  ۲. در نامه‌های دوستانه: دوست گرامیم، رفیق شفیقم، دوست بسیار عزیزم، دوست گرانقدرم.
  ۳. در نامه‌های اداری: محترم رئیس جمهور...، محترم وزیر...، رئیس محترم اداره...، محترم رئیس محاکمه...، جناب محترم مدیر...، به مقام محترم ولايت...، استاد معظم جناب (تخلص)، جناب محترم معاون اداری ریاست....

### کلمه‌های پایانی

همان‌گونه که ذکر شد، در پایان نامه پس از تمام شدن متن و قبل از امضا یا نوشتن نام، لازم است چند کلمه‌یی که حاکی از احترام یا محبت نسبت به مخاطب نامه باشد، ذکر شود، که همین کلمه‌ها را به نام کلمه‌های پایانی یاد می‌کنند. کلمه‌های پایانی را؛ مانند: کلمه‌های عنوانی، مناسب با مقام و سن و شخصیت مخاطب باید نوشت. جای نوشتن کلمه پایانی معمولاً یک سطر پایین‌تر از متن و سمت چپ آخرین سطر آن است. در زیر برخی از کلمه‌های پایانی را نام می‌بریم.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: به امید دیدار، آرزومند سلامتی شما، به امید نامه‌های پرمحبت شما.
۲. در نامه‌های اداری: با تقدیم شایسته‌ترین احترامات، سپاسگزارم، با تشکر و سپاس فراوان، با عرض احترام.
۳. در نامه‌های دوستانه: دوستدار تو، به امید دیدار، آرزومند دیدار تو، آرزومند خوشبختی تو، ارادتمندت، دوست همیشه به یادت.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد «راههای رشد داستان نویسی زنان» باهم گفتگو کرده، نکات پیشنهادی خود را در ورقه‌یی یادداشت کنند؛ سپس یک تن شان در مورد آن به سخنرانی بپردازد.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «ویژه‌گی‌های آثار ادبی مردان» و گروه دوم در مورد «ویژه‌گی‌های آثار ادبی زنان» باهم به گفتگو پرداخته، نکات مورد نظر را یادداشت نموده بعد یک تن از هر گروه در برابر صنف قرار گرفته در مورد آن صحبت کند.

## املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «زنان و دانش‌های نوین» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید.





۱. نقش زنان در ادبیات ما از کدام زمان آغاز یافته است؟
۲. در آغاز قرن بیستم، نام کدام شاعران زن در ادبیات ما درخشیده است؟
۳. کدام عوامل باعث شده است که در گذشته‌ها، زنان به کارهای ادبی نپرداخته و در عصر کنونی در این عرصه بدرخشند؟
۴. نخستین مکتب ابتدایی دختران در افغانستان، در کدام زمان، با چه نام و توسط چه کسی افتتاح گردید؟
۵. در کدام زمان، ورود زنان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد؟
۶. کلمه‌های عنوانی و کلمه‌های پایانی را تعریف کرده برای هریک آن مثال‌هایی ارائه کنید.

### کار خانه‌گی



۱. در مورد «راههای رشد داستان‌نویسی زنان» متنی بنویسید و نشانه‌های نگارشی را در آن رعایت کنید.
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید  
برای گردن و دست زن نکو «پروین»
۳. متن کامل درس چهاردهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.  
پروین اعتضامی

## درس چهاردهم

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. علامه صلاح الدین سلجوقی که بود؟
۲. او به کدام علوم و فنون دسترسی داشت؟
۳. او کدام زبان‌ها را در کجا فراگرفت؟
۴. علامه سلجوقی را با چه کسانی همپایی داشته اند؟
۵. شما اور اچگونه شخصیتی یافته‌ید؟ در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### علامه صلاح الدین سلجوقی

علامه صلاح الدین سلجوقی در سال ۱۳۷۵ هـ.ش. در کنار قلعه اختیار الدین در شهر هرات تولد یافت. پدرش مفتی سراج الدین نام داشت. خانواده سلجوقی همه از اهل علم و معرفت بودند. آن گونه که خود نوشته است: «من در هرات از یک عایله‌بی که تا یاد می‌دهند علمای معقول و منقول بوده اند، به وجود آمده ام.»

او نخستین آموزش‌ها را از پدر دانشمند خویش فرا گرفته و تا سن بیست ساله‌گی با علوم عربی به طور کامل آشنا شده بود. بعد به مدرسه سلجوقیان هرات رفت و علوم مروجۀ آن زمان را آموخت. به پاکستان و هند و عربستان سفر کرد و زبان‌های اردو، عربی و انگلیسی را آموخت، سپس جهت انجام خدمات بیشتر به امور رسمی روی آورد.

استاد صلاح الدین سلجوقی به عنوان یکی از نخبه‌ترین شخصیت علمی و فلسفی معاصر جامعه‌ما، کسی بود که همروزگارانش او را به عنوان ادیب، شاعر، متقد، فقیه، محدث، مفسر، نویسنده، دیپلمات، مبلغ و استاد پرآوازه فلسفه، تصوف، الهیات و ماوراءالطبیعه و در هند، پاکستان، ایران و کشورهای عربی او را به عنوان دانشمند بزرگ و علامه می‌شناختند. استاد علی اصغر حکمت، دانشمند بزرگ ایران، که در استالف چند ساعتی با استاد سلجوقی نشسته بود، می‌نویسد که خودش را در برابر مرد دانشمند بزرگی می‌بیند که یادی از فارابی و ابن رشد می‌دهد.

استاد سلجوقی یگانه دانشمند غیر عرب بود که به صورت استثنایی در «مجمع لغوی مصر» به عضویت پذیرفته شد. مقامی که بسیاری از عرب‌ها را در آن مقام راهی نیست و سلجوقی یگانه عضو از کشورهای غیر عربی زبان بود که در آن مجمع لغوی پذیرفته شد؛ برخی

از صاحبنظران او را همپاییه با مولانا جامی و اناتول فرانس (نویسنده فرانسوی) دانسته اند. استاد سلجوکی وظایف رسمی گوناگونی را تجربه کرده است. مفتی محکمه هرات، مدیر معارف و مدیر جریده اتفاق اسلام، استاد منطق و ادبیات در لیسه امنی کابل، معلم ادبیات لیسه‌های حبیبیه و استقلال کابل، منشی دارالتحریرشاھی، رئیس مستقل مطبوعات، وکیل مردم هرات در هفتمنی دور شورای ملی و سفير افغانستان در مصر.

بالآخره این دانشمند بزرگ، فيلسوف والامقام و استاد ادب و فلسفه و الهیات در ماه جوزای سال ۱۳۴۹ هـ. ش. پدرود حیات گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. استاد صلاح الدین سلجوکی، کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های فراوانی در زمینه‌های فلسفه، اخلاق، سیاست، ادب، هنر، الهیات و علوم اجتماعی به زبان‌های دری و عربی تألیف کرده است که مشهورترین آن‌ها «تجلی خدا در آفاق و انفس» عنوان دارد. بقیه آثار او به شرح زیر است: ۱. افکارشاعر ۲. نگاهی به زیبایی ۳. مقدمه علم اخلاق ۴. ترجمه اخلاق نیکوماسی ارسسطو ۵. جبیره ۶. نقد بیدل ۷. تقویم انسان ۸. ترجمه کتاب محمد ﷺ در شیرخواره‌گی و خرد ۹. افسانه فردا ۱۰. تهذیب‌الاخلاق و چندین کتاب دیگر به زبان عربی.

### نمونه‌یی از نثر کتاب «تجلی خدا در آفاق و انفس»

وقتی که چشم‌های خود را به سوی آسمان بگماریم، باید شگفت و بلکه دهشت زیادی بر ما چیره شود؛ زیرا این نجوم و کواکب بی‌شماری که در آن شناوری دارند، تابع نظام دقیقی استند که از آن به قدر سر سوزنی هم تجاوز نمی‌کنند. هر چند که هزاران شب و روز و بلکه فصل‌ها و سال‌ها و قرن‌ها بر ایشان بگذرد، این‌ها دردمدارها و فلک‌های خود چنان با نظام دقیقی می‌چرخند که ما می‌توانیم خسوف و کسوفی را که بعد از قرن‌های زیادی عملی می‌شود، پیش‌بینی کنیم و از زمان وقوع آن‌ها خبر بدھیم.

اگر این ستاره‌گان برای خود نظام پایداری نداشته باشند و تابع قوانین معینی نباشند، پس آیا ممکن است که انسان به آن‌ها تکیه کند و به هدایت ایشان در صحراها و دریاها و در فضا راه خود را بجوید؟ هستند کسانی که به وجود خداوند ﷺ و قدرت او بی‌باورند؛ ولی با این هم به این گُرات آسمانی تابع قوانین مبرمی می‌باشند و نظام معینی را پیروی می‌کنند و سیر و حرکت آن‌ها در این فضا از راه انارشی نیست.

حق این است که از قطره‌آبی که آن را زیر مکروسکوپ می‌بینیم، تا این ستاره‌گانی که آن‌ها را از خلال تلسکوپ‌های فضایی مشاهده می‌کنیم، به ما دیگر راهی نمی‌ماند، جز این که نظام بدیع و این دقت هرچه تمامتر و این قوانین را که از تجانس و تشابه سلوک نماینده‌گی می‌کند، تمجید کنیم و آن را به دیده قدر بنگیریم. اگر انسان‌ها به این نکته

اطمینان نمی‌داشتند که قوانینی وجود دارد و ممکن است روزی کشف شود و هم محدود و معین گردد، طبیعی است که عمر خود را در بحث و فحص و تتبع و استقراری آن‌ها به صرف نمی‌رسانند؛ زیرا اگر انسان این اعتقاد و این اطمینان را در نظام کاینات نداشته باشد، غور و تحقیق و بحث او در این باره‌ها عبث و بیهوده خواهد بود و اگر هر تجربه‌یی مخالف تجربه‌سابق یعنی تابع تصادف می‌بود، کجا ممکن بود که انسان این پیشرفت موجوده خود را به دست آرد؟

باید در ورای این نظام و این قوانین، خالق متعالی باشد. این راهیچ عقل قبول کرده نمی‌تواند که نظام و قوانینی موجود باشد و در ورای آن آفریننده حکیم و ناظم قدسی و موحد ازلی نباشد. و هر وقت انسان به قانون جدیدی بر می‌خورد، این قانون با صدای بلند اعلان می‌کند: «خداؤند خالق من است و انسان بدون پدید آورنده من چیز دیگری نیست.»

وجود خداوند در زنده‌گی روزمره، حقیقتی است که هیچ شکی در آن نیست. حقیقتی که از همه حقایق علمی قویتر است. حقیقتی است که هیچگونه اشتباه و تردیدی در آن راه نمی‌یابد. و با این هم وقتی که ما ستاره‌گان را توصیف می‌کنیم و مدارهای آن‌ها را رسم می‌نماییم و یا این که «آمیب» را بر قطعه‌یی از شیشه ثبت می‌سازیم و صورت آن را می‌گیریم، می‌بینیم که ما نمی‌توانیم از این طور دلایل مادی، طوری که لازم است، به وجود خداوند الله برسیم. انسان نمی‌تواند که خدا را بداند و بشناسد تا به او تعالیٰ توجه شخصی نکند و او را نجوید و از راه تجربه خود به او معرفتی حاصل نکند؛ مثلاً: اگر شخصی از دیدن مکروسکوپ انکار کند و نخواهد که «آمیب» را ببیند، در این صورت او می‌تواند که از «آمیب» نیز انکار کند و حتی در باره این که موجودی به نام «آمیب» نیست، مجادله طولانی بکند؛ ولی وقتی که او «آمیب» را دید، در همان دقیقه مجادله او سقوط می‌کند و همچنین است در باره وجود خداوند. انسان ممکن است که در باره وجود خداوند الله مجادله طولانی بکند؛ ولی همین که تجلی او تعالیٰ را دید، در همان لحظه بحث و جدل او از هم می‌پاشد و فوراً به وجود او تعالیٰ تسليم می‌شود. به شرطی که در این کار به خبرت و تجربه شخصی خود بکوشد. وقتی انسان نخواهد که سر خود را بالا کند و بخواهد به بحث و جدل خود دوام دهد، ممکن است این جدال او خیلی دوام کند و از این است که خداوند الله تنها

در دل‌های کسانی تجلی می‌کند که او را می‌جویند.

## توضیحات



\* ابن رشد: أبوالوليد محمد بن أحمد بن رشداً الأندلسى القرطبى، یکی از دانشمندان مشهور عالم اسلام است که در علوم طب و فلسفه شهرت جهانی دارد. برعلاوه او در علوم فلک و ریاضیات سرآمد روزگار خود بوده است. وی در سال ۵۲۰ هـ . ق. تولد و در ۵۷۷ هـ . ق. وفات یافته است.

\* مجمع لغوی مصر: که در عربی آن را به نام «مجمع اللغة العربية» یاد می‌کنند، سازمانی است مشترک میان همه کشورهای عربی زبان، که مرکز آن در مصر قرار دارد. وظیفه آن محافظت از گنجینه‌های زبانی و ادبی، مطابقت بخشی زمینه‌های مختلف زبان با نیازهای عصر حاضر، واژه‌سازی و غنامند نمودن زبان عربی با مطالب علمی، ادبی و هنریست.

\* اناتول فرانس: نویسنده و فیلسوف فرانسوی که در سال ۱۸۴۴ م. تولد یافته و در سال ۱۹۲۴ م. درگذشته است. بیشتر از سی سال عضو مجمع علمی فرانسه بوده و جایزه ادبی نوبل را در سال ۱۹۲۲ م. به دست آورده است. تألیفات او به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. علامه صلاح‌الدین سلجوقی در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی در کنار قلعه اختیار الدین در شهر هرات زاده شد.

۲. سلجوقی تا سن بیست ساله‌گی با علوم عربی به طور کامل آشنا شده بود. بعد به مدرسه سلجوقیان هرات رفت و علوم مروجہ آن زمان را آموخت.

۳. همروزگارانش او را به عنوان ادیب، شاعر، متتقد، فقیه، محدث، مفسر، نویسنده، دپلمات، مبلغ و استاد پرآوازه فلسفه، تصوف، الهیات و ماوراء الطبیعه و در هند، پاکستان، ایران و کشورهای عربی او را به عنوان دانشمند بزرگ و علامه می‌شناختند.

۴. برخی از صاحب‌نظران، سلجوقی را همپایه با مولانا جامی و اناتول فرانس دانسته اند.

۵. علامه سلجوقی در ماه جوزای سال ۱۳۴۹ هش. پدرود حیات گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

۶. مهمترین آثار علامه سلجوقی افکار شاعر، نگاهی به زیبایی، مقدمه علم اخلاق، تجلی

خدا در آفاق و انفس و محمد ﷺ در شیرخواره‌گی و خُرد سالی نام دارند.

## آیین نامه‌نگاری

### • نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

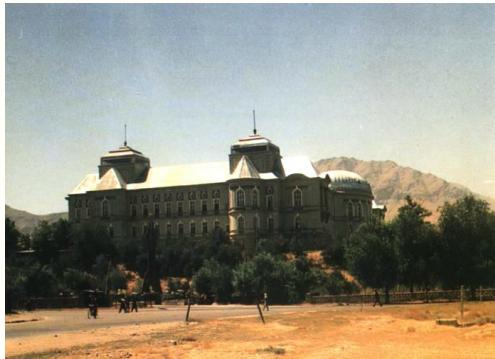
تمام مکاتباتی که در داخل یک ارگان، اداره و سازمان یا خارج از آن ارگان، اداره و یا سازمان دیگری به منظور انجام یافتن کارهای اداری و در شکل و فورم مخصوص همراه با تشریفات اداری مبادله می‌گردد، نامه اداری نامیده می‌شود. نامه رسمی اداری به منزله سند اداری است. اسناد اداری تمام سندهایی را می‌گویند که به امور ارگان، اداره و یا سازمان، همچنین اسناد و سوابقی که به صورت نوشته (مراسلات اداری، دوسيه‌ها) منقوش (نقشه‌ها، نمودارها، عکس‌ها و تصاویر و...) و اسناد صوتی و تصویری ثبت شده (کست‌ها و سی‌دی‌ها) و مانند این‌ها در هر ارگان، اداره و سازمان به منظور اجرای وظیفه‌های اداری به گونه رسمی ایجاد، دریافت و یا صادر می‌گردد اسناد اداری نامیه می‌شود.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کارنامه‌های علامه سلجوqi را با یکی از نویسنده‌گان نامدار معاصر افغانستان مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بگوید.
۲. یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد که برای زنده نگهداشتن یاد و کارنامه‌های بزرگانی چون علامه سلجوqi، دولت، سازمان‌های اجتماعی و مردم چه وظیفه دارند و شما چه راههایی را در این مورد پیشنهاد می‌کنید؟

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. تصویر صفحهٔ مقابل را با موضوع «هر اثر، دلالت بر سازنده آن می‌کند» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



## خود آزمایی



۱. علامه صلاح الدین سلجوقی در کدام سال و در کجا به دنیا آمد؟
۲. مهمترین اثر او کدام است؟ آن را نام ببرید.
۳. نامه‌های اداری به چه نوع نامه‌هایی گفته می‌شود؟
۴. علامه سلجوقی بیشتر در عرصه کدام علم کار کرده است؟
۵. «من به خدای این کابینات و پرور دگار خود ایمان دارم؛ طوری که آثار قدرت او را در خود و در همه اشیای ماحول خود می‌بینم.» این جمله چه معنا دارد؟
۶. تجلی خدا در آفاق و انفس یعنی چه؟

## کارخانه‌گی



۱. با نظرداشت مطالبی که خواندید، نظریه شخصی خودتان را درمورد وجود خداوند ﷺ با ارائه مثال‌ها بیان کنید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
طاییر یک بال تواند فلک پرواز شد      بی حضور دل مبر زنهار نام الله را  
صائب
۳. متن کامل درس پانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. مسلمانان در تکامل علوم چه نقشی دارند؟

۲. البيرونی چه کارهایی را انجام داد؟

۳. دائرة المعارف جغرافیا توسط چه کسی به میان آمد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## نقش مسلمانان در تکامل علوم

مسلمانان در طول تاریخ خویش، در روند سیر تکامل علوم نقش بسیار فعال و ارزنده داشته‌اند، بسیاری از اختراعات و اكتشافات در عرصه‌های علوم مختلف محصول فکر و تلاش دانشمندان بزرگ جهان اسلام است.

از همین سبب است که امروز می‌بینیم مسلمانان در بسیاری از علوم پذیرفتۀ بشر چه در ساحة علوم انسانی و چه در بخش علوم تجربی یا بنیان‌گذار بوده‌اند و یا در تدوین، تحول و تکامل آن دانش‌ها سهم بزرگی داشته‌اند، که اکنون به چند مورد آن اشاره می‌شود:

### کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی

- «ابویحان البيرونی» نخستین کسی بود که طریقۀ ترسیم نقشه‌های جغرافیایی به طریقۀ استوانه‌یی را ۵۵۰ سال پیشتر از «مرکوری» اختراع کرد.
- البيرونی پس از برهم‌گتا (دانشمند هندی) دومین کسی بود که با الهام از آیت کریمه «کُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» به حرکت انتقالی زمین به شکل علمی آن پی‌برد و آن را به صورت علمی ثابت نمود.
- البيرونی نخستین کسی بود که دلیل جزر و مد دریاها و رودخانه‌ها را قوۀ جاذبۀ مهتاب دانسته است. دانش امروز هم همین نظریه را تأیید می‌کند.
- نخستین کاشف قارۀ امریکا البيرونی بوده است. به این دلیل که او با استفاده از اسطلاب و وسائل دیگر زمین‌شناسی و ستاره‌شناسی، که همه از اختراعات خودش بوده، به وجود یک



قاره دیگر در نیم کره شمالی دیگر پی‌می‌برد و وجود این قاره را ضمن هژده سؤالی که برای «ابن سینا» فرستاده، مطرح می‌کند.

### طب و اнатومی

ابن سینا را همهٔ ما می‌شناسیم؛ نظریات این دانشمند تا امروز به همان قوت خود باقیست و در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود؛ همچنان در علم ا Anatomi، نخستین بار مسلمان‌ها بودند که به کالبد شگافی و تشریح علمی و نامگذاری استخوان‌های هیکل انسان پرداختند. حتی امروز هم می‌بینیم که بیش از ۳۰ درصد اصطلاحات علم ا Anatomi، متعلق به زبان عربی است.

### روانشناسی

امام ابن قیم الجوزیه، نویسندهٔ دو کتاب مشهور «الروح» و «الجن»، نخستین کسی است که با الهام از آیت قرآنی «يعرف المجرمون بسيماهم» و با نوشتن دو جلد کتاب در همین مورد، اساس علم روانشناسی را گذاشت و بعدها دانشمندان غربی در تکامل آن خدماتی انجام دادند.

### در بخش زبان، ادبیات و نشانه‌های نگارشی

آنچه را که امروز ما به نام‌های کامه، سمیکولن، شارحه، نداییه و غیره می‌شناسیم، نخستین بار در زمان حضرت عثمان رض، وقتی قرآن کریم را جمع‌آوری کردند به منظور این که مسلمان‌ها در وقت خواندن قرآن، مرتکب اشتباه نشوند، نشانه‌هایی را به خاطر توقف، مکث کوتاه، مکث دراز، وصل کردن جمله‌ها و درست خواندن إعراب‌های قرآن کریم وضع کردند که یا به شکل یک مثلث کوچک بود، یا سه نقطه سر به سر یا یک دایره یا اشکالی مثل این‌ها، که نمونه‌های این نشانه‌ها را می‌توانیم در قدیمی‌ترین نسخه‌های قرآن کریم مشاهده کنیم؛ همچنان دهها مورد دیگر را می‌توان نام برد؛ مانند: اختراع الکول که توسط ابوبکر محمد بن زکریای رازی صورت گرفت. در فن معماری اختراع خشت کلید رواق‌های استوانه‌یی توسط سنمای صورت گرفت. با اختراع فورمول‌هایی زیرنام «البواحیر»، توسط مسلمانان، اساس علم هواشناسی گذاشته شد. اختراع ساعت، اختراق و اترپمپ بادی و

اساس‌گذاری فن آبرسانی و بنای کاریزها... همه توسط مسلمانان صورت گرفت. و بالآخره یکی از برازنده‌ترین چهره‌های علمی در دنیای اسلام ریاضی دان بزرگ «محمد بن موسی الخوارزمی» بود که برای اولین بار جدول‌های نجومی و جدول‌های مثلثاتی را طرح و تدوین کرد و به کمک ۶۹ دانشمند دیگر، دایرة المعارف جغرافیا را، که در دنیای آن روز برای کشتیرانی بسیار اهمیت داشت، تنظیم و آماده نمود؛ همچنان سلسله اعداد هندی را که امروز به نام سلسله اعداد عربی یاد می‌شود، او برای غرب معرفی کرد. و او بود که اساسات ریاضی و علم الجبر (Algebra) را گذاشت. حتی امروز نام‌های بسیاری در علوم ریاضی تحریف کلمه‌های عربی است؛ مثل «الگوریتم» یا «لوگاریتم» که در اصل همان «الخوارزمی» است. امروز که بشر در عرصه‌های مختلف علوم به پیشرفت‌های چشمگیری نایل آمده و با اختراع هواپیماهای دورپرواز، راکت‌های قاره پیما، سفینه‌های فضایی، اقمار مصنوعی، تلسکوپ‌های فضائی وغیره که همه به وسیله کمپیوتر هدایت می‌شوند، از تنگنای زمین به کیهان راه یافته است، دیده می‌شود که اساسات و مقدمات تمامی این پیشرفت‌های که امروز نصیب بشر شده است مرهون خدمات و خدمات این بزرگ مردان می‌باشد. اینجاست که باز همان گفتة علامه سیدجمال الدین افغانی به یاد می‌آید و از ما می‌خواهد که پیوسته بر گنجینه دانش خویش بیفزاییم و همیشه در تلاش و جستجو باشیم، تا از کاروان دانش‌های بشری عقب نمانیم.

### توضیحات

\* اسطرلاب: وسیله‌یی است دایروی شکل و ساخته شده از مس. سطح این آله توسط خطوط منظم به قسمت‌های مساوی تقسیم شده و در قسمت‌های مختلف آن ارقام مختلف نوشته شده است. در وسط سطح آن یک عقریهٔ فلزی نیز قرار دارد. در قسمت‌های مختلف سطح آن نامها و اشکال مختلف برج‌های نجومی به شکل محدب و مقعر قرار گرفته است. مسلمانان نخستین، این وسیله را به منظور رديابی سمت قبله، نقاط انحرافی شهرها و موارد دیگری از قبیل تخمین زدن ارتفاع خورشید و اجرام آسمانی، تعیین مسافت، دریافت نقطه زوال روز و شب و تقسیم‌بندی ساعت‌های آن به کار می‌برند.

\* كُلِّ فِي فَلَكِ يَسْبَحُونَ: جزء آیه مبارکه: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلِّ فِي فَلَكِ يَسْبَحُونَ» (آیت ۴۰ سوره‌یس) یعنی: نه خورشید را سزدکه به ماه رسد و نه شب بر روز



پیشی جوید و هر کدام در سپهر و مدار شناور اند.

\* آیه مبارکه: «يُعَرَّفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...» (آیت ۴۱ / سوره الرحمن) یعنی: تبیهکاران از سیماهی شان شناخته می‌شوند.

### بخوانیم و بدانیم

۱. بسیاری از علوم پذیرفته شده بشر چه در ساحة علوم انسانی و چه در بخش علوم تجربی، یا بنیان گذاران اصلی آن مسلمان‌ها بودند و یا در تدوین و تحول و تکامل آن دانش‌ها سهم بزرگی را به دوش کشیدند.
۲. ابویحان البیرونی نخستین کسی بود که طریقۀ ترسیم نقشه‌های جغرافیایی به طریقۀ استوانه‌بی را ۵۵۰ سال پیشتر از "مرکوری" اختراع کرد.
۳. نخستین بار مسلمان‌ها بودند که به کالبد شگافی و تشریح علمی و نام‌گذاری استخوان‌های هیکل انسان پرداختند.
۴. اساس علم هواشناسی با اختراع فورمول‌های «البواحیر»، توسط مسلمانان، گذاشته شد.
۵. نخستین بار محمد بن موسی الخوارزمی جدول‌های نجومی و جدول‌های مثلثاتی را در جهان طرح و تدوین کرد و اساس علوم ریاضی و الجبر را گذاشت.

## آین نامه‌نگاری

### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر شکل

نامه‌های اداری از نظر شکل، موضوع، ماهیت و چگونه‌گی استفاده و ارسال، به انواع مختلف تقسیم می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. نامه‌های واردۀ: تمام نامه‌هایی است که از خارج اداره، سازمان و یا مؤسسه دریافت شده باشد و در دفترهای اداره یا سازمان، شماره‌یی واردۀ به آن تعلق می‌گیرد.
۲. نامه‌های صادرۀ: نامه‌هایی که از سازمان یا اداره به خارج آن فرستاده می‌شود و شماره‌یی صادره به آن تعلق می‌گیرد.
۳. نامه‌های محترمانه: مکاتباتی که دسترسی و اطلاع به مفاد و محتوای آن‌ها برای همه کس مجاز نیست و فقط افراد خاصی در هر اداره و یا سازمان، می‌توانند از متن آن آگاه شوند.

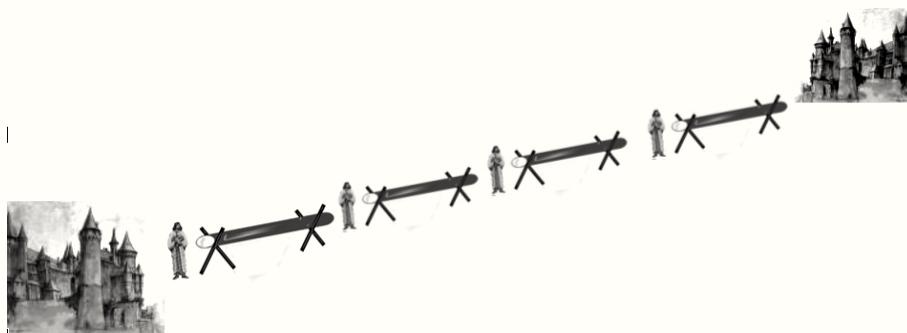
**۴. نامه‌های سرّی:** نامه‌های سرّی استادی است که افشای آن به امنیت مملکت و مصالح دولت، لطمہ بسیاری وارد می‌کند و آن را به خطر می‌اندازد. این گونه نامه‌ها در جاهای مخصوص نگهداری شده و از آن‌ها حفاظت خاص به عمل آید.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد این که چرا نقش مسلمانان امروز در تکامل علوم کمرنگ‌تر از گذشته است، باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. چند تن از شاگردان، به اساس نوبت، در برابر صنف قرار گرفته نامه‌های سری را شرح دهند و مثال‌های واضح بیاورند.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. این تصویر را (که سیستم تلفون و خبر رسانی در قدیم است) مشاهده کنید و در مورد آن متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.





۱. اساس علوم ریاضی و الجبر توسط چه کسی گذاشته شد؟
۲. الپیرونی چه کارهایی را انجام داد؟
۳. در گفته علامه سید جمال الدین افغانی چه پیامی نهفته است؟
۴. کُل فِی فَلَكِ يَسْبُحُونَ، چه معنا دارد؟
۵. نشانه‌های نگارشی چگونه به میان آمدند؟

### کار خانه‌گی



۱. در مورد این که چرا نقش مسلمانان امروزی در تکامل علوم کمتر از گذشته است، مقاله‌یی بنویسید که کمتر از ده سطر نباشد.
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
جمال و زینت انسان به دانش است و هنر که آدمی شرف از دانش و هنر دارد  
تفاوت بشر از جانور به معرفت است جز این چه فخر و فضیلت به جانور دارد  
ادیب الممالک فراهانی
۳. متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس شانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. روابط اجتماعی چیست؟

۲. چه چیزهایی سبب تقویت روابط اجتماعی می‌شود؟

۳. تقویت روابط اجتماعی چه فایده دارد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### روابط اجتماعی

شکی نیست که زنده‌گی اجتماعی یک ضرورت حتمی و قطعی است و آدمی را گریزی از آن نیست. همین نیرویی که انسان را به زنده‌گی جمعی فرامی‌خواند و همان اهداف و انگیزه‌هایی که پذیرش این زنده‌گی را برای وی تسهیل می‌نماید، آدمی را به برنامه‌ریزی و شکل دادن به روابط بین اعضای جامعه دعوت می‌کند، تا نیل به آن اهداف ممکن گردد و گرنه زنده‌گی جامعه بدون قانون و روابط اجتماعی قانونمند، هرگز مطلوب نیست. از سوی دیگر انسان با سایر موجودات تفاوت اساسی در این جهت دارد که نافع بودن یا مضر بودن انسان برای انسان‌های دیگر وابسته به میل و اراده اوست.

اگر همه انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای پیشرفت داشته باشند، باید روابط سالمی را پی‌ریزی نمایند، زمانی افراد جامعه می‌توانند روابط سالم داشته باشند که اساس زنده‌گی برمجتب، صفا و صمیمیت استوار باشد. اگر زنده‌گی برکینه‌توزی، دشمنی، خودخواهی و مکر و حیله بنا شود، انسان‌ها هرگز روز خوشی نخواهند دید.

صید مجنون طیتان بی‌دام الفت مشکل است      هر که بیمار محبت گشت سر تا پا دل است  
بیدل (۷)

محبت انسان ریشه در معرفت او به خویشن دارد. محبت انسان به خود، او را وادر می‌کند که به سوی کمال حرکت کند و نقص را از خود بزداید. تمام فعالیت‌های افراد بشر در زنده‌گی بر محور عشق و محبت قرار گرفته است. میزان محبت انسان نسبت به دیگران باید متناسب با میزان شایسته‌گی آن‌ها باشد؛ یعنی نمی‌توان همه را به یک اندازه دوست داشت؛ زیرا این عمل به معنای نادیده گرفتن ارزش‌ها و ضایع کردن گوهر محبت است. محبت سرمایه‌یی با ارزش است با توجه به نقش محبت در سوق دادن انسان به کمال باید تنها در جایی به کار رود که دل خود و دیگران را مجدوب کمال کند.

اگر می‌خواهیم معیاری محاکم و فرآگیر و صحیح در معاشرت داشته باشیم و بدانیم چگونه باید با دیگران رفتار کنیم، باید خود را به جای آن‌ها قرار دهیم و آنگاه طریق رفتار و سلوک خود را به دست آوریم و صحت و نادرستی رفتار خویش را به سنجش گیریم؛ بنابرین آنچه در روابط اجتماعی بعد از شناخت آداب معاشرت و عمل به آن‌ها و احترام به انسان‌های دیگر مهم می‌باشد، این است که آن‌ها را همچون خود بینیم و در رفتار و کردار و اندیشه نسبت به آن‌ها خود را به جای آن‌ها قرار دهیم و برهمنی اساس رفتار اجتماعی خویش را پایه‌گذاری کنیم.

احتمالاً تاکنون با افرادی روبه‌رو شده باشید که خوش برخورد استند و رفتاری دلپذیر دارند و اگر در بین جمعی از افراد بیگانه قرار گیرند، در زمان کمی با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. این‌گونه افراد معمولاً دوست داشتنی و جذاب استند و قادر اند افراد را به کارهای دلخواه خود وادار کنند.

یک فرد با روابط اجتماعی خوب منافع زیادی به دست می‌آورد؛ زیرا رفتار چنین فردی سبب می‌شود که او اعتماد و پشتیبانی افراد را به راحتی به دست آورده و اطرافیانش او را به سمت موفقیت سوق دهند. چنین فردی نه تنها از حمایت اطرافیان برخوردار است؛ بلکه خود حامی دیگران است و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. او می‌تواند با حمایت افراد مختلف در اجتماع کارهای زیادی انجام دهد؛ زیرا می‌داند چگونه ارتباطات اجتماعی خود را بالا ببرد. اگر شما هم نگاهی به قدرت روابط اجتماعی خود کنید و مهارت‌های ارتباطی خود را شناخته و آن‌ها را تقویت کنید، برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شادر و موفق‌تر باید روی رفتار و زنده‌گی خود یک باز نگری کلی انجام دهید. اگر شما یکی از این افراد (با قدرت روابط اجتماعی بالا) استید، دلیلی برای عدم موفقیت شما وجود ندارد. فقط باید بدانید از کجا شروع کنید. و برای این کار، نکات زیر را مد نظر داشته باشید:

### ۱. وقتی در حال تقویت روابط اجتماعی استید سعی کنید صادق و بی‌ریا عمل کنید.

صادقت و پاکی سبب افزایش توانایی و اعتبار فرد می‌شود؛ چون کسی که نقش بازی می‌کند هرگز نمی‌تواند رفتار شخصی را داشته باشد که از ته دل به دیگران محبت می‌کند. ۲. یکی از مهمترین تمرین‌های خود سازی تمرین «شنونده خوب بودن» است.

برای به دست آوردن محبت و اعتماد افراد، باید شنونده خوبی باشید و با آن‌ها صحبت کنید. با افرادی که صحبت می‌کنید ارتباط رویاروی با چشم برقرار کنید. طوری به حرف‌های افراد گوش کنید، که گویی هر کلمه از حرف‌های آن‌ها را با دقت می‌شنوید.

### ۳. قسمت بزرگی از خود سازی، دوست داشتن خود است.

همیشه به خاطر داشته باشید، قبل از هر کسی برای خود ارزش قابل شوید و به خود احترام

بگذارید. اگر شما خود را فرد قابل احترام و با ارزشی بدانید، افراد به سمت شما خواهند آمد، نه اینکه برای اهداف خود بر روی شانه‌های شما پا بگذارند.

#### ۴. شخصیت خود را پرورش دهید.

آیا شما ترشو و بدخُلق استید؟ با این حال نمی‌توانید وارد زنده‌گی شوید. از شر رفتارها و عادت‌های بد خود را رهایی بخشدید؛ چون آن‌ها یکی از بزرگترین موانع پیشرفت شما اند. چه کسی یک دوست ترشو و بدخُلق می‌خواهد؟

#### ۵. یکی از راه‌های خود سازی، تسلط برخویشتن است.

زمانی که عصبانی می‌شوید داد و فریاد نکنید. آرام و متین باشید. برای کنترول وضعیت موجود و تبدیل خشم خود به چیزی مولد و مثبت، باید به اندازه کافی پخته باشید.

#### ۶. روابط خود را تقویت کنید.

روابط شما با خانواده و دوستان و افرادی که نقش مهمی در زنده‌گی شما ایفا می‌کنند، نباید مورد غفلت واقع شوند. کارهای دلپذیری را با هم انجام دهید تا زمانی که خانواده، دوستان و افرادی که برای شما اهمیت قایل اند، پشتیبان شما باشند. شادی شما را ترک نخواهد کرد. و در پایان روابط خوب شما با دیگران به شما کمک می‌کند تا توانایی‌های فردی خود را افزایش دهید و در عین حال به عنوان یک فرد دوست‌داشتنی در موقعیت قرار می‌گیرید. البته در جامعه مطرح خواهید شد.

## توضیحات

انسان به حیث یک موجود اجتماعی، از آغاز تولد، گرایش‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهد. نیاز به کسب حمایت و امنیت دارد که اولین نشانه‌های نیازمندی فرد به عوامل بیرونی است. لبخندی را که در ماههای اول زنده‌گی در نوزاد دیده می‌شود، به عنوان اولین ارتباط او با محیط اجتماعی خویش می‌دانند. این لبخند در تمامی نوزادان دیده می‌شود که به نظر می‌رسد، کارکرد عمده آن، جلب توجه اطرافیان و برقراری یک نوع ارتباط ساده با اجتماع است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. اگر همه انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای پیشرفت داشته باشند، باید روابط سالمی را پی‌ریزی نمایند.
۲. محبت انسان به خود، او را وادر می‌کند تا به سوی کمال برود و نقص خود را بزداید.

۳. اگر می‌خواهیم معیاری محکم و فراگیر و صحیح در معاشرت داشته باشیم و بدانیم چگونه باید با دیگران رفتار کنیم، باید خود را به جای آن‌ها قرار دهیم.
۴. یک فرد با روابط اجتماعی خوب منافع زیادی به دست می‌آورد؛ زیرا رفتار چنین فردی سبب می‌شود که اطرافیان او را به سمت موفقیت سوق دهد.
۵. برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شادر و موفقتر باید روی رفتار و زندگی خود یک بازیبینی کلی انجام دهید.
۶. وقتی درحال تقویت روابط اجتماعی استید سعی کنید صادق و بی‌ریا عمل کنید.
۷. یکی از مهمترین تمرین‌های خود سازی تمرین «شنونده خوب بودن» است.

## آیین نامه‌نگاری

### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر موضوع و ماهیت

نامه‌های اداری از نظر موضوع به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. نامه‌های شخصی-اداری: نامه‌هایی که از طرف مردم برای مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... فرستاده می‌شود. مقصود از این مکاتبات، انجام شدن امور شخصی است.
۲. نامه‌های اداری-شخصی: نامه‌هایی است که از طرف مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... برای اشخاص فرستاده می‌شود.
۳. نامه‌های اداری-اداری: نامه‌هایی که بین قسمت‌ها و اداره‌های مختلف هر وزارت‌خانه و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مبادله می‌شود.

### • انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر ماهیت

نامه‌های اداری از نظر ماهیت کار نیز به گونه‌های سه‌گانه زیر تقسیم می‌شود:

۱. نامه‌های خبری: این نامه‌ها نتیجه اقدامات انجام کاری را به اطلاع می‌رساند. در واقع، این نامه‌ها شروع یا پایان کاری را به گیرنده اطلاع می‌دهد.
۲. نامه‌های بازدارنده: نامه‌هایی است که از انجام یافتن کار یا بروز حادثه‌یی جلوگیری

می‌کند. این نوع نامه‌ها اقداماتی را که از طریق قسمت اداره یا افرادی شروع شده است یا احتمال انجام شدن دارد، به طور موقت یا دائم متوقف می‌کند.

۳. نامه‌های دستوری یا درخواستی: دستور یا درخواست انجام شدن کار یا نتیجه آن از مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادهای سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و یا فرد است.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. اگر همه انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای ایجاد روابط سالم اجتماعی داشته باشند، جز آنچه در درس خواندیم، دیگر چه چیزهایی را پیشنهاد می‌کنید. شاگردان در این مورد با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بیان کند.

۲. شاگردان پیرامون موضوع درس باهم گفتگو کنند و فهرستی از راههای دیگر خودسازی را ترتیب دهند؛ سپس چند شاگرد، یک شماره آن را خوانده و با ارائه مثال‌های گوناگون، در برابر صنف شرح دهند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. موضوع «روابط اجتماعی» را عنوان قرار داده، متنی هفت سطری در کتابچه‌های خود بنویسید.



۱. برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شاد و موفق چه باید کرد؟
۲. مهمترین تمرین‌های خودسازی را صرف نام ببرید.
۳. نامه‌های شخصی و اداری را تعریف کنید.
۴. بر تمرین‌های خودسازی، شما دیگر چه چیزهایی را علاوه می‌کنید؟
۵. چه نوع نامه‌ها می‌توانند بیشتر در تقویت روابط اجتماعی مؤثر باشند؟ به چه دلیل؟

## کار خانه‌گی



۱. نظریات شخصی خود را در مورد بهبود روابط فرد با اجتماع، طی ده سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

گر ز بی‌سرمایه‌گی دستت ز سیم و زر تهیست

می‌توان تسخیر دل‌ها کرد با خلق حسن

صائب

۳. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## هفدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. واژه علم چه معنایی را افاده می‌کند؟

۲. چرا انسان باید علم آموز باشد؟

۳. چرا دین مقدس اسلام همیشه پیر وان خوش را به فراغیری داشت

تشویق و ترغیب نموده است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## علم و عقل

جمله عالم صورت و جان است علم  
تا به هفتم آسمان افروخت علم  
تا ببینی در درون انبار علم<sup>(۱)</sup>  
بعد از آن افتاد ترا از دوش بار  
علم‌های اهل تن احمال شان  
علم چون برتن زند ماری شود  
طالب علم است غواص بحار  
که بدو روشن کنی دل را ورق  
او عدوی ما و غول و رهزن است  
روح او و روح او ریحان ماست  
مخلص مرغ است عقل دامبین

عقل خود با عقل یاری یارکن

«أمرُهم شورى» بخوان و کارکن

مولانا جلال الدین محمد بلخی

خاتم ملک سلیمان است علم  
آدم خاکی حق آموخت علم  
هین مکش بهر هوا آن بار علم  
تاكه بر رهوار علم آیی سوار  
علم‌های اهل دل حمال شان  
علم چون بر دل زند یاری شود  
علم دریاییست بی حد و کنار  
صیقل عقلت بدان داده است حق  
گفت پیغمبر که احمق هر که است  
هر که او عاقل بود او جان ماست  
آفت مرغ است چشم کامبین



\* علم: در لغت، دانش، معرفت، آگاهی و یقین را گویند. دین مقدس اسلام همیشه پیروان خویش را به فراغیری دانش تشویق و ترغیب نموده است؛ چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ... سورة الزمر / آیت ۹۶» یعنی: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ همچنان پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيشَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» یعنی: طلب علم (دانش) برهمه مسلمانان فرض است. به همین‌گونه امام شافعی (ح) می‌فرماید: «العلم علمان، علم الأبدان و علم الأديان.» یعنی: دانش دوگونه است: ۱. دانش بدن‌ها (یعنی دانشی که مربوط به آسایش آفرینی جسم‌ها و بدن‌ها می‌شود؛ مانند: طب، ساینس، کیمیا، فزیک و....) ۲. دانش دین‌ها (یعنی دانشی که مربوط به تاریخ ادیان، ضرورت ادیان، پیدایش ادیان و بالآخره منطق، اخلاق و...)

پس با نظرداشت همه این موارد، دیده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ حکم به مطلق علم کرده و در تعیین نوعیت علم هیچ‌گونه قیدی را وارد نساخته است. پس نتیجه می‌گیریم که یک مسلمان باید تا حد امکان و توان بشری، همه علوم اعم از علوم دین، فلسفه، اخلاق، ادبیات، ساینس، طب، نجوم، فزیک، کیمیا، بیولوژی و... را بیاموزد؛ تا جامعه اسلامی از قوت لازم برخوردار گردیده و در مقابل غیرمسلمانان احساس عجز و ناتوانی نکند؛ لذا با نظرداشت این که پیامبرگرامی ما ﷺ حکم به مطلق علم کرده است،

\* أمرُهُم شوری: اشاره به کل آیه مبارکه «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ... سورة شوری / آیت ۳۸» یعنی: و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [ثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است....

\* آدم خاکی زحق آموخت علم: اشاره به آیه مبارکه: «وَعَلَمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَئِنْتُمْ بِإِسْمَاءِ هُؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. سورة البقره / آیت ۳۱» یعنی: و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید.

## بخوانیم و بدانیم

۱. آدم علیه السلام نخستین بار، علم را با فرا گرفتن اسماء از خداوند علیه السلام آموخت.
۲. یک مسلمان باید تا حد امکان و توان بشری، همه علوم اعم از علوم دین، فلسفه، اخلاق، ادبیات، ساینس، طب، نجوم، فزیک، کیمیا، بیولوژی و... را بیاموزد.
۳. نظر به فرموده خداوند علیه السلام، یک انسان دانا و یک انسان نادان هیچگاه باهم برابر نیستند.
۴. اگر انسان، دانش و خرد را باهم یکجا سازد، در دنیا و آخرت سعادتمند می شود.

## آیین نامه‌نگاری

• **پیشنهاد:** پیشنهاد نیز نوع دیگری از نامه‌های اداریست. این نوع نامه، که آن خود نیز دارای شکل و چوکات ویژه می‌باشد، در ادارات کشور ما معمول است. پیشنهاد وقتی به کار گرفته می‌شود که کسی از مقامات پایین رتبه از امر خویش درخواست می‌کند، دستور اجرا، ممانعت، پیگیری و... کاری را صادر نماید؛ تا این مقام پایین‌رتبه نظر به دستور کتبی آمر خویش و به رویت این ورقه، در مورد موضوع مربوط اقدام لازم نماید.

حکم	پیشنهاد
Ref No : _____ Date : _____	د. افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان وزارت معارف دیوبخت وزارت Islamic Republic of Afghanistan Ministry of Education د. تبلیغی نصاب د. برائحت او در مسی کتابخواه و تالیف لغزی ریاست لبه

بخش‌های اصلی پیشنهاد نیز عیناً مانند مکتوب اداری بوده و قابل رعایت می‌باشد؛ با تفاوت این که پیشنهاد دارای جدول بوده، تمام مقتضیات پیشنهاد در میان خانه سمت راست نوشته می‌شود و خانه سمت چپ جدول به منظور نوشتن دستور مقام بالایی، سفید گذاشته می‌شود.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد معنا و مفهوم بیت زیر باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان، با ارائه مثال‌ها، به دیگران انتقال دهد.

تاكه بر رهوار علم آيی سوار  
بعد از آن افتاد ترا از دوش بار

۲. می‌گویند، علم ثروت است. چند تن از شاگردان در این مورد سخنرانی نموده و مفهوم این جمله را با ارائه مثال‌های گوناگون، شرح دهند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «ضرورت فraigیری دانش» ارتباط داده، درمورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی



۱. چرا یک انسان دانا و یک انسان نادان باهم برابر نیستند؟
۲. چرا یک مسلمان باید از همه علوم بهره داشته باشد؟
۳. مفهوم حدیث پیامبر ﷺ که گفته است: «طلب العلم فريضة على كل مسلم» چیست؟
۴. پیشنهاد چگونه نامه را گویند؟



۱. شرح این بیت را با ارائه مثال‌های گوناگون در کتابچه‌های تان بنویسید.  
علم چون بردل زند یاری شود  
علم چون برتن زند ماری شود
۲. این بیتها را به حافظه بسپارید:  
کسی که گپنج درون آگند به گوهر علم  
کسی که نقد معارف به دل ذخیره کند  
چه احتیاج به گنجینه و گهر دارد  
چه اعتنا به دُر و لعل و سیم و زر دارد  
ادیب الممالک فراهانی
۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## هژدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. راز خوشبختی در چیست؟

۲. خوشبختی چیست و راه وصول به آن کدام است؟

۳. چه چیزهایی در زندگی می‌تواند در یچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### اندرزهای اخلاقی

در این که همه افراد جامعه خواهان سعادت و خوشبختی و بهروزی در زندگی روزمره‌خود استند، شکی نیست؛ ولی باید دانست که خوشبختی چیست و راه وصول به آن کدام است؟ بعضی از مردم، راه وصول به سعادت در زندگی را منحصر به جم‌آوری ثروت زیاد می‌دانند. برخی تنها راه سعادت و خوشبختی را رسیدن به جاه و مقام می‌دانند. گروهی دیگر تنها راه رسیدن به سعادت را تکامل رفتار انسانی و تعالی اخلاق نفسانی معرفی می‌کنند. دسته‌یی تحت فشار و رنج قرار دادن ریاضت و سختی کشیدن جسم انسان را راه صحیح خوشبختی می‌دانند و عقیده دارند چنان باید جسم و بدن را در تنگنا و سختی قرار داد که جسم انسان ضعیف و نحیف شود و روح انسان کامل و بزرگ گردد.

کدام راه و نظریه برای رسیدن به خوشبختی و نیکنامی، راه سعادت است؟ آیا هیچ یک از راههای فوق الذکر راه اصلی ورود به وادی سعادت نیست؟ آیا چیزی فراتر از این امور مادی، تنها راه ورود به سعادت و خوشبختی می‌تواند باشد؟

آری، راز خوشبختی تنها در پرتو ایمان به خداوند<sup>الله</sup> و باور کامل به اوست. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا يَذِكِّرُ اللَّهُ تَعْمَلُنَّ الْفُلُوبُ<sup>(۱)</sup>» یعنی: تنها با یاد خدا، قلب‌ها آرام می‌گیرند.

پس از آن پند و اندرزپذیری و حرف‌نیوشی از بزرگان و به کاربستان آن می‌تواند در یچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید؛ زیرا پندها و اندرزها حاصل تجربه طولانی بزرگان است و نتیجه یک عمر آگاهی آنان. گاهی یک پند و اندرز معنای یک کتاب کامل از فصل‌های زندگی را در خود نهفته دارد و گاهی دنیاگی از فلسفه در یک جمله کوتاه گرد آمده است، که آن جمله کوتاه می‌تواند مسیر زندگی ما را عوض کند. از این‌رو اندرزهایی

۱- جزء آیه ۲۸- سوره رعد پاره ۱۳.

از بزرگان را می‌آوریم.

- سستی در عمل موجب نرسیدن به مطلوب است. (حضرت علی (رض))  
برترین دانش‌ها خدا پرستی است. (بزرگمهر)
- اندیشه دریایی است که مُروارید آن فلسفه و فرزانه‌گی است. (یحیای برمکی)
- از دو صفت همواره پیرهیزید، یکی بی‌حصله‌گی و دیگری تبلی، اگر بی‌حصله باشی بر هیچ حقی صبر نخواهی کرد، و اگر تبلی باشی هیچ حقی را ادا نخواهی کرد. (امام صادق)
- دوستی را که به عمری فراچنگ آرند نشاید که به یکدم بیازارند. (سعده)
- چنان نمای که هستی نه چنان باش که می‌نمایی. (بایزید بسطامی)
- نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست. (سفراط)
- نوغ، جوهر تفکر است. (زان پل سارتر)
- افراد منطقی خودشان را با دنیا تطبیق می‌دهند. افراد غیر منطقی سعی می‌کنند دنیا را با خودشان تطبیق دهند. (برنارد شاو)
- آنچه استید شما را بهتر معرفی می‌کند تا آنچه می‌گویید. (بزرگمهر)
- قدر زمان حال را بدانید که گذشته بر نمی‌گردد و آینده شاید نیاید. (غالیله)
- حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان. (بلمیوس)
- نخستین قانون موققیت، تمرکز فکری است. (ولیام ماتیوس)
- پیروزی آن نیست که هرگز نیفتی، آن است که بعد از هر افتادنی برخیزی. (مهاتما گاندی)
- تمایلات خود را میان دو دیوار محکم «اراده» و «عقل» حبس کنید. (ارسطو)
- درباره آدمها از سؤالاتی که می‌پرسند قضاوت کنید، نه از جواب‌هایی که می‌دهند. (ولتر)
- تمام حقایق سه مرحله را پشت سرگذاشته اند؛ اول، مورد تمسخر واقع شده‌اند. دوم، به شدت با آن‌ها مخالفت شده است. سوم، به عنوان یک چیز بدیهی پذیرفته شده‌اند. (شوپنهاور)
- هرچیزی زیبایی‌ها و خصوصیت خودش را دارد؛ ولی هر کسی نمی‌تواند آن‌ها را ببیند.  
(کنفوشیوس)
- آنکه پریدن نمی‌داند نباید بر پرتگاه آشیانه بسازد. (نیچه)
- اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب شدید، روزی می‌رسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی مرتکب می‌شوید. (شوپنهاور)
- آن که می‌تواند انجام می‌دهد، آن که نمی‌تواند انتقاد می‌کند. (دلیل کارنگی)
- برگرداندن تصویرهای آویخته بر دیوار، مسیر تاریخ را عوض نمی‌کند. (نهرو)
- شاگردانی که بدون نوآوری همواره سخن استاد خویش را تکرار می‌کنند، هیچگاه برای خود و استاد شان فر و شکوهی به ارمغان نمی‌آورند. (ارد)

- اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می‌رفتیم، همه دشمنان نابود می‌شدند. (بیسمارک)
- اگر هر شاگرد یک گام از معلم خود پیش نشود، جامعه در رکود باقی می‌ماند.
- (پروفیسر محمد کبیر)
- آن که نمی‌تواند از خواب خویش برای فراگیری دانش و آگاهی کم کند، توانایی افزودن بر بزرگی و برتری خویش را ندارد. (ارد)
- حافظه گنجینه‌یی است که باید در آن سرمایه‌گذاری کنیم تا بتوانیم کمکی را که به آن نیاز داریم از آن دریافت کنیم. (روو)
- تو در تمام دنیا فقط یک نفر؛ ولی برای بعضی افراد، تمام دنیا استی. (مارکزن)
- برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد. (بلوتارک)

## توضیحات



یکی از عوامل عمده بروز مشکلات متعدد در جوامع بشری، نادیده گرفتن و نپرداختن به امور معنوی است. اگر سیر تکاملی پیشرفت و ترقی در جوامع مختلف انسانی، در دو خط موازی مادی و معنوی به پیش می‌رفت، ما امروز در جهان خویش شاهد این همه جنگ، ویرانی، فقر، تعصب، بیماری‌های گوناگون، غارتگری، تفوق طلبی و دهها پدیده شوم دیگر نمی‌بودیم.

## بخوانیم و بدانیم

۱. راز خوشبختی تنها در پرتو ایمان الهی و باور کامل به اوست.
۲. پند و اندرز پذیری و حرف‌نیوشی از بزرگان و به کاربستن آن می‌تواند دریچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید.
۳. گاهی یک پند و اندرز معنای یک کتاب کامل از فصل‌های زنده‌گی را در خود نهفته دارد.
۴. گاهی دنیابی از فلسفه دریک جمله کوتاه گرد آمده است، که آن جمله کوتاه می‌تواند مسیر زنده‌گی ما را عوض کند.



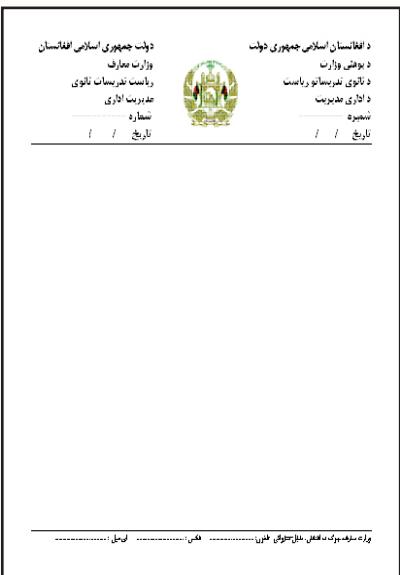
## ۰ طرح نامه‌ها (مکتوب‌های) رسمی دولتی

معمولاً نامه‌های رسمی دولتی از نظر شکلی دارای ساختار ویژه‌یی اند که این طرح و ساختار، نماینده‌گی از رسمی بودن آن‌ها می‌کند. بخش‌های اصلی طرح نامه رسمی دولتی به شرح زیر است:

۱. نشان رسمی دولت (دو سانتی متر پاییتتر از کناره بالایی صفحه)
۲. نام کامل دولت و کشور (در سطر اول)
۳. نام عالی‌ترین مقام همان ارگان (وزارت، ریاست مستقل و.... در سطر دوم)
۴. نام ریاست (در سطر سوم)
۵. نام مدیریت (در سطر چهارم)
۶. شماره دفتری (در سطر پنجم)
۷. تاریخ (در سطر ششم)
۸. آدرس و شماره‌های تماس (نیم سانتی متر بالاتر از کناره پایینی صفحه، با خط کوچک)

## تفصیلات

۱. در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری آن‌ها از راست به چپ است، نشان دولتی در سمت راست صفحه قرار می‌گیرد و در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری شان از چپ به راست است، نشان دولتی در سمت چپ صفحه قرار می‌گیرد.
۲. کشورهایی که دارای دو زبان رسمی‌اند، نشان دولتی در وسط صفحه قرار گرفته و موارد دیگر، با هردو زبان، در دو کنار نشان دولتی نوشته می‌شوند.
۳. برخی از ادارات دولتی دارای نشان خاص خود می‌باشند، که در این صورت، نشان دولتی در جای اصلی خویش قرار می‌گیرد و نشان آن اداره در سمت دیگر صفحه. موارد دیگر، با



هر دو زبان در وسط هردو نشان نوشته می‌شود.

۴. در گذشته‌ها اداره‌های دولتی ما، نامه‌های مورد نیاز را قبلًاً چاپ کرده و در دفاتر نگاه می‌داشتند؛ اما امروز بسیاری از اداره‌ها، یک طرح کامل نامه رسمی را در کمپیوترهای خود ذخیره دارند؛ هنگامی که نامه‌یی نوشتن، یک کاپی آن را گرفته و در روی همان طرح سفید کمپیوتری نصب می‌کنند؛ سپس آن را توسط ماشین چاپ(پرنتر) به چاپ رسانیده به مرجع مربوط می‌فرستند.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «چگونه می‌توانیم خوشبختی را برای فرد، خانواده، جامعه و بالاخره کشور خود فراهم کنیم؟» باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگویید.
۲. چند تن از شاگردان به اساس نوبت در برابر تخته صنف حاضر شده و هر یک شان قسمتی از یک نامه رسمی دولتی را ببروی تخته رسم و نوشته کنند.

### املا و نگاشل

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. تصور کنید که شما یک کارمند اداره حفظ محیط زیست استید. پس در باره این تصویر، با نظرداشت قواعدی که خواندید، در کتابچه‌های تان یک نامه رسمی به آمرتان بنویسید.





۱. از درس حاضر چه نتیجه گرفتید؟
۲. نامه رسمی دولتی با نامه خصوصی چه فرق دارد؟
۳. چه چیزی می‌تواند در چهارهای خوشبختی را به روی انسان بگشاید؟
۴. چرا ما بسیار انتقاد می‌کنیم و خود به آن عمل نمی‌کنیم؟ راه علاج چیست؟
۵. چگونه می‌توانیم خوشبختی را برای فرد، خانواده، جامعه و بالآخره کشور خود فراهم کنیم؟

### کار خانه‌گی



۱. نتیجه کلی درس را طی چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:
 

ادب اموز زان ادیب که او	سبق از لوح کبریا آموخت
برکسی خوان سبق که در همه حال	
۳. متن کامل درس نزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## ن ز د ه م

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. در حکایت زیرین چه پیامی نهفته است؟
۲. کتاب کلیله و دمنه اصلاً در کجا نوشته شده است؟
۳. پیام این حکایت را در زنده‌گی روزمره در چه موقعی می‌توان به کار بست؟
۴. چرا حیوانات دیگر اشترا به دوستی بر نگزیدند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### حکایت

آورده اند که زاغی و گرگی و شگالی در خدمت شیری بودند و مسکن ایشان نزدیک شارع عام بود. شتر بازرگان در آن حوالی بماند و به طلب چراخور در بیشه آمد؛ چون نزدیک شیر رسید، از خدمت و تواضع چاره‌یی ندید. شیر او را استمالت نمود و ازحال او استکشاف کرد و گفت عزیمت در مقام و حرکت چیست؟ جواب داد که آنچه رأی ملک فرماید. شیر گفت اگر رغبت نمایی در صحبت من ایمن و مرفه بباشی. اشترا شادگشت و در آن بیشه می‌بود تا مدتی بر آن بگذشت.

روزی شیر در طلب شکار می‌گشت. بیلی مست به او دررسید و میان ایشان جنگی عظیم افتاد و از هردو جانب مقاومت رفت و شیر مجروح و نالان باز آمد و روزها از شکار بازماند و گرگ وزاغ و شگال بی‌برگ مانندند. شیر اثر آن بدید؛ گفت: «رنج می‌بینید که در این نزدیکی صیدی جویید، تا من برون روم و کار شما ساخته گردم». ایشان به گوشه‌یی رفتند و با یکدیگر گفتند که در این مقام اشترا اجنبي است و درمیان ما چه فایده دهد؟ نه ما را بدوفتی و نه ملک را از او فراغی. شیر را بر آن باید داشت تا او را بشکند و حالی فراغی پدید آید و او از طعمه فرو نماند و نیز چیزی به ما رسد. شگال گفت این نتوان کرد که شیر او را امان داده است و در خدمت خویش آورده و هر که ملک را بر غدر تحریض کند و برنقض عهد، دلیر گرداند، یاران و دوستان را در منجنیق بلا نهاده باشد و آفت را به کمند سوی خود کشیده. زاغ گفت آن وثیقت را رخصتی توان یافت که شیر را از عهده آن بیرون آورد. شما

جای نگهدارید، تا من بازآیم. پیش شیر رفت و بایستاد. شیر پرسید هیچ به دست شد؟ جواب داد که کس را از گرسنگی چشم کار نمی کند؛ لیکن وجهی دیگر هست. اگر امضای رأی ملک بدان پیوندد، همه در خصب و نعمت افتیم. شیر گفت: چیست آن؟ زاغ گفت: این اشترا میان ما اجنبي است و در مقام او ملک را فایده‌بي نیست و نفعي صورت نمی‌بندد. شیر در خشم شد. گفت: این اشارات از کرم و وفا دور است و با مروت مناسبت ندارد. شکستن عهد اشترا را به چه تأویل جایز شمرم؟ زاغ گفت: براین مقدمه وقوف دارم؛ لیکن حکماً گویند یک نفس را فدای اهل بیتی باید کرد و اهل بیتی را فدای قبیله‌بي و قبیله را فدای شهری، چون در خطری باشد و عهد را هم مخرجی توان یافت؛ چنانکه ملک از وصمت غدر منزه باشد و حالی ذات او از مشقت فاقد و مخافت بوار مسلم گردد. شیر سر درپیش افگند. زاغ رفت و باز یاران را گفت: «لختی سرکشی و تندي کرد و به آخر رام شد و به دست آمد.» اکنون تدبیر آن است که ما همه بر شتر فراهم آییم و ذکر شیر و رنجی که او را رسیده است تازه گردانیم و گوییم ما در پناه دولت و سایه حشمت این ملک روزگار خرم گردانیده‌ایم. امروز که او را این رنج افتاد، اگر به همه نوع خویشن بر او عرضه نکنیم، و جان و نفس فدای ذات و فراغ او نگردانیم، به کفران نعمت منسوب شویم و به نزدیک اهل مروت بیقدر گردیم. صواب آن است که جمله پیش او رویم و شکر ایادی او را باز رانیم و مقرر گردانیم که ازما کاری دیگر نیاید و جان‌ها و نفس‌های ما فدای ملک است و هر یک از ما گوید: امروز چاشت ملک از من سازد و دیگران آن را دفعی سازند و عذری نهند، بدین تردد حقی گزارده شود و ما را زیانی ندارد و این فصول با اشترا درازگردن بالا کشیده بگفتند. و بیچاره را با این دمدمه در کوزه فقاع کردند و با او قرار داده پیش شیر رفتند و چون از تقریر شکر و ثنا و نشر محامد و دعا پبرداختند. زاغ گفت: ملک را بقا بادا که راحت ما به صحبت ذات ملک متعلق است و اکنون ضرورتی پیش آمده است تن و جان من اگرچه ضعیف است فدای ذات شریف ملک باد! من که باشم که به تن رخت وفای تو کشم به دل و دیده و جان بار بلافای تو کشم به خدا گر تو به عمر و خردم رای کنی هردو را رقص کنان پیش هوای تو کشم ور به جان و دل و تن کار برآید همه را به خدا گوش گرفته به سرای تو کشم و امروز ملک را از گوشت من سد رمقی حاصل تواند بود، مرا بشکند. دیگران گفتند از خوردن تو چه آید و از گوشت تو چه سیری. شگال هم بر این نمط فصلی آغاز نهاد، جواب دادند که گوشت تو بویناک و زیانکار است، طعمه ملک را نشاید. گرگ هم براین منوال فصلی بگفت.

ایشان گفتند گوشت گرگ خناق آورد و قایم مقام زهر هلاهل باشد. اشتر بیچاره این دم ایشان چون شکر بخورد و ملاطفتی نمود هرچه تمامتر و صفت پاکی گوشت خود بکرد، همه یک کلمه شدند و گفتند راست می‌گویی و از صدق عقیدت و فرط شفقت عبارت می‌کنی. به یکبار دروی افتادند و پاره پاره کردند و شتر در آن دم به دام افتاد. و این مثل بدان آوردم تا بدانی که مکر اصحاب اغراض، خاصه که مطابقه نمایند، بی اثر نباشد.

کلیله و دمنه

## توضیحات

حکایتی را که خواندید، برگرفته از کتاب «کلیله و دمنه» است. کلیله و دمنه کتابی است در اصل هندی که به دری ترجمه شده است. در این کتاب حکایت‌های گوناگون (بیشتر از زبان حیوانات) نقل شده است. نام آن از نام دو شغال با نام‌های «کلیله» و «دمنه» گرفته شده است. بخش بزرگی از کتاب اختصاص به داستان این دو شغال دارد. کلیله و دمنه در واقع تألیفی است مبتنی بر چند اثر هندی که مهمترین آن‌ها پنجه تنراه (پنج فصل) و به زبان سانسکریت است. این کتاب چندین بار از عربی به فارسی دری برگردانده شده است. از جمله رودکی آن را به نظم درآورده؛ اما امروز جز چند بیت پراکنده از آن باقی نمانده است. در قرن ششم هجری، نصرالله منشی (منشی بهرامشاه غزنوی) آن را به زبان دری ترجمه کرد. این ترجمه آزاد است و نصرالله هرجا لازم دانسته است ایيات و امثال بسیار از خود و دیگران آورده است. ترجمة نصرالله منشی همان ترجمه‌یی است که از آن به عنوان کلیله و دمنه در زبان دری یاد می‌شود؛ گاه نیز آن را کلیله و دمنه بهرامشاه خوانند. و بالآخره «کلیله و دمنه» در سال‌های اخیر توسط شاعر شیرین کلام کشور ما میریهادر و اصفی به نظم در آورده شده که این کتاب در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. به نشر رسیده است.

## بخوانیم و بدانیم

۱. زاغی و گرگی و شگالی در خدمت شیری بودند.
۲. اشتر بازرگان در آن حوالی بماند و به طلب چراخور در بیشه آمد. شیر برایش گفت: اگر رغبت نمایی در صحبت من اینم و مرفه باشی.

## آیین نامه‌نگاری

### • بخش‌های اصلی نامه اداری (مکتوب)

منظور از بخش‌های اصلی نامه‌های اداری، این است که چگونه یک نامه کامل اداری را قالب‌بندی کرده و آن را روی کاغذ بیاوریم. بر اساس آنچه در ادارات و مؤسسه‌های گوناگون، رایج و متداول، و در عرف اداری نیز پذیرفته شده و تقریباً ثابت است، باید به شکل زیر باشد:

۱. آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست).
۲. تاریخ صدور نامه
۳. شماره دفتری یا صادره
۴. عنوان (خطاب به گیرنده نامه)
۵. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامانه در ابتدای نامه)
۶. متن نامه
۷. پایان نامه (عبارت یا جمله احترامانه پایانی)
۸. در قسمت ختم آخرین سطر نامه (نام و موقف دولتی امضا کننده)
۹. امضای مسؤول دفتر صادر کننده
۱۰. ذکر ضمیمه‌ها یا پیوست‌ها با تعداد اوراق آن (کنار چپ صفحه اول)

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان با هم در مورد درس خوانده شده گفتگو کنند و پیام این حکایت را به دست آورده، نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
۲. شاگردان به سه گروه تقسیم شده هر گروه چهار قسمت از بندهای نامه‌های اداری را برروی کاغذی رسم نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان در مقابل صنف قرار گرفته به ترتیب تصویر کلی یک نامه اداری را بر روی تخته تکمیل کنند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر، با نظرداشت پیام متن درس، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



خود آزمایی



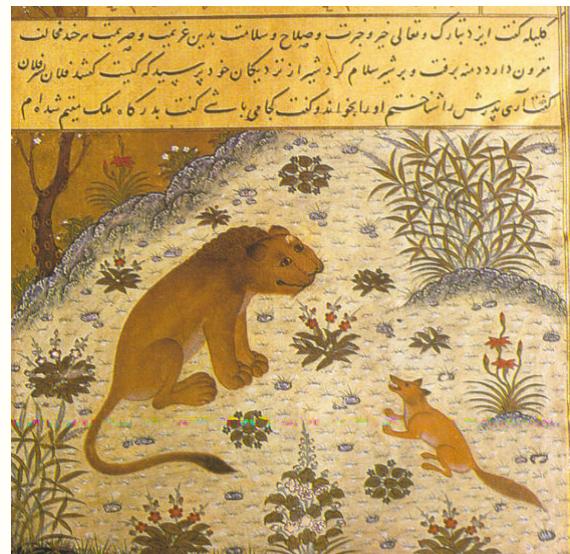
۱. حکایت متن درس چه پیامی داشت و چه چیزی را به ما می‌آموخت؟
۲. چرا حیوانات دیگر بر ضد اشتر توطئه چیزند؟
۳. کدام حرف‌های زاغ برشیر کارگر افتاد؟
۴. چرا شیر پیمان خود را دربرابر اشتر شکست؟
۵. این حکایت در زندگی روزمره چه کارایی دارد؟ ضمن یک مثال واضح سازید.

۶. مهمترین قسمت‌های نامه اداری از نظر شما چیست؟  
۷. آیا آغاز نامه و پایان آن در نامه‌های اداری ضروری است؟ به چه دلیل؟

## کار خانه‌گی



۱. نتیجه حکایت را در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
طريق دلربا يك جهان نيرنگ می خواهد  
به حسن محض نتوان پيش بردن نازيني ها  
بيدل
۳. متن كامل درس بيستم را خوانده و برای معرفی آن در روز آينده آماده‌گی بگيريد.



## ییستم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. رسانه چیست؟

۲. رسانه‌ها در جامعه چه نقشی را ایفا می‌کنند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه

رسانه عبارت از وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات به مردم است. مطبوعات و رسانه‌های جمعی، چه چاپی و چه تصویری و صوتی، در جهت آگاهی افکار عامه نقش بس مهمی را ایفا می‌نمایند؛ حتی به اعتقاد بعضی از دانشمندان، رسانه‌ها قوه چهارم یک دولت به شمار می‌روند. به قول یکی از فلاسفه، پیشرفت و تکامل یک جامعه از سیر تکامل رسانه‌های آن هویتا می‌گردد؛ زیرا رسانه‌ها و مطبوعات وسیله گفت و شنود اقشار مختلف اجتماع است. رسانه‌ها با امکانات، تجهیزات، حجم و روشی که دارند، به عنوان حاملان و انتقال دهنده‌گان پیام، می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی، باورها و افکار عمومی مؤثر باشند؛ زیرا آن‌ها بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، عقیدتی و فرهنگی، امکان حضور در همه نقاط جغرافیایی را به دست آورده‌اند.

فرهنگ عمومی پدیده پویایی است که سکون در آن معنا ندارد و هر روز با اختراعات، اکتشافات و نظریه پردازی‌هایی که در دنیا شکل می‌گیرد، پذیرای این رفتارها، تحولات و دیگرگونی‌ها می‌شود؛ بنابرین کسانی که تأثیرگذاری بالاتری در فرهنگ را داشته باشند، می‌توانند در شکل‌دهی فرهنگ عمومی موفقتر باشند. اثرگذاری در فرهنگ عمومی با استفاده از وسایلی صورت می‌گیرد که آن وسایل امکان این تأثیرگذاری را معین می‌کند. مطبوعات به عنوان یکی از وسایل و تلویزیون به عنوان وسیله دیگر درین راستا مطرح است؛ چون نفوذ، حضور، نحوه بیان و شکل انتقال پیام در تلویزیون، به نحوی است که مخاطب را می‌تواند با انواع و اقسام روش‌ها به خود جلب کند؛ پس این رسانه می‌تواند در نحوه تغییر دیگرگونی فرهنگ عمومی، پرنفوذترین و مؤثرترین عامل باشد.

تلوزیيون به عنوان يك رسانه بسيار مهم و يكى از وسائل تأثيرگذار بر فرهنگ عمومي، وقتى مؤثر واقع مى شود، كه بتواند با مخاطبانش منطبق با نيازهای آنان و با روش های درست و مورد قبول، برنامه را ارائه کند.

از سوی دیگر رسانه وسیله‌ي است در جهت تفاهم، تبادله تجارب، وحدت ملی، همگرایی، نزدیکی افکار و اندیشه‌های مختلف و در نتیجه صلح، ثبات و امنیت. رسانه‌ها در نهادینه نمودن قوانین، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی باید نقش خویش را ادا کنند و پیداست که نقش شان در اشاعه فرهنگ، اعتقادات و باورهای مردم بسیار برجسته است. بنابرین رسانه‌ها باید محتاطانه و درجهت دفاع از فرهنگ، اعتقادات و باورهای جامعه عمل کنند و گرنه فرهنگ‌های بومی و ملی در کام فرهنگ‌های بیگانه فرو خواهند رفت؛ سلطه فرهنگ‌های وارداتی بر جامعه سایه خواهند افگند و درپی تسخیر جامعه گردیده، ارزش‌های جامعه را خواهند بلعید.

برای اين که فرهنگ و ارزش‌های جامعه رشد يابد و بتواند در مقابل نفوذ فرهنگ‌های بیگانه قرار گيرد و از محو و نابودی ارزش‌ها جلوگیری کند، مطبوعات و رسانه‌های جمعی مسؤولیت عظیم و خطیری را به عهده دارند تا در جهت رشد و غنامندی فرهنگ، عنعنات، باورها، رسوم و ارزش‌های جامعه خود تلاش نمایند؛ زира وسائل ارتباط جمعی يگانه وسائلی اند که سیر و حرکت اجتماعی را تعیین می کنند.

به اعتقاد برخی از دانشمندان، مشکلات کشورهای توسعه نیافته، ناشی از فقر اقتصادی نیست؛ بلکه ناشی از فقر فرهنگی و عدم بیداری مردم آن کشورها است؛ بنابرین رسانه‌ها می‌توانند در جهت بیداری مردم و آگاهی عامه نقش بهسزایی را بازی نمایند. از آنجایی که مطبوعات وسیله گفت و شنود مردم است و در این گفت و شنود نزدیکی نظریات فراهم می‌آید و نزدیکی نظریات، خود حرکت مشترک اجتماعی را سبب می‌شود و مردم در کنار هم به تفاهم می‌رسند؛ پس رسانه‌ها باید در جهت تحقق آزادی، برابری، عدالت، دموکراسی و ارزش‌های جامعه مدنی وسیله شوند و به مردم تفهیم نمایند که افغانستان خانه مشترک همه کسانی است، که در این سرزمین تولد یافته، بزرگ شده و زنده‌گی می‌کنند.



ما امروز در شرایطی قرار داریم که عرصه فرهنگ عمومی یک عرصه کاملاً رقابتی است و کسانی می‌توانند در عرصه‌های رقابت حضور پیدا کنند که بتوانند از قانونمندی‌های عرصه رقابت استفاده کنند و آن قانونمندی‌ها را خوب بشناسند و مطابق با آن حرکت کنند. این فهم در تمام امور سیاسی اقتصادی و حتا در امور روزمره و جاری صادق است. به همین خاطر لازم است که پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی رسانه‌ها مطابق با نیازهای عموم جامعه باشد؛ یعنی جامعه نسبت به آن پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی احساس نیاز کند و آن‌ها را به خوبی پذیرد.

### بخوانیم و بدانیم

۱. رسانه، عبارت از وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات به مردم است، که در جهت آگاهی افکار عامه نقش مهمی را ایفا می‌نماید.
۲. رسانه‌ها به عنوان حاملان و منتقل کننده‌گان پیام می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی، باورها و افکار عمومی موثر باشند.
۳. فرهنگ عمومی پدیده پویایی است که سکون دران معنا ندارد و هر روز با اخترات، اکتشافات و نظریه پردازی‌هایی که در دنیا شکل می‌گیرد؛ لذا فرهنگ پذیرای این رفتارها، تحولات و دیگرگونی‌ها می‌شود.
۴. رسانه وسیله‌یی است در جهت تفاهم، تبادله تجارت، وحدت ملی، همگرایی، تزدیکی افکار و اندیشه‌های مختلف و در نتیجه صلح، ثبات و امنیت.
۵. تلویزیون به عنوان یکی از وسائل مهم تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی، وقتی موثر است که بتواند با مخاطبانش مطابق با نیازهای آنان و با روش‌های درست و مورد قبول، برنامه را ارائه کند.
۶. رسانه‌های جمعی مسؤولیت دارند؛ تا درجهٔ رشد و غنامندی فرهنگ، عنعنات، باورها، رسوم و ارزش‌های جامعه خود تلاش نمایند؛ همچنان وظیفه دارند تا در جهت تحقق آزادی، برابری، عدالت، دموکراسی و ارزش‌های جامعه مدنی وسیله شوند، به مردم تفهیم نمایند که افغانستان خانه مشترک همه کسانی است که در این سرزمین تولد یافته، بزرگ شده و زنده‌گی می‌کنند. چون رسانه‌ها وسایلی اند که سیر و حرکت اجتماعی را تعیین می‌کنند.

## آیین نامه‌نگاری



• استعلام: استعلام در لغت، معلومات خواستن، طلب معلومات کردن و آگاهی خواستن را می‌گویند و در اصطلاح نامه‌نگاری، به نوع خاصی از نامه گفته می‌شود که دارای شکلی و پژه بوده و در آن اداره‌بی از اداره دیگری یا در میان خود همان اداره، پیرامون موضوعی خواستار معلومات می‌شود؛ همچنان دفاتر مسؤول بازجویی از متهمان و مجرمان،

پرسش‌های خویش را به صورت تحریری در همین نوع نامه نوشته و جواب اشخاص متهم یا مجرم را به صورت کتبی در حشو آن می‌گیرند و به حیث سند مورد کاربرد مراجع قانونی قرار می‌دهند.

معمولًاً استعلامها در کشور ما دارای چوکات و شکل مخصوص بوده و تقریباً شکل آن در همه ادارات دولتی، یکسان است.

سوال	جواب

استعلام

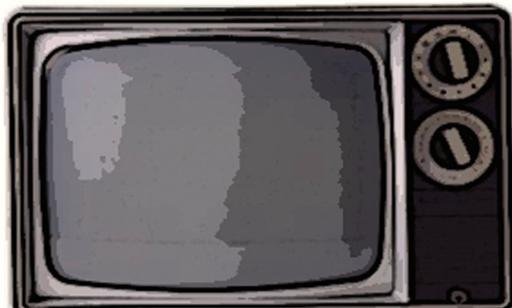
ریاست امنیت، تسلیت، تعلیمی، کلیل مکمل درسی، ناخلاع مخوبه دار اسلامی مدد جذل الدین افغانی  
شماره ثابت: ..... مکمل: ..... مکمل

### کار گروهی و سخنرانی

۱. رسانه‌های صوتی و تصویری با رسانه‌های چاپی در بیدارسازی اذهان عامه از هم چه تفاوت‌هایی دارند؟ شاگردان نقش این دو نوع رسانه را با یکدیگر مقایسه نموده نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. شاگردان طرح یک استعلام دفتر رسمی را به صورت دسته جمعی روی یک صفحه کاغذ بریزند؛ سپس یک تن شان در برابر صنف آمده قسمت‌های مختلف آن را شرح دهد.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. با نظر داشت وظایف رسانه‌ها، در باره تصویر زیر، یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی



۱. رسانه چیست و در جهت آگاهی افکار عامه چه نقشی را بازی می‌کند؟
۲. تلویزیون چه وقت می‌تواند بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار باشد؟
۳. رسانه‌های جمعی چه مسؤولیت‌هایی را در برابر جامعه دارند؟
۴. طرح یک استعلام دفاتر رسمی، چگونه باید باشد؟
۵. به نظر شما آزادی رسانه‌ها چیست و چگونه باید باشد؟

## کار خانه‌گی



۱. نظریات شخصی خویش را درمورد «آزادی رسانه‌ها چیست و چگونه باید باشد» طی چند سطر در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:

گر که ما دیده بیندیم و به مقصد نرسیم  
اگرت موعظه عقل بماند در گوش  
چه کند راحله و مرکب رهواری چند  
برندت ز ره راست به گفتاری چند  
پروین اعتصامی
۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## درس بیست و یکم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفات جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. مقدمات مکتب هندی چه وقت فراهم شد؟
۲. مشخصات عمدهٔ مکتب وصال چیست؟
۳. ویژه‌گی‌های مکتب هندی در چیست؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### ادبیات دری در قرون ۱۱ و ۱۲

در اواخر دورهٔ تیموریان در عصر سلطان حسین بایقرا، که آن را «رنسانس شرق» گویند؛ مکتب ادبی عراقی به افول گرایید و شعر از تکاپو بازماند، به ویژه شعر اهمه به تقليید از گذشته‌گان داد سخن می‌دادند که جامی را می‌توان آخرین نمایندهٔ این مکتب دانست. با آن هم در شعر این دوره مقدمات مکتب هندی فراهم گردید. میان مکتب عراقی و هندی دورهٔ متواتر در قرن دهم پدید آمد که به نام مکتب «وصل» و «فراق» یاد می‌شود. این طرز تازه، تجارب زنده‌گی واقعی را در زمینه‌های عاشقانه با زبان شیرین و دلنشیں بیان می‌کند که با چاشنی زبان عامیانه همراه است.

شعر «وصل» از اوایل قرن شانزدهم میلادی، به وسیلهٔ چند تن از شعراء، چون: هاتفی، هلالی چفتایی، اهلی شیرازی و بیش از همه بابافغانی به وجود آمد. شعر «وصل» که بازتاب دهندهٔ یک عشق واقعیست؛ با بیانی ساده و مضامین تازه چهره می‌نماید و از بس با درد و حسرت آگنده می‌شود، خواننده را به همدردی و دلسوزی با عاشق می‌کشاند. در این زمینه «وحشی بافقی» از نامدارترین چهره‌ها و نمایانگر بر جستهٔ مکتب «فرقان» در شعر فارسی دری است. شعر «وحشی بافقی» با آن که از نظر بافت سخن و آهنگ آن با اشعار همروزگارانش تفاوت چندانی ندارد؛ اما از نظر بیان سوز دل و حالت سوریده‌گی یک عشق واقعی و ساده‌گی بیان، صادقانه‌ترین و شیرین‌ترین شعر آن دوره به شمار می‌رود. اگر مکتب «وصل»، رسیدن عاشق را به معشوقهٔ واقعی نه صوری و مجازی؛ با کلام

شیرین و تصویرهای دلنشیں، بیان کرده است؛ مکتب «فرق» از شکست و ناکامی عاشق و عدم رسیدن او به وصال یار با سوز و گداز و زبان ساده و تصاویر عام فهم و محسوس، سخن به میان آورده است. تفاوت‌های این دو مکتب، نه در شیوه‌های بیان؛ بلکه در چگونه‌گی رسیدن و نا رسیدن عاشق به وصال است. یکی از شاعران معروف این دو مکتب (وصل و فراق) بابافانی بوده است با پیشرفت و غنای این سبک پس از قرن دهم، مکتب دیگری در شعر و ادب فارسی دری پدید آمد که به نام مکتب هندی معروف گردید. تا دوران بازگشت ادبی در قرن ۱۴ هجری سراسر سده‌های دهم تا چهاردهم آثار نظم و نثر در این مکتب آفریده شد. در این مکتب غزل از دید عمودی یکپارچه نیست؛ بلکه هربیت آن تافتة جدا بافتیه بی است که تصاویر و مفاهیم مشخصی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر در این مکتب تک بیت اساس کار غزل است.

در این مکتب صور خیال با ایجاز و ابهام ارائه می‌شود. کاربرد کنایه و استعاره‌های بدیع، که با ظرافت و باریک‌بینی و مبالغه همراه است، شعر را در بستر مضامین تازه بدانجا می‌رساند که گاه خواننده را دچار حیرت می‌سازد. پیچیده‌گی و کثرت صور خیال معنای کلام را دیرفهم و مشکل می‌گرداند. همین امر است که شنونده را به تأمل و امیدار و در عالم خیال به جهان دیگر می‌کشاند. همین ویژه‌گی، مکتب هندی را شکوه و بدبهء خاصی بخشیده است. شاعران این مکتب در دربارشاهان هند؛ چون: جلال الدین اکبر، جهانگیر، شاهجهان و اورنگزیب گرد آمدند و برخی‌ها عواید سرشار و مناسب بلندی را نصیب شدند. عرفی شیرازی، قدسی مشهدی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، کلیم کاشانی و صائب تبریزی که همه از فارس (ایران امروز) بودند؛ به هندوستان رفتند و در آنجا به شهرت، جاه و مال رسیدند. فیضی دکنی، طالب آملی، جلال اسیر، حزین لاهیجی، میرزا عبدالقدار بیدل، غنی کشمیری، محمد حسین نظیری نیشاپوری، ناصرعلی سرهندي، هلالی چفتایی، وحشی بافقی و بسیاری از شاعران دیگر که در ماوراءالنهر، خراسان هند و ایران می‌زیستند؛ در غنا و تکمیل این مکتب ادبی نقش به سزایی از خود بر جای گذاشته‌اند. از این شمار کلیم کاشانی، صائب تبریزی و میرزا عبدالقدار بیدل در اوج این مکتب قرار دارند؛ اما بیدل که عرفان و

تصوف را چون سنایی و مولوی چاشنی کلامش قرار داد؛ شاهبازی است که برقله معانی این مکتب قرار دارد. در کلام بیدل تمام ویژه‌گی‌های این مکتب به چشم می‌رسد. بر علاوه بیدل در اوزان مشکل و بحر طویل بسیار طبع آزمایی کرده است.

رهکشایان و پیروان این مکتب به غیر از دهلي و آگره، در قندھار، بدخشنان، بلخ، هرات، غزنی، کابل، اصفهان، شيراز، سمرقند و بخارا در حلقه‌های ادبی و یا انفرادی در دربارهای شاهان و حکام منطقه گرد آمده و به انشا و ابداع شان پرداخته اند.

در قندھار احمد شاه ابدالی، پسرش تیمورشاه و شماری از درباریانش ذوق شعر و ادب داشتند. در دربار تیمورشاه در کابل حلقه ادبی تشکیل شده بود که اعضای آن تیمورشاه، میرهوتك افغان، لعل محمد عاجز(طبیب دربار)، میرزا قلندر و شماری دیگر بودند که به طرز بیدل مشاعره‌هایی انجام می‌دادند.

شمار زیادی از شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هـ. ش. از سرزمین خراسان کهن یا افغانستان کنونی برخاسته بودند.

## توضیحات

در سراسر قرن ۱۱ تا نیمة اول قرن ۱۲ هجری که خراسان به سه حوزه مختلف و مخالف از جانب قدرت‌های همسایه تجزیه و تقسیم گردیده بود، وضع سیاسی و اجتماعی در بحران دائمی سیر می‌کرد. بر اثر جنگ‌های دائمی که قدرت‌های سه‌گانه به خاطر تصاحب این مناطق بر این سرزمین تحملی کردند؛ شهرها ویران گردید. غارت و کشتار اهالی، وضع مالیات‌های سنگین، نبود بازار واحد ملی، دور بودن مراکز قدرت و اداره بخارا، اصفهان و دهلي از خراسان، عدم توجه زمامداران به آبادی و انکشاف اقتصادی و اجتماعی این سرزمین، خراسان را که در زمان تیموری‌های هرات از پیشرفته‌ترین و آبادترین سرزمین‌های شرق به شمار می‌رفت؛ به رکود و قهقهرا کشانید. از همین سبب دانشمندان، هنرمندان، شاعران، نویسنده‌گان، عرفانی و بازرگانان به بخارا اصفهان، آگره و دهلي به خدمت شاهان فارس، فرارود و هندوستان رو آوردند و زبان و ادب دری در آن مراکز به رشد و شگوفایی خویش ادامه داد.

## بخوانیم و بدانیم

۱. در اواخر دورهٔ تیموری مکتب ادبی عراقي به افول گرایید و شعر از تکاپو بازماند.
۲. میان مکتب عراقي و هندی دورهٔ متوسطي در قرن دهم پدید آمد که به نام مکتب «وصلال و فراق» یاد می‌شود.
۳. مکتب «وصلال»، رسیدن عاشق را به معشوقهٔ واقعی نه صوري و مجازی؛ با کلام شیرین و تصاویر دلنشين، بيان کرده است؛ اما مکتب «فرقاق» از شکست و ناکامي عاشق و عدم رسیدن او به وصال يار با سوز و گذار و زيان ساده و تصويرهای عام فهم، سخن به ميان آورده است.
۴. تفاوت‌های مکتب «وصلال» و «فرقاق»، نه در شيوه‌های بيان؛ بلکه در چگونه‌گی رسیدن و نا رسیدن عاشق به وصال است.
۵. در مکتب هندی تک بيت اساس کار غزل است که آن را «شاه فرد» نيز گفته اند. ع در قندهار احمدشاه ابدالی و پسرش تیمور شاه و شماری از درباريانش ذوق شعر و ادب داشتند.
۶. شمار زیادي از شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری از سرزمین خراسان کهن برخاسته بودند.

## آين نامه‌نگاري

### • نامه (مكتوب)‌های رسمي به شخص

عبارة از نامه‌هایی است که از سوی يك اداره رسمي دولتی برای يك يا چندين شخص يا سازمان يا شركت فرستاده می‌شود. شكل و ساختمان اين‌گونه نامه‌ها كم و بيش همانند نامه‌های اداری است، با تفاوت‌های اندکی که در زير به شرح آن خواهيم پرداخت. بر اساس آنچه در اداره ها و دفاتر رسمي گوناگون، رايح و متداول، و در عرف اداری نيز پذيرفته شده و ثابت است، نامه‌های رسمي به شخص باید دارای اوصاف و شكل زير باشد:

۱. آدرس يا نشاني فرستنده (اگر نامه چاپي باشد و آدرس دفتر در پايان آن باشد، نوشتن اين قسمت لازم نیست).
۲. تاريخ صدور نامه
۳. شماره دفتر
۴. عنوان (خطاب به گيرنده نامه)

۵. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)
۶. متن نامه
۷. پایان نامه (عبارت یا جمله احترامی پایانی)
۸. نام و مقام اداری نویسنده (کنار چپ صفحه)
۹. امضای نویسنده
۱۰. مهر اداره (در صورت ضرورت)
۱۱. ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن کنار چپ بالاتر از متن نامه
۱۲. نام شخص و یا اشخاص گیرنده (اگر گیرنده‌گان بیشتر از یک شخص باشد.)

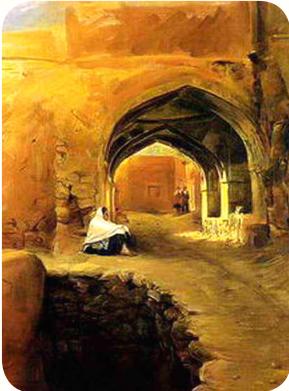
## تفصیلات

۱. نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترام‌آمیز مقدماتی و پایانی در این‌گونه نامه‌ها ضروری است.
۲. اگر گیرنده نامه دارای القاب و عنوان‌علمی؛ مانند: دکتور، انجنیر، استاد، سرمحقق، مؤلف و یا القاب اداری و نظامی؛ مانند: وزیر، رئیس، دگروال، جنرال و امثال این‌ها باشد، نوشتن این القاب و عنوان‌علمی ضروری است.
۳. اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک مجرم نوشته می‌شود، عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عنوان‌علمی، اداری و نظامی نباید نوشته شود.
۴. اما اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک متهم نوشته می‌شود، نوشتن عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عنوان‌علمی، اداری و نظامی ضروری است.
۵. اگر در نامه از گیرنده تقاضای اجرای کاری در موعد معینی شده باشد، ذکر تاریخ نهایی آن حتمی است.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد این که چرا اوضاع سیاسی و اجتماعی بر رشد ادبیات تأثیرگذار است، باهم گفتگو کنند؛ سپس یک تن شان در برابر صنف آمده و در این مورد سخنرانی کند.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اولی یک نامه احضاریه به یک فرد متهم به فساد اداری بنویسند و گروه دوم یک نامه به شخصی بنویسند که محصول برق خود را به دولت تحويل نکرده است؛ سپس از هر گروه یک نفر، نامه را در برابر صنف بخواند و گروه مقابل خطاهای آن را اصلاح کند.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.

۲. این تصویر را با موضوع «فرهنگ و ادبیات» ارتباط داده، درمورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.

## خود آزمایی



۱. مکتب «وصل» و «فرق» باهم چه تفاوت داشتند؟

۲. ویژه‌گی‌های مکتب هندی را بیان کنید.

۳. شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری بیشتر در کدام مراکز زیسته و آثاری به وجود آورده‌اند؟

۴. چرا اوضاع سیاسی و اجتماعی بر رشد ادبیات تأثیرگذار است؟

۵. نامه‌رسمی به شخص چیست؟

۶. در کدام صورت عبارت‌ها و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عنایون علمی،

اداری و نظامی در نامه‌های رسمی به شخص نباید نوشته شود؟

## کار خانه‌گی



۱. در رابطه به یکی از شاعران که در درس خواندید نظر به علاقه تان معلومات جمع‌آوری نموده روز آینده پیش روی صنف قرائت نمایید.

۱. این بیت را به حافظه بسپارید:

کند خاکستر آخر زیردست خویش اخگر را  
به نرمی تندخویان را ذلیل خود توان کردن  
صایب

۲. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس  
بیست  
و دوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. تولستوی کی بود؟
۲. او چه کارهایی در زمینه ادبیات و آموزش انجام داد؟
۳. او با کدام نویسنده گان اروپایی ملاقات کرده؟
۴. او در کجا و به چه شکل وفات یافت؟
۵. چرا او همیشه در هیجان به سر می‌برد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## تولستوی



لیون تولستوی نویسنده چیره‌دست روسی در نهم سپتامبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانواده متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد. مادرش را در دو ساله‌گی و پدرش را در ساله‌گی از دست داد و پس از آن تحت تکفل عمه‌اش قرار گرفت. در سال ۱۸۴۴ میلادی در رشتة زبان‌های شرقی در پوهنتون قازان ثبت نام کرد و پس از سه سال، تغییر رشتہ داده و به فاکولته حقوق شامل شد و در سال ۱۸۵۱م. به خدمت سربازی شتافت. تولستوی، توجه و علاقه وافری به آموزش و پژوهش کودکان و نوجوانان داشت. از همین سبب او در سال ۱۸۵۷م. به مدت پنج سال از کشورهای غرب اروپا بازدید نموده و با مشاهیر آنجا؛ مانند: چارلز دیکنز، ایوان تورکنیف و فریدریش فربول، دیدار به عمل آورد. پس از بازگشت به کشورش، براساس تجارت نوآموخته، دست به یک رشتہ اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکتب‌های ابتدایی در روستاهای پرداخت. او در نامه‌یی به یکی از خویشاوندانش (که اداره امور دربار و نظارت املاک تزار روسیه را به عهده داشت) چنین نوشت: «هرگاه به مکتب قدم می‌گذارم، با مشاهده چهره‌های تکیده، موهای ژولیده، و برق چشمان این کودکان فقیر، دستخوش نا آرامی و هیجان می‌شوم و

همان حالتی به من دست می‌دهد که بارها از دیدن شراب‌خواران مست بر من مستولی شده است. ای خدای بزرگ! چگونه می‌توانم آن‌ها را نجات دهم؟ نمی‌دانم به کدامین یک کمک کنم. من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم و نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟

تولستوی در سال ۱۸۶۲ میلادی با یک دختر هژده ساله آلمانی به نام « Sofiya » ازدواج کرد و سال‌ها پس از آن؛ یعنی در سال ۱۸۸۱ میلادی به همراه خانواده‌اش به مسکو رفت و در آنجا اقامت گزید. آنگاه دست به نوشتن شاهکارهای جاودانه‌یی به نام « جنگ و صلح » و « آناکارنینا » زد، که نگارش رُمان « جنگ و صلح » پنج سال را در بر گرفت. پشتیبانی همسر جوانش از فعالیتهای ادبی تولستوی، که به روایتی ۱۴۰۰ صفحه از پیش‌نویس جنگ و صلح را بیش از هفت بار پاک‌نویس کرده است، شایستهٔ یاد آوری و تقدیر می‌باشد. این دو رمان به مثابهٔ شخصیت شکوهمند ادبی تولستوی در جهان محسوب می‌گردد.

او همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد و این همان دغدغه ارزشمندی است که هر نویسنده متعهدی نسبت به جامعه‌اش دارد، که مبادا حرف‌های شایسته را نگفته، مرگ به سراغش آید. اتفاقاً ترس از همین دغدغه پر رمز و راز، او را به بستر بیماری افگند؛ طوری که در آخرین روزهای حیات خود به اتفاق طبیب خانواده‌گی و دختر کوچکش، همسر خود را ترک کرده به سوی جنوب روسیه مسافت نمود. این آخرین سفر تولستوی بود که (به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی) در ایستگاه راه آهن « آستاپوفو » به پایان رسید و او را در زادگاهش به خاک سپرندند.

تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترامش سکهٔ طلایی را به نام او ضرب زده‌اند.

**آثار تولستوی:** از تولستوی آثار بسیاری بر جا مانده است که همه آن به زبان‌های مختلف در جهان منتشر شده و تعدادی از آن فلم ساخته شده است. مهمترین آثار او از این قرار است:

۱. جنگ و صلح
۲. آناکارنینا
۳. رستاخیز
۴. اعتراف
۵. بهترین داستان‌های کودکان و نوجوانان
۶. شیطان
۷. هنر چیست؟
۸. خداوند حقیقت را می‌بیند؛ اما صبر می‌کند
۹. محکوم
۱۰. پول و شیطان



- \* **ایوان تورگنیف:** ایوان سرگیویچ تورگنیف (۹ نوامبر ۱۸۱۸ – ۳ سپتامبر ۱۸۸۳) رُمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس روس بود که نخستین بار توسط او کشورهای غربی با ادبیات روسی، آشنا شدند. آثار او تصویری واقعگرایانه و پر عطوفتی است از دهقانان روس و بررسی تیزبینانه‌یی از طبقهٔ روش‌نفر جامعهٔ روسیه که می‌خواستند کشور را به سمت ترقی سوق دهند.
- \* **فریدریش فروبل:** دانشمند پیداگوژی سویسی که در قرن نزدهم می‌زیست. او از جملهٔ بنیان‌گذاران آموزش کودک محوری بود که باعچهٔ کودکان را برای بازی و شادی آن‌ها راه انداخت. باعچهٔ کودکان جایی است که کودکان با مهربانی و دوستی، بازی و شادی، پرورش می‌یابند.
- \* **ژان ژاک روسو:** ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ – ۱۷۷۸) متفکر سویسی، در قرن هزارهٔ هفدهم و اوج دورهٔ روشنگری اروپا می‌زیست. اندیشه‌های او در زمینه‌های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سال‌ها در پاریس به سربرد، به عنوان یکی از راه‌گشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.
- \* **پوشکین:** الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر و نویسندهٔ روسی سبک رومانتیزم است. او در ۶ جون ۱۷۹۹ میلادی در شهر مسکو چشم به جهان گشود و در ۱۰ فبروری ۱۸۳۷ میلادی در «سن پترزبورگ» درگذشت. او بنیان‌گذار ادبیات روسی مدرن به حساب می‌آید و برخی او را بزرگترین شاعر زبان روسی می‌دانند.
- \* **لومونوف:** میخاییل لومونوف دانشمند روسی در سال ۱۷۱۱ میلادی در یک خانوادهٔ ماهیگیر به دنیا آمد و در سال ۱۷۳۵ درگذشت. او در اکادمی علوم پترزبورگ روسیه و دانشگاه ماربورگ آلمان درس خواند. او مؤسس دانشگاه مسکو است که تا امروز به نام او یاد می‌شود.

### بخوانیم و بدانیم

۱. لیون تولستوی نویسندهٔ چیره‌دست روسی در نهم سپتامبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانوادهٔ متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد.
۲. او دست به یک رشتهٔ اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکاتب ابتدایی در روستاهای پرداخت.
۳. او در نامهٔ خویش نوشته بود: ای خدای بزرگ!... من تعليم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم، نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟

۴. تولستوی به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی در «آستاپوفو» درگذشت و جسد وی را در زادگاهش به خاک سپرندند.

۵. تولستوی به حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکه طلایی را به نامش ضرب زده اند.

## آینین نامه‌نگاری

### ۰ زنده‌گی نامه

وقتی در یک مؤسسه دولتی یا غیردولتی درخواست استخدام بدهیم، آن مؤسسه از ما چیزی به نام زنده‌گی نامه (CV) می‌خواهد که نوشتن آن نیز تابع قواعدی است به شرح زیر: زنده‌گی نامه‌ها عموماً دارای چهاربخش عمده است: ۱. نام، آدرس تماس ۲. شرح تحصیلات ۳. وظایف قبلی ۴. توانایی‌ها.

بخش نخست شامل این نکات می‌باشد:

قسمت‌های این بخش به شکل عمودی نوشته می‌شود:

۱. نام و نام خانواده‌گی (در قسمت وسط صفحه با خط بزرگ) اندازه خط: ۱۸ بولد (برجسته)

۲. آدرس مکمل محل سکونت یا آدرس پستی (در قسمت پایینی نام، باخط کوچکتر) اندازه خط: ۱۶

۳. آدرس تماس: شماره تیلفون منزل / موبایل / ایمیل (در قسمت پایینی آدرس) اندازه خط: ۱۶

بخش دوم (شرح تحصیلات) این نکات را در بر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴  
به شکل افقی: درجه تحصیل / رشته تحصیلی / نام مؤسسه تحصیلی / آدرس کامل آن (با شهر، کشور) / سال فراغت

توجه: درجه تحصیل (از آخرین سند فراغت تحصیلی به طرف نخستین سند فراغت: دکتورا، ماستری، لیسانس، بکلوریا، دوره متوسطه، دوره ابتدایی؛ یعنی در شماره نخست، آخرین شهادتنامه، در شماره دوم، سندفراغت قبل از آن و به همین ترتیب تا دوره ابتدایی.)

بخش سوم (وظایف قبلی) شامل این نکات می‌شود: اندازه خط: ۱۴  
به شکل افقی: نام وظیفه / مکلفیت‌ها / نام مؤسسه / آدرس مؤسسه (با شهر، کشور) / از تاریخ / / تا تاریخ / /

بخش چهارم (توانایی‌ها) این نکات را در بر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴

به شکل افقی: تجربه و تخصص در رشته کاری / توانایی درخواندن و نوشتן (چند زبان) / توانایی دربخش منجمت و اداره / توانایی استفاده از کمپیوتر و اینترنت / و امثال این‌ها.

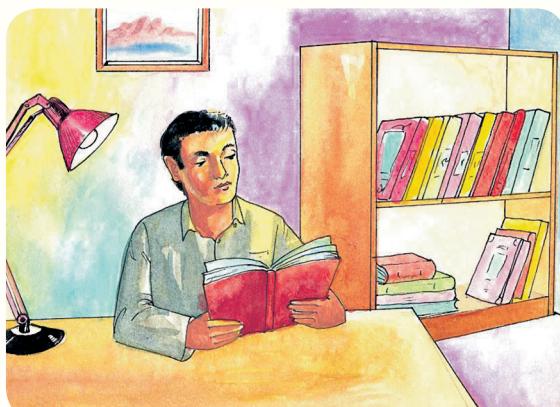
- \* یادداشت: ۱- تعداد مجموعی صفحه‌های زنده‌گی نامه، نباید از دو صفحه تجاوز کند.
- ۲- در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، از جمله چهار بخش، سه بخش آن به شکل معکوس نوشته می‌شوند؛ یعنی بخش اولی به جای خود باقی می‌ماند و سه بخش دیگر باید بدین ترتیب نوشته شود: (توانایی‌ها / وظایف قبلی / تحصیلات)

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کارنامه‌های تولستوی و یکی از نویسنده‌گان افغان را مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد: دولت، سازمان‌های اجتماعی و مردم چه نوع برنامه‌هایی را روی دست بگیرند؛ تا ما نیز در آینده نویسنده‌گانی مانند تولستوی داشته باشیم.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. در موضوع این تصویر، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. چرا نام تولستوی به عنوان نویسنده چیره دست روسیه به ثبت رسید؟
۲. در مورد الکساندر پوشکین چه می‌دانید؟
۳. پنج اثر تولستوی را نام ببرید.
۴. چرا تولستوی همواره دچار وسوسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد؟
۵. تولستوی چگونه وفات یافت و چه آثاری از خویش به جای گذاشت؟

### کار خانه‌گی



۱. یک نمونه از خلاصه زنده‌گی نامه خودتان را به صورت فرضی و مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید.  
غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن  
ماهیان را هرچه باشد غیر دریاء آتش است  
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. چرس چیست؟

۲. چرا چرس از جمله مواد مخدر به شمار می‌رود؟

۳. چرس چه زیان‌هایی دارد؟

۴. چگونه در برابر چرس مبارزه کنیم؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

## چرس و اضرار آن

چرس، ترکیب سبز قهوه‌یی و خاکستری مشتق از برگ، دانه، ریشه و گل گیاه شاهدانه یا بنگدانه است، که به نام‌های چرس، حشیش، ماری جوانا و بنگ معروف بوده و رایج‌ترین ماده مخدر غیر قانونی مورد استعمال در اکثر کشورهای جهان است. بشر با این ماده نشه‌آور از قرون متمامی آشنایی داشته است. منشای اصلی این ماده را چین یا آشور دانسته اند.

همه اجزای این گیاه خاصیت نشه‌آور داشته و در میان آن‌ها ماده کیمیاولی «تترا هایدرو کانابینول»، که ترکیبی از گیاه شاهدانه است، قدرت نشه‌آوری بیشتری دارد. به قول دانشمندان، مصرف چرس سبب گرایش به سوی مواد مخدر خطربناک دیگری؛ چون: تریاک، هروپین و کوکائین می‌گردد و اغلب کسانی که معتاد به مورفین، هیروپین و کوکائین می‌باشد، افرادی اند که نشه را از چرس آغاز نموده بالأخره به یک معتاد حرفوی به مواد مخدر مبدل شده اند.

تأثیرات سوء این ماده، بسته‌گی به نوع و قدرت ماده استعمال شده و مقدار مواد مصرف شده دارد. زمانی که چرس به شکل تدخین (دودکردن) به مصرف برسد، تأثیرات بد آن، که همانا افزایش ضربان قلب، سرخ شدن چشم‌ها، عدم تعادل حرکتی و اختلالات روانی می‌باشد، فوراً ظاهر می‌شود و تا مدت ۴-۳ ساعت باقی می‌ماند؛ اما اگر به صورت خوراکی مصرف شود، تأثیرات آن ممکن است تا ۲۴ ساعت ادامه یابد.

هرگاه یک شخص معتاد به چرس، به صورت ناگهانی چرس را ترک کند، هشت ساعت پس از آخرین مصرف چرس، حالت بیقراری و اضطراب، بیخوابی و بی‌اشتهاای، تعریق و لرزش، اسهال، دل بدی و استفراغ، افزایش درجه حرارت و دردهای عضلاتی در بدن وی ایجاد شده و تا سه روز باقی می‌ماند. این امر دلیل بر آن است که چرس یک ماده اعتیاد‌آور

بوده و شخص معتاد نمی‌تواند آن را بدون تحمل درد و رنج، به آسانی ترک کند. اگر از نظر فرهنگی به قضیه نگاه کنیم، افراد چرسی در فرهنگ ما به حیث انسان‌های ذلیل شناخته شده اند. هیچ‌کس میل ندارد تا با این افراد دوستی و رفت و آمد نماید؛ حتی نزدیکترین اقارب و دوستان از دوستی و خویشاوندی با آن‌ها ننگ دارند؛ همچنان چرسی بودن در فرهنگ جامعه‌ما معادل ترس و بزدی، دیوانه‌گی، اعصاب خرابی، بی اراده‌گی، عدم انتکا به نفس، تزلزل و بی‌ثبتاتی، دروغگویی و هرزه‌گی شناخته شده است؛ پس با توجه به معایب و نقایصی که در باره چرس برشمردیم، برما لازم است تا به حیث افراد مسؤول، جامعه خود را از لوث این ماده مهلك برحدار داریم و آنانی را که به این مصیبت آلود شده اند، با توصیه‌های طبی و شرعی از اضرار و عواقب شوم آن آگاه ساخته و راههای بیرون رفت ازین معضله را جستجو و به آن‌ها کمک و رهنمایی نماییم، تا از شر این هیولا نجات یابند. علاوه بر آن افرادی را که به نحوی درکشت، زراعت، خربید و فروش چرس و گیاهی که از آن چرس استحصال می‌شود، مشغول اند از اضرار جسمی و زیان‌های فردی و اجتماعی این ماده مهلك آگاه سازیم و آن‌ها را در کسب معاش از راههای حلال و مشروع تشویق نماییم.

## توضیحات

استعمال چرس تأثیرات سوء بی‌شماری دارد که بعضی برجسم و برخی بر روان شخص معتاد اثر می‌گذارد. از جمله می‌توان این‌ها را نام برد: ۱. التهاب و انسداد مزمن مجراهای تنفسی ۲. عفونت‌های ریوی و سرطان شش<sup>۳</sup>. کاهش وزن بدن در جنین<sup>۴</sup>. تشنج، اختلالات روانی و عصبی<sup>۵</sup>. گشاده‌گی مردمک چشم<sup>۶</sup> بدخوبی، تند مزاجی و عصبانیت<sup>۷</sup>. برانشیت مزمن<sup>۸</sup>. اضطراب، افسرده‌گی و هیجان<sup>۹</sup>. پرحرفی و خنده‌های بی دلیل یا خاموشی و عزلت<sup>۱۰</sup>. ضعف سیستم دفاعی بدن<sup>۱۱</sup>. ضعف جهاز هضمی<sup>۱۲</sup>. ضعف تمرکز فکری و عدم علاقه به کار و درس.

## بخوانیم و بدانیم

۱. چرس، ترکیب سبز قهوه‌یی و خاکستری مشتق گیاه شاهدانه است، که به نام‌های چرس، حشیش، ماری جوانا و بنگ شناخته می‌شود.
۲. چرس برخلاف عقیده رایج مردم، یک ماده به شدت اعتیاد آور بوده و سبب وابسته‌گی

روانی جدی در شخص مصرف کننده می‌گردد.

۳. استعمال چرس سبب گرایش به مواد مخدر دیگری؛ چون: تریاک، هروئین و کوکائین می‌گردد.

## آیین نامه‌نگاری

### نمونه زندگی نامه (CV)

نام «نام خانواده‌گی»

آدرس: ..... تیلفون: ..... ایمیل آدرس: ..... تحصیلات:

شماره	درجه تحصیل	رشته تحصیل	مؤسسه تحصیلی	سال فراغت
۱	دکترا	ژورنالیزم	پوهنتون تهران	۱۳۸۰
۲	ماستری	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۶
۳	لیسانس	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۳
۴	بكالوریا		لیسه نادریه	۱۳۷۰
۵	متوسطه		لیسه نادریه	۱۳۶۷
۶	ابتدایی		لیسه نادریه	۱۳۶۰

### اشتراع در ورکشاپ‌ها، سمینارها و کورس‌های آموزشی

شماره	نام کورس	شهادتname	برگزار کننده	مدت
۱	زبان انگلیسی	Certificate		
۲	کمپیوتر	Certificate		

### وظایف قبلی

شماره	نام وظیفه	مکلفیتها	نام مؤسسه	از تاریخ	تا تاریخ
۱	استاد	تدریس	لیسه استقلال	۷۶/۳/۲	۸۱/۶/۵
۲	مدیر	منجمنت	معارف شهر	۸۱/۷/۶	۸۹/۱/۱۲

### آشنایی با زبان‌ها:

شماره	زبان	خواندن	نوشتن	مکالمه
۱	دری	عالی	عالی	عالی

عالی	عالی	عالی	پشتو	۲
خوب	متوسط	خوب	عربی	۳
متوسط	متوسط	متوسط	انگلیسی	۴



### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «طرق مبارزه با چرس» با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک تن شان به دیگران بیان کند.
۲. یک تن از شاگردان نمونه کامل یک CV را روی تخته صفحه، رسم نموده و قسمت‌های مختلف آن را برای دیگران شرح دهد.

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «اضرار چرس» ارتباط داده، در مورد آن یک درخواست به حوزه امنیتی پولیس بنویسید.

### خود آزمایی



۱. استفاده از چرس چه نوع زیان‌هایی را بار می‌آورد؟
۲. اضرار جسمی و روحی چرس را بیان کنید.
۳. چرسی بودن در فرهنگ ما معادل چیست؟
۴. چگونه می‌توانیم بر ضد چرس مبارزه کنیم؟

### کار خانه‌گی



۱. در باره اضرار چرس حداقل ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
 

رزق از حق جو، مجو از زید و عمر  
مستی از حق جو، مجو از زید و خمر

«علامه اقبال»
۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس  
بیست  
وچهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. چرا مانیاز به فرهنگ زبان داریم؟
۲. مشهورترین فرهنگ‌های زبان کدام‌هاست؟
۳. چگونه می‌توان یک واژه را در فرهنگ زبان جستجو کرد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## واژه‌یابی در فرهنگ‌های زبان

وقتی کتاب، مجله، روزنامه و یا نوشته‌یی را مطالعه می‌کنیم، گاهی اتفاق می‌افتد که معنای یک یا چند (لغت) را نمی‌دانیم. ندانستن معنای یک یا چند واژه، گاهی یک جمله را بی‌مفهوم می‌سازد و گاهی سبب می‌شود که ما از درک معنای یک پاراگراف کامل عاجز بمانیم؛ در نتیجه موضوع به صورت ناقص وارد ذهن ما گردیده و حافظه ما نمی‌تواند آن را در خویش بگنجاند و نگهداری کند.

روش‌های مطالعه علمی ایجاب می‌کند که وقتی چیزی را می‌خوانیم، کوشش کنیم معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم. اگر چنین روشی را برگزینیم، درس‌های مکتب را به سهولت فرا می‌گیریم و آنچه را که یاد گرفته‌ایم، به زودی فراموش نخواهیم کرد، برای این‌که بتوانیم به این هدف نایل آییم، ناچاریم که در گام نخست یک قاموس واژه‌ها یا فرهنگ زبان را که پذیرفته شده و معتبر باشد با خویش داشته باشیم، تا در صورت برخورد با واژه‌هایی که معنای آن‌ها را نمی‌دانیم، از آن کمک بگیریم.

خوبی‌خانه برای زبان ما از گذشته‌های دور تا امروز، صدها واژه نامه و فرهنگ لغت‌ها نوشته اند و تقریباً هشتاد درصد آن را در هندوستان تألیف کرده اند؛ زیرا که زبان فارسی دری بیش از هفت‌صد سال در هند زبان رسمی دربارهای مختلف و یگانه زبان مشترک در میان طوایف گوناگون آن سرزمین بوده که زبان همدیگر را نمی‌دانسته اند. ناچار مردمی که زبان فارسی دری زبان مادری ایشان نبوده، نیازمند به کتاب‌هایی بوده اند که بتوانند در

هنگام جستجوی معانی واژه‌ها ایشان را یاری رساند.

در کشورهای هم‌بان افغانستان، ایران و تاجیکستان نیز فرهنگ‌های متعددی در این زمینه نوشته شده است، که بسیاری از مردم با سواد در جامعه ما یکی از این کتاب‌ها را به صورت حتمی در خانه خویش دارند. مشهورترین فرهنگ‌های زبان فارسی دری را می‌توان به شرح زیر ترتیب کرد:

لغتنامه دهخدا، برهان قاطع، فرهنگ معین، فرهنگ تحفة الاحباب، فرهنگ آندراج، فرهنگ عمید، لغتنامه اسدی، صحاح الفرس، معیار جمالی، فرهنگ جهانگیری، مجمع الفرس، غیاث‌اللغات، فرهنگ انجمان‌آرا، فرهنگ نظام، فرهنگ سخن، فرهنگ معاصر فارسی، فرهنگ نوبهار، فرهنگ شیرخانی یا فواید الصنایع، فرهنگ نفیسی و...

شیوه لغت‌یابی در همه فرهنگ‌های زبان فارسی دری کمابیش یکسان است؛ بدین معنا که در بسیاری از فرهنگ‌ها، واژه‌ها به اساس حروف الفبا ترتیب شده و هر کسی که الفبای این زبان را به ترتیب در حافظه داشته باشد، در یافتن واژه‌های مورد نظر دچار مشکل نمی‌شود. برای دریافت معنای یک واژه، طرز تلفظ و اصالت آن، همیشه از روش زیر استفاده می‌کنیم: مثلاً ما می‌خواهیم معنای واژه «درج» را در فرهنگ زبان بیابیم. می‌بینیم که این کلمه با حرف «د» آغاز یافته است. پس فرهنگ زبان را برداشته و ردیف «د» را باز می‌کنیم. دیده می‌شود در نخست کلمه‌های که حرف اول آن‌ها «د» و حرف دومی شان «الف» است؛ مانند: دافع، دانه، دایر و... به نظر می‌رسند. پس از آن کلمه‌هایی را که حرف اول آن‌ها «د» و حرف دومی شان «ب» است؛ مانند: دباغ، دبوس، دبیر و... پس از آن کلمه‌هایی که حرف دومی شان «پ» و «ت» و «ث» و «ج» است، به ترتیب بیان شده اند؛ تا آن که به ردیف «د-ر» می‌رسیم. وقتی بدینجا رسیدیم، حرف سومی کلمه را معیار قرار داده به پیش می‌رویم، تا جایی که حرف «ج» نظر ما را جلب کند. در این مرحله با کلمه‌یی؛ نظیر: دُربه‌رو خواهیم شد، باز هم تا جایی به پیش می‌رویم که حرف سومی کلمه «ج» باشد و آن وقت به کلمه «درج» می‌رسیم. وقتی این کلمه را یافته‌یم، دیده می‌شود که در مقابل آن، چند حرف به عنوان علامه و نشانه و رمز گذاشته شده است؛ مانند: {ا}، {فر} و {دُ-تِ} و

پس از آن به توضیح معنا یا معناهای گوناگون کلمه پرداخته شده است. ناگفته نباید گذاشت که هر یک از این علامه‌ها و نشانه‌های اختصاری، یکی از خصوصیات همین کلمه را بیان می‌کند؛ مثلاً نشانه {ا} ویژه‌گی دستوری آن را بیان می‌دارد، که این کلمه «اسم» است. نشانه {ع} بیان کننده این است که این کلمه عربی است و {د} نشان دهنده آن است، که حرف نخستین این کلمه را باید مضموم تلفظ کنیم و بالاخره {ج} بیان کننده آن است که این حرف باید ساکن تلفظ شود. بدین ترتیب ما می‌توانیم هم معنا یا معناهای مختلف لغت را به دست آوریم و هم ویژه‌گی‌های دیگر متعلق به آن را مورد بررسی قرار دهیم.

قابل یاد آوری است که بسیاری از فرهنگ‌های معاصر، دارای یک سلسله رمزها، نشانه‌ها و علامت‌ها اند، که لازم است جوینده یک واژه پیش از یافتن معنای واژه، باید آن رمزها و نشانه‌ها را بداند؛ تا در دانستن صفت‌های کلی واژه کمک رساند.

در زیر نمونه‌هایی از رمزها، علامت‌ها و نشانه‌های اختصاری در فرهنگ‌های زبانی معاصر را با توضیح مفاهیم آن‌ها می‌آوریم؛ تا هنگام جستجوی معانی واژه‌ها، ما را مدد رساند.

نشانه	معنا	نشانه	معنا	نشانه	معنا
.ا.	اسم	.ا. فا	اسم فاعل	.ا. مر.	اسم مرکب
.ص.	صفت	.ص. فا	صفت فاعلی	.ق.	قيد
.صب	مصدر	.صب لا	مصدر لازمی	.صب م.	مصدر متعددی
.پهـ	پهلوی	.فا.	فارسی	.مع	عرب
.انگل	انگلیسی	.فر.	فرانسوی	.ع.	عربی
.هنـ	هندی	.یو.	یونانی	.روـ	روسی
.عبـ	عبری	.مـ	میلادی	.قـ. مـ	قبل از میلاد
.جـ	جغرافیه	.قاـ	قانون	.فلـ	فلک
.نجـ	نجوم	.نـگـاـ	نگاه کنید به...	.عاـ	عامیانه



تعدادی از نویسنده‌گان ما بر روی فرهنگ‌های تخصصی کارهایی انجام داده اند که آرزومندیم در آینده فرهنگ‌های متعدد و کار آمدتری داشته باشیم، تا نسل جدید بتوانند، حتی اصطلاحات اختصاصی برخی علوم را از آن‌ها بیابند.

### بخوانیم و بدانیم

۱. روش‌های مطالعه علمی ایجاب می‌کند که وقتی چیزی را می‌خوانیم، کوشش کنیم معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم.
۲. مشهورترین قاموس واژه‌ها یا فرهنگ‌های زبان: لغتنامه دهخدا، برهان قاطع، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، غیاث اللغات، فرهنگ سخن، فرهنگ معاصر فارسی، فرهنگ نوبهار و فرهنگ نفیسی نام دارند.
۳. در بسیاری از فرهنگ‌ها، واژه‌ها به اساس حرف‌های الفبا ترتیب شده و هر کسی که الفبای این زبان را به ترتیب در حافظه داشته باشد، در یافتن لغت مورد نظر دچار مشکل نمی‌شود.
۴. بسیاری از فرهنگ‌های معاصر، دارای یک سلسله رمزها، نشانه‌ها و علامت‌ها اند، که یکی از خصوصیات واژه را بیان می‌کنند. برای جوینده واژه لازم است پیش از یافتن معنای واژه، آن رمزها و نشانه‌ها را بداند؛ تا در دانستن صفت‌های کلی واژه او را کمک رساند.

### آیین نامه‌نگاری

#### • دعوت‌نامه

- نامه‌یی است که از طرف اشخاص، خطاب به شخص یا اشخاصی به منظور شرکت و حضور در نشستی خاص تنظیم می‌شود. دعوت‌نامه به صورت کلی دو نوع است:
۱. دعوت‌نامه عمومی: که به صورت اطلاعیه یا آگهی بدون ذکر مخاطب از طریق روزنامه،

- نشریات و رسانه‌های گروهی به اطلاع مخاطبان خاص خود می‌رساند.
۲. دعوتنامهٔ خصوصی: به شخص خاص صادر می‌شود، و این نیز دو نوع است:
- الف – شخصی: که از سوی افراد به یکدیگر نوشته می‌شود.
- ب – اداری: این‌گونه دعوتنامه‌ها به لحاظ جنبه‌های عاطفی و احترامی آن، باید از سوی بالاترین مقام اداری امضا شود، که معمولاً فاقد مهر اداری است.
- دعوتنامه‌ها دارای بخش‌هایی اند که ترتیب این بخش‌ها به صورت زیر است:
۱. عنوان که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.
  ۲. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی مقدماتی)
  ۳. متن نامه
  ۴. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
  ۵. نام و نام خانواده‌گی نویسنده و ذکر مشخصات او
  ۶. امضا (در صورت لزوم)
  ۷. زمان (ساعت، روز، تاریخ)
  ۸. آدرس کامل محل دعوت
  ۹. شمارهٔ تلفون فرستنده (در صورت لزوم)
- بیشتر بخش‌های «آدرس فرستنده و گیرنده» روی پاکت نوشته می‌شود.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم گفتگو کرده معانی واژه‌های: مطول، غیاث و دهخدا را در فرهنگ زبان بیابند؛ سپس یک تن از ایشان در برابر صنف قرار گرفته شیوهٔ واژه‌بایی را به دیگران شرح دهد.
۲. شاگردان در مشوره باهم، دعوتنامه‌بی، جهت رفع نیازمندی‌های مکتب، به رئیس معارف ولایت شان، بنویسند؛ سپس یک تن شان آن را در برابر صنف خوانده و دیگران قسمت‌های مختلف آن را مشخص نمایند.

## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «راه‌های مطالعه» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.

## خود آزمایی



۱. وقتی مطلبی را می‌خوانیم، چرا باید معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم؟
۲. مشهورترین کتاب‌های لغت یا فرهنگ‌های زبان چه نام دارند؟
۳. عیوب و خوبی‌های فرهنگ‌های زبانی قدیم و جدید در چیست؟
۴. در فرهنگ‌های زبان، واژه‌ها به کدام اساس ترتیب شده اند؟ شرح دهید.
۵. رمزها، نشانه‌ها و علامت‌ها در فرهنگ‌های زبان، چه چیزی را برای ما روشن می‌کنند؟
۶. انواع دعوت‌نامه‌ها را نام برد و تعریف کنید.

## کار خانه‌گی



۱. معنای واژه‌های (راکب، رکود، صلابت، صور، تکاپو، چاشنی، چوگان، نامانوس و ناوك) را از واژه نامه اخیر کتاب دریافت نموده در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
دل زمقصد غافل و آنگاه لاف جستجو  
شرم دار از معنی لفظی که در اندیشه نیست  
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. معلول کیست؟
۲. ماین‌ها چگونه تأثیرات روانی بر معلولان خویش می‌گذارند؟
۳. با افراد دارای معلولیت چگونه برخورد کنیم؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## تأثیرات روانی ماین‌ها

انفجار ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده باعث می‌گردد که شخص آسیب‌دیده بعد از حادثه نتواند به صورت عادی برای پیشبرد زندگی روزمره تلاش نماید. شاید در بعضی از حالات مورد قبول اجتماع قرار نگیرد که باعث وارد شدن صدمه روانی به او شده و از اجتماع دورش می‌سازد. در چنین حالتی احساس تنها می‌نموده، انزوا اختیار می‌کند مهارت‌ها و تجارت خود را از دست می‌دهد.

در این‌گونه شرایط، فرد خود را در برابر دیوارهای نوبنیاد قیود جدید اجتماعی در می‌یابد، ارزش‌های قبلی را در حال متلاشی شدن می‌بیند، برخلاف امیال درونی، خویشن را در موقعیت‌های پایین‌تری احساس می‌کند، پاداشی را که در مقام قبلی از جامعه انتظار داشت، به دست نمی‌آورد؛ اینجاست که او احساس می‌کند، بر در صندوقچه داشته‌های گذشته خود قفلی بزرگ زند و آن‌ها را به دست فراموشی سپرده، برای پذیرش ارزش‌های جدید آماده‌گی بگیرد و یا آن که ارزش‌های قدیم و جدید را باهم تلفیق دهد.

اگر او صرف به پذیرش معیارهای جدید اقدام کند، در صورت نداشتن بهره کافی از دانش مورد نیاز با استفاده از خاطرات گذشته به بیراهه سوق می‌یابد، که خود مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت؛ اما اگر بخواهد تلفیقی میان هر دو نوع آن به وجود آورد، برخی از نکات متضاد معیارهای قدیم و جدید به هیچ صورت باهم در نمی‌آمیزند، که انگیزه‌های قوی داشته‌های گذشته و ضرورت پذیرش معیارهای جدید، شدیداً در مقابل هم قرار گرفته و فرد را دچار توهمندی و سردرگمی می‌سازد.

هرگاه، این حالت ادامه یافت و فرد در یافتن راه حلی مطابق به میل عاجز ماند، کار

به نامیدی می‌کشد و دنباله آن به افسرده‌گی و دهها گونه عوارض جسمی و روانی دیگر می‌انجامد.

پس برای این که افراد معلول در جامعه ما به چین حالتی دچار نگردند، وظیفه اسلامی و انسانی ماست که با پیش گرفتن شیوه‌های خاص، نگذاریم در وجود شان نامیدی رخنه کرده و احساس کمی کنند.

چگونه با افراد دارای معلولیت برخورد کنیم؟

• اصول ابتدایی شیوه‌های رفتار

۱. از پرسش‌های شخصی در مورد معلولیت فرد اجتناب کنید. اگر ضرورتی وجود دارد، محتاطانه و محترمانه سؤال مورد نظر را طرح نمایید. در صورتی که فرد تمایلی به پاسخگویی نداشت، به بحث در این ارتباط ادامه ندهید.

۲. توجه نمایید که فرد دارای معلولیت ممکن است برای انجام کار یا بیان مسئله‌یی، نیاز به زمان بیشتری نسبت به افراد غیر معلول داشته باشد.

۳. پیشنهاد کمک خود را مؤدبانه و صبورانه طرح نموده و تازمان پذیرش آن صبر کنید. در مورد نحوه کمک حتماً به توضیحات فرد گوش داده و در صورت ضرورت از او سؤال کنید.

۴. هنگامی که در صدد برگزاری یک جلسه، ملاقات و... استید، امکاناتی را که فرد دارای معلولیت نیاز دارد، فراهم کنید و چنانچه در این زمینه مانع وجود دارد که قابل رفع نیست پیش از آمدن فرد، به او اطلاع دهید.

• ملاقات و صحبت با افراد معلول

۱. با همراهان شخص معلول سخن نگویید؛ بلکه مستقیماً با خود او حرف بزنید.

۲. در مورد معلولیت فرد تازمانی که خودش نمی‌خواهد یا به بحث مرتبط نیست، صحبت نکنید.

۳. با افراد معلول بزرگ‌سال، مانند دیگر بزرگ‌سالان برخورد کنید و با لحن مطابق به سن و سال شان با آن‌ها سخن بگویید.

۴. هنگامی که فرد آهسته یا با مشقت بسیار صحبت می‌کند، صبر و توجه کامل داشته باشید.

۵. هرگز تظاهر نکنید آنچه را فرد می‌گوید درک کرده اید؛ بلکه از او بخواهید آن را تکرار کند.

۶. اگر در ارتباط با فرد، مرتكب اشتباهی شدید آرامش خود را حفظ کرده و عذرخواهی نمایید.

## بخوانیم و بدانیم

۱. انفجار ماین‌ها باعث می‌گردد که شخص آسیب دیده بعد از حادثه نتواند به صورت عادی برای پیشبرد زندگی روزمره تلاش نماید.
۲. در این گونه شرایط، فرد خود را در برابر دیوارهای نوبنیاد قیود جدید اجتماعی در می‌یابد.
۳. هرگاه این حالت ادامه یافته و فرد دریافتمن راه حلی مطابق به میل عاجز ماند، کار به نامیدی می‌کشد و دنباله آن به افسردگی و دهها عارضه جسمی و روانی دیگر می‌انجامد.
۴. برای این که افراد معلول به چنین حالاتی دچار نگردند، وظيفة اسلامی و انسانی ما است که نگذاریم در وجود شان نامیدی رخنه کرده و احساس کمی کنند.

## آیین نامه‌نگاری

### ۰ درخواست نویسی

درخواست، به نامه‌بی گفته می‌شود، که در آن تقاضای اجرای کاری و یا امری از کسی شود. قدیمترین نمونه‌های موجود درخواست، متعلق به زمان عباسیان است. در میان خراسانیان عادت چنان بوده که وقتی مطلبی و یا شکایتی را به امرا و ملوک تقدیم می‌نمودند، آن را به شکل کتبی به مقام و دربار می‌سپردند، که ما امروز آن را به نام عرضه و درخواست می‌شناسیم. معمولاً درخواست‌ها از طرف افراد و یا مقامات پایین‌رتبه به مقامات بالارتبه با محتوای احترام‌آمیز نوشته می‌شود. بر اساس آنچه در دفاتر رسمی و غیر رسمی، رایج و متداول بوده و در عرف نیز تقریباً ثابت و پذیرفته شده است، درخواست باید دارای شکل و اوصاف زیر باشد:

۱. نام و مشخصات کامل درخواست دهنده (کنار بالایی، سمت راست صفحه)
۲. تاریخ (روز، ماه، سال)
۳. عنوان (خطاب به گیرنده درخواست. دو تا سه سانتی متر پایین تر از تاریخ)
۴. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)
۵. متن درخواست
۶. پایان درخواست (عبارت یا جمله احترامی پایانی)
۷. نام مکمل درخواست دهنده (کنار چپ صفحه)
۸. امضای درخواست دهنده در زیر نام (حتمی است)
۹. گذاشتن پنج سانتی متر فاصله سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه و یادداشت.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد «وظایف جامعه در برابر معلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. شاگردان یک نامه درخواستی بنویسند.



## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد خطرهای ماین متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱. انفجار ماین‌ها و مهمات منفجرنشده بر قربانیان خویش چه تأثیرات روانی بر جای می‌گذارند؟
۲. اگر احساس ناامیدی در معلولان ادامه یافت، چه تأثیراتی را به بار می‌آورد؟
۳. وظيفة اشخاص سالم دربرابر معلولان چیست؟
۴. مهمترین نکات در نوشتن درخواست کدام‌هاست؟
۵. درخواست را تعریف کنید.



۱. درمورد «ضرورت سوادآموزی برای معلولان» متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
آبله در پا اگر بشکست صحرا آتش است  
بی‌ادب از سوز اشک عاجزان نتوان گذشت  
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## بیست و ششم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. مولانا خسته که بود؟
  ۲. تذکره‌نویسی در کدام زمان شکوه و رونق یافت؟
  ۳. نخستین تذکره در کدام زمان و توسط که نوشته شد؟ ۴. تذکره چیست؟
  ۵. چرا تذکره‌نویسی دارای اهمیت است؟
  ۶. از مولانا خسته چند اثر بر جامانده و مهترین آثار او در بخش  
تذکره‌نگاری کدام‌هاست؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### مولانا خسته و تذکره نگاری

تذکرہ در لغت، یادآوری، وسیله تذکر و یادگار را گویند و در اصطلاح، به مجموعه یا کتابی گفته می‌شود، که در آن خلاصه احوال شاعران و نویسنده‌گان گرد آمده باشد. تذکرہ‌نویسی، چه در افغانستان و چه خارج از آن، از چندین قرن پیش رایج شده و همین همت و کوشش تذکرہ‌نگاران بوده که باعث ماندگاری یاد و نام سیاری از صاحبان سخن و اثر اعم از منثور و منظوم شد. اگرچه مشخص و آشکار نیست که تذکرہ‌نویسی از چه زمانی شروع شد و نخستین تذکرہ کدام بود؛ اما با تأملی در آثار گذشته‌گان می‌توان به نمونه‌هایی از این نوع دست یافت و آن مقاله دوم کتاب «چهارمقاله» از نظامی عروضی است که در سال ۵۵۰ هجری قمری تألیف شده است. او زیر عنوان «ماهیت شعر و شاعری» به صورت حکایت، ذکری از بعضی شاعران به میان آورده و نمونه‌هایی از آثار آنان را درج کرده است. آنچه مشهور و معروف است، این است که قدیمترین، جامعترین و معتبرترین تذکرہ شاعران فارسی که در سده هفتم هجری قمری نوشته شده، تذکرہ «لباب الالباب» عوفی است، که ترجمۀ احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مؤلف را در بر دارد.

از آنجایی که فرهنگ، به رغم ماجراهای سیاسی به حیات خود ادامه می‌دهد و غروب و افول آن زمان می‌طلبد، حرکت فرهنگی در زمینه تذکرہ‌نویسی درسده‌های ۱۳ و ۱۴ قمری شکوه و رونق یافت و تذکره‌هایی در قلمرو فرهنگی ما تألف شد که به صورت مختصر می‌توان از آن‌ها چنین نام برد: «مشاهیر افغانستان» تأليف سیدمحی الدین هاشمی، «پردهنشینان سخنگوی (تذکرۀ زنان شاعر)» تأليف خانم ماگه رحمانی، «سیماها و آواها» اثر نعمت حسینی، «رجال معاصر» تأليف مولانا غلام حضرت فرخاری، «پرطاووس» تأليف مولانا محمد حنیف بلخی، و....

و اما یکی از برجسته‌ترین آثار در این زمینه، تذکرۀ «معاصرین سخنور» اثر مولانا

خال محمد خسته است. این اثر تذکرۀ شاعران معاصر است که معرفی ۱۷۹ تن از شعرای کشور، از عهد امیر عبدالرحمن خان تا سال ۱۳۳۹ هـ.ش. را در بر می‌گیرد.

مولانا خسته پژوهشگر، شاعر، نویسنده، خطاط، تذکرهنگار، ژورنالیست، محدث، حافظ قرآن و سیاستمدار و مبارز مشروطیت و حکومت قانون، پژوهنده‌بی است که با تصحیح و تدقیق کلیات چهارجلدی ابوالمعانی بیدل، کار بزرگ و استثنایی را در حوزهٔ تمدنی ما به نام افغانستان رقم زد. مبارزی که در دورهٔ هفتم شوراء، از مشروطه و حاکمیت قانون سخن گفت و به آن جرم تا هنگام مرگ، ممنوع الخروج بود و محکوم به زیستن در کابل.



مولانا خال محمد خسته در سال ۱۲۸۱ هـ.ش. در دهکده «دبهاز» ختلان تاجکستان زاده شد. پدرش (ملا رستم پنجشیری) از جمله منشیان سردار محمد اسحاق خان بود؛ هنگامی که او علیه امیر عبدالرحمن خان قیام کرد و شکست خورد، ارکان حکومتش، از جمله پدر مولانا خسته به مأواه النهر فرار نموده و در ختلان رحل اقامت افگانند. او با دختری از همان ناحیه ازدواج کرد که مولانا خسته نتیجه همان وصلت است.

پدر خسته از ختلان به بخارا رفت و همانجا بود که «خسته» آموزش‌های ابتدایی را گرفت؛ سپس ملا رستم با خانواده خود به بلخ بازگشت و در آنجا مسکن گزین شد. در این زمان، خال محمد که نوجوان بود، برای معيشت زندگی، دست به کار شد. نخست در ناحیه «سیاهگرد» مزارش ریف به دهقانی پرداخت و سپس از آن در منطقه «بوینه قره» امام مسجد شد؛ سپس به منظور اكمال تحصیلات خویش، درسن بیست و یک ساله‌گی به هندوستان رفت و ۱۵ سال در آن دیار ماند، مشق شاعری خود را در آنجا پخته و استوار ساخت و در اکثر مشاعره‌ها در هندوستان سهم موقانه گرفت. بالآخره در سال ۱۳۱۷ هـ.ش. به کشور برگشت و در مدرسه اسدیه، شش سال به وظیفه تدریس اشتغال داشت. وکیل مردم مزارش ریف شد، کتاب‌فروشی کرد و بالاخره در اوج فقر و فاقه پدرود حیات گفت.

پوهان عبدالحی حبیبی در مورد مولانا خسته چنین می‌نویسد: «رفتم خانهٔ خرابهٔ خسته را در منطقه «شاه شهید» پیدا کردم؛ چون درآمدم، مرا به اتاقی مخرب، که فرشی نداشت، بردند. دیدم مولانا خسته در حالی که کسی را نمی‌شناسد، در حالت اغماب بر بستر فرسوده‌بی، که فقط با قد او برابری می‌کند، افتاده و باقی صحن خانه خاک است و فرشی و گلیمی ندارد. بعد از سه روز شنیدم که وفات کرد و چندتن از همسه‌هایان مزاری او را دفن کردند. نه خبری از وفاتش داده شد، نه کسی بر او اشک ریخت و نه مرثیه و تاریخ وفات داشت.»

در فرجام، مولانا خسته پس از یک عمر خسته‌گی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، به روز شنبه ۲۶ سپتامبر ۱۳۵۲ هـش. داعی اجل را لبیک گفت و از بساط هستی پاکشید. مولانا خسته یکی از تذکره‌نگاران بر جستهٔ معاصر کشور ما به شمار می‌آید، که در این زمینه بیشتر از دیگران قلم زده است. او علاوه بر کتاب «معاصرین سخنور»، هشت تذکرةٌ دیگر بر شرح احوال شاعران، موسیقی‌دانان، خطاطان، تذکره‌نگاران و سخنواران دری زبان سرزمین هند نوشته یا خطاطی کرده و یا شرح و تعلیق بر آن‌ها نگاشته است. کتاب‌های یاد شده، عنوان‌های زیر را شامل می‌شوند:

یادی از رفته‌گان، عقد ثریا، از معاصرین سخنور، تذکرةٌ خطاطان، تذکرةٌ تذکره‌نگاران، نفوذ دانش، معاصرین سخنور (جلد دوم) و فرقهٔ ثالث.

همچنان بیشتر از پانزده عنوان کتاب دیگر از وی به جا مانده، که مهمترین آن‌ها خمستان، نظم‌الحیات، رمز‌الحیات، ضرب‌المثل‌ها، دبیرستان بلخ، موسیقی‌دانان و کارستان بلخ نام دارد.

## توضیحات



\* خمستان: دیوان شعر خسته و نخستین اثر چاپی اوست که در سال ۱۳۱۴ هـش. به کمک جنرال قنسل افغانستان درهندر (استاد صلاح الدین سلحوچی) چاپ شد. مولانا خسته در تذکرةٌ معاصرین سخنور، از کلیات شش جلدی خود و از دو جلد منتخبات خود نیز خبر داده است که متأسفانه امروز در دست نیست. خمستان در ۲۴ ساله‌گی او چاپ شد و بیانی است از اندیشه‌های جوان و جوانی خسته.

## بخوانیم و بدانیم

۱. تذکرهٔ درلغت، یادآوری، وسیلهٔ تذکر و یادگار را گویند و در اصطلاح، به مجموعهٔ یا کتابی گفته می‌شود، که در آن خلاصهٔ احوال شاعران و نویسنده‌گان گرد آمده باشد.
۲. قدیمی‌ترین تذکرةٌ شاعران فارسی، تذکرةٌ «لباب‌الالباب» عوفی است، که ترجمهٔ احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مؤلف را در بر دارد.
۳. یکی از بر جسته‌ترین آثار در زمینهٔ تذکرهٔ نگاری، کتاب «معاصرین سخنور» اثر مولانا خال محمد خسته است، که معرفی ۱۷۹ تن از شعراً کشور، از عهد امیر عبدالرحمان خان تا سال ۱۳۳۹ هـش. را در بر می‌گیرد.
۴. مولانا خسته یکی از تذکره‌نگاران بر جستهٔ معاصر کشور ما به شمار می‌آید، او علاوه

برکتاب «معاصرین سخنور»، هشت تذکرۀ دیگر بر شرح احوال شاعران، موسیقی‌دانان، خطاطان، تذکرۀ نگاران و سخنوران دری زبان سرزمین هند نوشته یا خطاطی کرده و یا شرح و تعلیق بر آن‌ها نگاشته است.

۵. بیشتر از پانزده عنوان کتاب دیگر از مولانا به جا مانده، که مهمترین آن‌ها خستان، نظام‌الحیات، رمز حیات، ضرب‌المثل‌ها، دیرستان بلخ، موسیقی‌دانان و کارستان بلخ نام دارد.

## آیین نامه‌نگاری

### نمونه درخواست

ورقه درخواست..... «.....»

ولد..... «.....»

کارمند سابق وزارت امور خارجه

شماره تماس:.....

(آغاز)

(متن)

محترم وزیر امور خارجه! → (عنوان)

با تقدیم احترام و ادب، خدمت شما به عرض رسانیده می‌شود:

اینجانب که شهرتم در بالا ذکر شده است، از کارمندان سابق این وزارت می‌باشم که سال گذشته نظر به مشکلات خانواده‌گی مجبور به ترک وظیفه شده بودم. اکنون که مشکلات پیشین برطرف گردیده و خود را آماده خدمت می‌بینم، با تقدیم این درخواست تقاضا دارم دوباره در یکی از بخش‌های وزارت محترم امور خارجه تقرر حاصل نمایم.

بناءً از مقام محترم وزارت امور خارجه احترامانه خواهشمندم که دستور تقرر مجددم را به مراجع ذیربیط صادر فرموده ممنون فرمایند.

از همکاری مقام محترم قبلًا اظهار سپاس می‌نمایم ← (پایان )

نام «نام خانواده‌گی»  
امضا

## کار گروهی و سخنرانی

۱. چرا ما دانشمندان و فرهنگیان خویش را در زمان حیات شان گرامی نمی‌داریم؟ و پس از مرگ به قدرشناسی شان می‌پردازیم؛ چگونه می‌شود این فرهنگ را تغییر داد؟ وظایف مردم و دولت در این زمینه چیست؟ شاگردان در این مورد باهم گفتگو کرده، راههای پیشنهادی شان را یک نفر یادداشت کند و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
۲. چند تن از شاگردان در مورد نقش فرهنگیان، استادان و معلمان در پیشرفت و تکامل جامعه سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. تصویر زیر را با موضوع «دشواری‌های پژوهشگران در جامعه ما» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.





۱. تذکره در لغت و در اصطلاح، به چه چیزی گفته می‌شود؟
۲. قدیمی‌ترین تذکرۀ شاعران فارسی، چه نام دارد و توسط که نوشته شده است؟
۳. مولانا خسته در عرصۀ تذکرۀ نگاری چند کتاب نوشته و مهمترین آن‌ها کدام‌هast؟

### کار خانه‌گی



۱. چه کارهایی را روی دست بگیریم؛ تا بتوانیم شخصیت‌های فرهنگی جامعه را در زمان حیات شان قدردانی کنیم؟ در این مورد مننی بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

۲. این ایيات را به حافظه بسپارید:

نم نیک رفتگان ضایع مکن  
تا بماند نام نیکت پایدار

نم نیکو گر بماند زادمی  
به کزو ماند سرای زرنگار

سعدی

۳. متن کامل درس بیست و هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## بیست و هفتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. اسکندر که بود؟

۲. او در کدام زمان می‌زیست؟

۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟

۴. او چه کارهایی را انجام داد؟

۵. چرا اعیان این سرزمین را به مهمانی مادرش فرستاد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

### مردان پاروپامیزاد

چو بست بهر جهانگیری از غرور میان  
به چشم خلق نمودی خدای حربه و تیغ  
ز خاک پاش نمودار خاک پادشاهان  
بران بشد که به دست آرد آریانا را  
نماید از ره افغانستان به هند عبور  
خدنگ چله پکتیسیان جگردوز است  
پی حصول مرام، همچو آسیا پی نان  
ز حال ابتر فرزند دره راس افتید  
یگانه فاتح گیتی گشای، اسکندر  
چه جای این که بیفتی به این چنین روزی  
ستاره تو و یا این که آسمان افتاد؟  
چه فتنه بیست ندانم که چرخ بر پا کرد؟  
که پادشه نتواند دهان مردم بست  
بگوید آن که ازو نیست کمترین خبری  
کجاست راه حقیقت کدام سو رانیم؟  
خيال می‌کنم آنچا مکان دیو و پریست  
کدام دیو خیالیست نام او پکتیس  
سؤال مادر خود را به افسران انداخت  
اسکندر و همه یک ذره خاک پای تو من  
ولی نه این که به خط و کتابت و مضمون  
جواب آنچه ارسطوش هم نفهمیده

شنیده ام که سکندر شهنشۀ یونان  
نبد برسر راهش کسی فزون از میغ  
زنوک حریۀ او می‌چکید خون جهان  
چو کرد زیر وزیر سرزمین دارا را  
گشاید این دژ پولاد را به پنجۀ زور  
خبر نبود که این مملکت عدو سوز است  
خلاصه این که چهل ماه ماند سرگردان  
چو مادرش خبر فتح هند را نشنید  
نوشت نامه که ای نور دیده مادر  
ترا نزاده بُدم جز برای پیروزی  
چرا به هند نرفتی؟ چه درمیان افتاد؟  
چه ساخت دهر که یونان حریف پیدا کرد  
دلم زحرف بد و نیک اهل یونان خست  
یکی زکوه ترا سرنگون کند، دگری  
من و اوسطو و اعیان ملک حیرانیم  
چو فیلسوف نداند که سد راه تو چیست  
برای خاطر قلب حزین من بنویس  
سکندر از سر خبرت به مشورت پرداخت  
نوشت نامه سکندر که ای فدای تو من  
سؤال سخت ترا می‌دهم جواب کنون  
بیین آه چه مشکل جواب پیچیده

روانه شد به حضورت سران افغانی  
 بدان نمط که شهان پرورند مهمان را  
 که با خبر نکنند از شجاعت خویشت  
 بگوی هرچه به فکر ورضا و خواهش تست  
 به هدیه‌های گرامی نوازی ایشان را  
 بدان غرور که شاهین به آشیانه خویش  
 در این زمینه امیدم به خاک یکسان است  
 روانه شد به حضور تو با سران تأم  
 بگسترند از این خاک مفترض میثاق  
 گذشت آنچه زحیرت گذشت برسر او  
 ز باغ و گلشن خود چید هرکسی سمنی  
 فشانده شد به ته فرش خاک حیرتبار  
 نشان فخر و غرور نژاد آریا را  
 فلک به لرزه درامد زصوت ایشان  
 ضرب تیشه تو گویی که بیستون غلتید  
 تو گوکه سقف به هم آمد و ستون افتاد  
 چنان که ذره خاکی وطن‌پرستان را  
 چه دیده‌ها که به راه امید آن کور است

سكندر است نه تنها که زور ما دیده  
 هزار آینه را این غبار پوشیده

استاد عبدالرحمن پژواک

برای یک دوسه هفته ز راه مهمانی  
 به شرط آن که گرامی بداری ایشان را  
 ولی زیاده ز حاجت مخوانشان پیشست  
 بدنه قبول به دربارشان به روز نخست  
 به مجلس دومی چون بخوانی ایشان را  
 که سرفراز بیایند پس به خانه خویش  
 امید من ز جناب جلیله زین سان است  
 که یک خربیله پُر از خاک آریانا هم  
 که قبل مجلس ثانی به زیر فرش اتاق  
 گرفت نامه فرزند را چو مادر او  
 به مجلس اولی شد زهر دهن سخنی  
 به مجلس دومی چون رسید نوبت کار  
 چو خواستند خوانین آریانا را  
 به درب قصر به هم خورد حالت ایشان  
 درین میانه دوسه تن میان خون غلتید  
 تو گوکه کنگره چرخ نیلگون افتاد  
 هزار خُم نکند مست می‌پرستان را  
 چه شورها که در این مشت خاک پرشور است

## توضیحات



\* پژواک: شاعر، نویسنده، سیاستمدار و دیپلمات در سال ۱۲۹۶ ه.ش. در یک خانواده روشنفکر و دانشور چشم به جهان گشود. استاد عبدالرحمن پژواک، پس از اكمال تحصیلات، زنده‌گی کاری خود را از ترجمانی زبان انگلیسی در انجمن تاریخ آغاز کرد. در ضمن به نوشن آثار ادبی و هنری نیز می‌پرداخت. چندی بعد

در شعبه‌های ریاست مستقل مطبوعات کار کرد؛ سپس مدیر مسؤول روزنامه اصلاح مقرر گردید و بعد آژانس باخترا را رهبری کرد.

استاد پژواک سالیان زیادی به صفت سفیر کبیر و نماینده دائمی افغانستان، در سازمان ملل متحد با مسؤولیت و علاقه‌مندی کارکرد. عملکرد او در کارزار عرصه دیپلوماسی از هر باب چشمگیر بود و بنابر ژرف فهم و میزان تجارب به وظایف خطیر دیپلماتیک گماشته شد که از آن جمله ریاست کمیسیون تجدید نظر برمنشور سازمان ملل، ریاست کمیسیون حقوق بشر، ریاست مجمع عمومی و ریاست اسامبله خاص سازمان ملل را می‌توان نام برد. از استاد ۱۹ کتاب به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی در زمینه‌های مختلف به چاپ رسیده است. بالآخره استاد به روز پنجشنبه ۱۸ جوزای سال ۱۳۷۴ ه. ش. در پشاور چشم از جهان پوشید.

\* سکندر: اسکندر مقدونی (۳۵۶ تا ۳۲۳ پیش از میلاد) کشورگشای اهل مقدونیه در سده چهارم پیش از میلاد بود.

\* سرزمین دارا: دara یا داریوش شاه هخامنشی که بر سرزمین ایران قدیم حکومت می‌کرد. و قلمروی را که زیر فرمان او بود، به نام سرزمین دara یاد می‌شد.

\* آریانا: Ariana، کلمه لاتین شده یونانی Αριανή آریانه یا آریانی Arianē نامی است که برخی از تاریخ‌دانان و جغرافیادانان یونانی سرزمین‌های شرقی را که در همسایه‌گی هند قرار داشتند، می‌نامیدند.

\* پکتیسیان: مردم افغانستان قدیم،

\* ارسسطو: ارسسطو یا ارسطاطالیس (۳۲۲ ق.م. - ۳۸۴ ق.م.) فیلسوف قدیم یونانی که شاگرد افلاطون و معلم اسکندر بود. او در عرصه‌های مختلفی؛ چون: فزیک، شعر، منطق و اخلاق، کتاب‌ها و رساله‌هایی نوشته است.

### بخوانیم و بدائیم

۱. اسکندر مقدونی، کشورگشای یونانی، در مدت کوتاهی بسیاری از کشورها را فتح کرد. ۲. هنگامی که می‌خواست افغانستان را فتح کند، سال‌های سال در برابر مقاومت مردم غیرور این سرزمین قرار گرفت و شکست خورد.

۳. در طول تاریخ هیچ کشورگشایی نتوانسته است این کشور را فتح کند.

۴. در طول تاریخ سه عامل باعث شده است که مردمان این سرزمین سخت وطن‌دوست باشند: دین، فرهنگ و اقلیم.

۵. ارسسطو، فیلسوف یونانی، شاگرد افلاطون و معلم اسکندر بود. او در عرصه‌های مختلفی؛

چون: فزیک، شعر، منطق و اخلاق کتاب‌ها و رساله‌های نوشته است.  
ع استاد پژواک شاعر، نویسنده، سیاستمدار و دیپلمات افغان بود که سال‌های زیادی در پُستهای بلند سازمان ملل متحد کار کرد. از وی ۱۹ کتاب به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی در زمینه‌های مختلف به چاپ رسیده است.

## آین نامه‌نگاری

### • نامه‌های عاطفی

نامه‌های دیگری نیز رایج است که منظور از آن‌ها بیان مطالبی کوتاه در موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص است. این نامه‌ها به سازمان و اداره خاصی نوشته نمی‌شود؛ ولی به دلیل شکل خاصی که دارد، از نوع نوشته‌ها و نامه‌های رسمی است که باید بسیار کوتاه، صریح و محترمانه نوشته شود.

در تمام این نامه‌ها باید دقیق باشد که زیباترین و گویاترین کلمه‌ها و تعبیرها ضمن کوتاهترین جمله‌ها ادا شود؛ مانند نامه تبریکی به مناسبت‌های مختلف ازدواج، یکی از عیدهای دینی، جشن‌های ملی یا مذهبی، تولد، پیش آمدن موقیتی در زندگی، پیشرفت مهمی در یکی از مراحل تحصیلی، منصب شدن فردی به یک مقام اداری مهم، تسلیت‌نامه، سپاس‌نامه، دعوت‌نامه، پیام‌های کوتاه و یاد داشت‌هایی که برای دیگران فرستاده می‌شود. برخی از این گونه نامه‌ها به قرار زیر است:

۱. تبریک‌نامه
۲. تسلیت‌نامه
۳. سپاس‌نامه

۴. دعوت‌نامه (شامل: دعوت‌نامه عمومی، خصوصی، شخصی و اداری)  
۵. نامه سرگشاده

و نامه‌های زیر بیشتر از طرف اداره‌ها صادر می‌گردد:  
۱. تقدیر‌نامه؛ ۲. تحسین‌نامه؛ ۳. اخطار‌نامه و....

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم بحث و گفتگو کنند و جواب پرسش‌های زیر را دریافته، نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
  - وطن دوستی چیست؟
  - چگونه می‌توانیم در قطار کشورهای پیشرفته جهان قرار بگیریم؟
۲. دو تن از شاگردان در برابر صنف حاضر شده، هر کدام یک نمونه کامل دعوت‌نامه و تسلیت‌نامه بر روی تخته بنویسند و قسمت‌های مهم آن را شرح دهند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. با نظرداشت آنچه در مورد نامه‌ها خواندید، در باره تصویر زیر یک متن در کتابچه‌های تان بنویسید.





۱. خلاصه حکایتی را که در متن درس خواندید، با تعبیر خود قصه کنید.
۲. در طول تاریخ، کدام عوامل باعث شده است که مردمان سرزمین ما بسیار وطن‌دوست باشند؟
۳. چرا اسکندر به مادرش خربطة خاک را فرستاد؟
۴. استاد پژواک کی بود؟ چه کارهایی را انجام داد و از وی چند اثر به کدام زبان‌ها به جا مانده است؟
۵. نامه‌های عاطفی چیست؟  
ع نامه‌های عاطفی چگونه باید نوشته شوند؟

### کار خانه‌گی



۱. خلاصه حکایتی را که در متن شعر آمده است، در کتابچه‌های تان نوشته، هدف و پیام آن را مشخص سازید.
۲. بیت‌های زیر را به حافظه بسپارید:  
دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق  
فرض است آنچنان که طهارت صلات را  
بگسل ز خصم و دست به دامان دوست زن  
خواهی اگر ز ورطه طریق نجات را  
ادیب الممالک فراهانی
۳. متن کامل درس بیست و هشتمن را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس  
بیست  
و هشتم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. خواجه نظام‌الملک کی بود؟
  ۲. کتاب «سیاستنامه» در مورد چه نوشته شده است؟
  ۳. چه کسی کتاب «سیاستنامه» را مدون ساخت؟
  ۴. شما شخصیت سیاسی نظام‌الملک را چگونه ارزیابی می‌کنید.
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

## سیاستنامه

قیام الدین ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق ملقب به نظام‌الملک (خواجه نظام‌الملک) از سال ۴۵۵ هجری قمری تا ۴۸۵ هجری وزیر الپ ارسلان سلجوقی و فرزندش سلطان جلال الدین ملکشاه بوده است. او کتاب «سیاستنامه» یا «سیرالملوک» را برای جلال الدین ملکشاه نوشته و در آن، راه و رسم سلطنت را به وی نشان داده است. این کتاب را محمد مغربی نویسنده کتاب‌های سلطنتی (بین سال‌های ۴۹۲ و ۵۰۵)، پس از مرگ خواجه مرتب و مدون ساخته است.

کتاب سیاستنامه برای نمایاندن اوضاع اجتماعی زمان، از جمله کتب سودمند است؛ اما از روی آن فقط می‌توان اوضاع اجتماعی آن زمان را تا اواخر قرن پنجم و علی‌الخصوص در نیمة دوم قرن پنجم که هنوز دوره رفاه شمرده می‌شد، دریافت. با این حال نظام‌الملک در کتاب خود از بعضی رسوم اجتماعی و مقررات اداری که در زمان او متروک مانده و مورد استقبال پادشاهان سلجوقی قرار نگرفته است، شکایت دارد و نیز از برخی بی‌قانونی‌ها که به وسیله سلاطین و غلامان صورت می‌گرفت، اظهار ناخشنودی می‌کند.«

در کتاب سیاستنامه داستان‌هایی درباره نحوه و شرایط به کار گماشتن در دستگاه حکومتی و توصیه آن‌ها به عدل به نحو شایسته‌بی گنجانیده شده است. نظام‌الملک عقیده داشت که پادشاه را چاره نیست از آن که هفته‌بی دو روز به مظالم نشیند و داد از بیدادگر

بستاند و انصاف بدهد و بیواسطه سخن رعیت را به گوش خود بشنود. این وزیر کاردان معتقد بود که سلطان باید در هر شهری مردی خداترس را مأمور کند و از احوال عامل، قاضی، محتسب و رعایا از خُرد و بزرگ وی را معلوم گرداند. او برخلاف افلاطون که فقط دانشمندان را لایق حاکمیت می‌دانست، علم و دانش را از شرایط لازم می‌داند؛ ولی شرط کافی، عدالت می‌پندارد. او می‌گوید: «خدای تعالی در هر عصر و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیده است و او را به هنر فرمانروایی آراسته گردانیده است. سلطان باید چنان قلمرو حکومتی را به نظم بیاراید که مردم بتوانند با اطمینان و احساس امنیت در پی حرف و مشاغل خود بروند. هدف حکومت دنیوی پر کردن زمین از عدل و داد است. این عدل می‌باشد با نشاندن هر کس در جای شایسته خود حاصل آید که این نیز در جای خود موجب استواری ارکان دولت است.»

خواجه در روز شنبه دهم رمضان سال ۴۸۵ هجری در سفری به نهاؤند به وسیله ابوظاهر ارانی باکارد به قتل رسید. یک ماه پس ازان، ملک شاه سلجوقی به طور مرموزی وفات یافت، که می‌گویند غلامان نظامیه به انتقام خون مخدوم خود (نظام‌الملک)، ملکشاه سلجوقی را مسموم کردند.

## حکایتی از سیاست‌نامه اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو ورزیدن

چاره نیست پادشاه را از آنک در هفته دو روز به مظالم نشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بیواسطه و چند قصه که مهمتر بود باید که عرض کنند و در هر یکی مثالی دهد، که چون این خبر در مملکت پراگنده شود که خداوند عالم متظلمان و دادخواهان را در هفته دو روز پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود همه ظالمان به شکوه اند و دست ظلم کوتاه کنند و هیچ‌کس نیارد بیداد و دست درازی کردن از بیم عقوبت.

چنین خواندم در کتب پیشینیان که بیشتر ملوک عجم دکانی بلند ساختندی و بر پشت

اسب بر آنجا بایستادندی تا متظلمان را که در آن صحراء گرد شده بودندی همه را بدیدندی و داد هر یک بدادندی و سبب این چنان بود که چون پادشاه جایی نشیند که آن جایگاه را درگاه و دربند و دهليز و پرده باشد صاحب غرضان و ستمگران آن کس را باز دارند و نزد پادشاه نگذارند.

شنیدم که یکی ازملوک به گوش گرانتر بوده است. چنان اندیشید که کسانی که ترجمانی می‌کنند سخن متظلمان با او راست نگویند و او چون حال نداند چیزی فرماید که موافق آن کار نباشد. فرمود که متظلمان باید که جامه سرخ پوشند و هیچ کس دیگر جامه سرخ نپوشد تا من ایشان را بشناسم و این ملک بر پیلی نشستی و در صحراء بایستادی و هر که را با جامه سرخ دیدی بفرمودی تا جمله را گرد کردندی، پس به جایی خالی بشستی و ایشان را پیش او آوردندی تا به آواز بلند حال خویش بگفتندی و او انصاف ایشان می‌دادی.

### بخوانیم و بدانیم

۱. خواجه نظام‌الملک از سال ۴۵۵ هجری قمری تا ۴۸۵ هجری وزیر الپ ارسلان سلجوقی و فرزندش سلطان جلال‌الدین ملکشاه بود.
۲. او کتاب «سیاست‌نامه» یا «سیر‌الملوک» را برای جلال‌الدین ملکشاه نوشت و در آن راه و رسم سلطنت را به وی نشان داده است.
۳. در کتاب سیاست‌نامه داستان‌هایی درباره نحوه و شرایط به کارگماشتن در دستگاه حکومتی و توصیه آن‌ها به عدل به نحو شایسته‌یی گنجانیده شده است.
۴. او می‌گوید که سلطان باید چنان حوزه حکومتی را به نظم بیاراید که مردم بتوانند با اطمینان و احساس امنیت در پی حرف و مشاغل خود بروند.
۵. خواجه در روز شنبه دهم رمضان سال ۴۸۵ هجری درسفری به نهادن به وسیله ابوطاهر ارانی باکارد به قتل رسید.

### • نمونه‌هایی از مکتوب‌های عاطفی

تبیریک‌نامه: اصطلاحاً به نامه‌یی گفته می‌شود که شادمانی نویسنده را در مورد رویداد شادی بخشی که برای گیرنده نامه پیش آمده است؛ مانند:

دوست عزیز و رفیق شفیقم، بهزاد؛

موفقیت شما را در پایان رساندن تحصیلات عالی و نیل به درجه دکتورا

تبیریک عرض می‌کنم. امیدوارم در مراحل دیگر زندگی نیز همواره موفق

و شادکام باشید و توفیق خدمت به مردم را به نحو احسن پیدا کنید.

دوست دیرینت

مسعود

تسليت‌نامه: نامه کوتاهی است که به هنگام مرگ کسی به بازمانده‌گان او می‌نویسنند. تسليت‌نامه نیز باید کوتاه و ساده نوشته شده و از تعارفات بیجا و یا درازنویسی در آن اجتناب صورت گیرد؛ مانند:

همکارگرامی جناب آفای محمودی!

با قلبی اندوهبار وفات پدر بزرگوارتان را تسليت عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ

خواهانم که به آن دوست عزیز، صبر عطا فرماید تا بتواند این مصیبت جانگذار

را تحمل نماید.

آن که در غم شما شریک است

کریم کیهان

سپاس‌نامه: به نامه‌یی گفته می‌شود که به موجب اجرای کار شایسته از طرف گیرنده نامه، به او داده یا فرستاده می‌شود؛ مانند:

شاگرد عزیز و نازنینم، غزل؛

اشتراک شما در «مسابقات بین‌المللی ادبیات شاگردان مکاتب» منعقدة شهر

پاریس کشور فرانسه و به دست آوردن مدال طلا را برای شما و همه اعضای

خانواده‌تان تبریک گفته و زحمات شما را قابل تقدیر فراوان می‌دانم. از این

که افتخار بزرگی را برای افغانستان، ویژه مكتب ما، به ارمغان آوردید، از شما

ضمیمانه اظهار سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهم توفیق بیشتری

را در راه خدمت به وطن و مردم افغانستان نصیب‌تان سازد.

معلم مضمون دری شما

ناجیه

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. هر یک از گروه‌ها با مشوره هم، نمونه یک نوع متن سپاس‌نامه و تسلیت‌نامه را به عبارات خود بنویسند؛ سپس از هرگروه یک نفرشان نوشته گروه خود را در برابر صنف بخواند.
۲. دو تن از شاگردان مقابل تخته صنف آمده و خلاصه حکایت سیاست‌نامه را به همصنف‌های خویش بگویند.

## املا و نگارش

۱. متني را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. در باره این تصویر، با نظرداشت آنچه خواندید، در کتابچه‌های تان یک تبریک‌نامه بنویسید.



خود آزمایی



۱. خواجه نظام‌الملک کی بود و چه کتابی را نوشت؟
۲. کتاب «سیاست‌نامه» حاوی چه مطالبی است؟
۳. از نظر خواجه نظام‌الملک، سلطان باید چگونه باشد؟
۴. خواجه در کدام سال و چگونه به قتل رسید؟
۵. پس از مرگ وی، چه واقعه‌یی رخ داد؟

۶. تبریکنامه چیست؟  
۷. سپاس‌نامه را تعریف کنید.



۱. خلاصه حکایت «اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو ورزیدن» را با شیوه نگارش خودتان بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

عدل فاروقی و فقر حیدریست  
سروری در دین ما خدمتگریست  
با دل خود یک نفس خلوت گزین  
در هجوم کارهای ملک و دین

علامه اقبال

۳. نظریات شخصی‌تان را در مورد این کتاب، سال تعلیمی که گذشت و طرز برخورد و شیوه‌های تدریس معلم گرامی‌تان در یک ورقه، بدون ذکر نام‌تان نوشته و آن را در روز امتحان به صورت دسته جمعی گردآوری کنید و همه را یکجا به معلم محترم‌تان بسپارید؛ تا در سال آینده امکان تعديلات لازم در شیوه‌های تدریس معلم گرامی و تغییرات لازم در چاپ‌های بعدی این کتاب در نظر گرفته شود.

## واژه‌نامه (لغت‌نامه)

### آ

به وجود آوردن، انشا، ابداع، آفریدن  
آواز، بانگ، صوت  
دین، کیش، شریعت  
افسوس

آفرینش  
آوا  
آین  
آوخ

### الف

بی‌قدرتی، پستی، کهنه‌گی  
دم بریده، ناقص، ناتمام  
تبسم کردن، لبخند زدن، شگفتان  
زمان پایان ناپذیر، زمانی که آن را انتهای نباشد، زمان جاودان، مقابل ازل  
خلقت، ایجاد، به وجود آوردن  
آلت، وسیله، سامان کار  
رسانیدن، آگاه کردن  
سخن پوشیده گفتن، پیچیده و غامض کردن سخن  
تلف کردن، نابود ساختن، تباہ کردن  
پرهیز کردن، دوری جستن، خویشنده داری  
شامل بودن، در بر داشتن، اشتمال  
به کسر الف به معنای بردن بار  
خاص‌تر، مخصوص‌تر، ویژه‌تر  
درک کردن، دریافت، پی‌بردن، فهمیدن  
حرفی را در حرف دیگری داخل کردن؛ مانند: بتر که در اصل بدتر بوده  
میل، خواست، قصد، آهنگ  
مقام، اعتبار، احترام، اندازه، ارزش  
موزیم تاریخی و بزرگ در لینینگراد روسیه  
زمانی که آن را ابتدا نباشد، زمان بی‌آغاز و بی‌ابتدا، مقابل ابد.  
ظلم، تعدی، جبر  
جدا کردن، بیرون آوردن، خارج کردن  
حاصل گرفتن، حاصل خواستن، نتیجه گرفتن  
استواری خواستن، محکم شدن  
از جزئی به کلی پی‌بردن، جستجو کردن، کنجکاوی کردن  
دلجویی کردن، دلخوشی دادن، به سوی خود متمایل ساختن

ابتدا  
ابت  
ابتسام  
ابد  
ابداع  
ابزار  
ابلاغ  
ابهام  
اتلاف  
احتراز  
احتوا  
احمال  
اخص  
ادرارک  
ادغام  
اراده  
ارج  
ارمیتاژ  
ازل  
استبداد  
استثنای  
استحصال  
استحکام  
استقرا  
استمالت

استناد	چیزی را سند قرار دادن، پشت دادن و تکیه کردن
استنباط	استخراج حقایق، بیرون آوردن چیزی، درک کردن
استکشاف	آشکارساختن، کشف چیزی را خواستن، طلب کشف کردن
اسراف	تلف کردن مال، ولخرجی کردن
اسطوره	افسانه، قصه، حکایت
اصوات	جمع صوت به معنای آواز
اضطراب	پریشان شدن، آشفته شدن، مشوش ساختن
اطلاق کنند	روان کنند، در نظر گیرند
اطلاق	استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص، خواه به طریق حقیقت یا مجاز
اعتدال	میانه‌روی، حد وسط
إعراب	حرکت حرف آخر در واژه‌های عربی
اعیان	اشراف، بزرگان، بزرگواران
اغراض	جمع غرض به معنای: قصد، دشمنی، هدف
اغما	بیهوشی، از خود رفته‌گی
افراط	زياده روی کردن، از حد و اندازه تجاوز کردن
افهام	یاد دادن، دانا کردن، فهماندن
افول	غروب کردن، پنهان شدن، ناپدید شدن
اقشار	جمع قشر به معنای طبقه و گروه، پوست
التهاب	ورم، پنديده‌گی
القا	یاد دادن، آموختن، تلقین کردن، افگندن
الههام	القای امری از جانب خداوند در دل انسان، در دل افگندن امری یا مطلبی
الهیات	آنچه مربوط به (الله) باشد، علم الهی
الى الابد	تا جاودان، تا ابد، همیشه
امیال	جمع میل به معنای خواهش، آرزو
انارشی	هرج و مرج، بی‌نظمی، بی‌سروسامانی
انبساط	گشاده رویی، شادی، خوشی، بازشنдан
انجم	جمع نجم، ستاره‌گان، اختران
اندوخته	جمع شده، فراهم آمده، ذخیره شده
انسداد	بسته شدن، بند آمدن، بند شدن
اتفاق	نفعه دادن، خرج کردن مال
انقسام	بخش بخش شدن، قسمت شدن، منقسم شدن
انکشاف	آشکار شدن، پدیدار شدن، گشاده شدن، وسعت یافتن
ایراد	خرده‌گیری، وارد کردن، بیان کردن

آنچه از راه سعی و کوشش به دست آید	اكتسابی
تاج، افسر	اکلیل
جمع ایدی (جمع الجم) به معنای دست‌ها، دستان	ایادی
مختص‌کردن، کوتاه کردن	ایحاز
بسراوردن، تمام کردن، حق کسی را تمام دادن	ایفا
فریاد، دادخواهی	الغياث
سبز	اخضر
بدبختی	ادبار
روزها	ایام

## ب

تاجر، سوداگر	بازرگان
پنهان، ضمیر، اصل، حقیقت، اندرون	باطن
جمع بحر، دریاها	بحار
کنجکاوی، جستجو، کاوش	بحث
روشن، واضح، آشکار و ضروری در نظر عقل	بدیهی
تازه، نو، جدید، شگفت	بدیع
ناگهانی، حاضر جوابی، بدون تفکر سخن گفتن یا شعر سروden	بدیهه
سخن دلکش، شوخی، لطیفه	بذل
بالاتر، برتر	برین
هر جانوری که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند، نیم جان	بسمل
بکشد، او را از بین ببرد، به قتل برساند	بشکند
بترسند	بشکوهند
منسوب به بصر، چشمی، یا هنرهای بصری	بصری
رسا، فضیح، سخن شیوا	بلیغ
بنیاد، بیخ، ریشه، اساس	بن
بیخ، پایه، اصل، اساس، ریشه	بنیاد
خود شخصاً عهده‌دار شدن	به تن خویش کردن
بخشیدن، گذشت	بهل
نیست شدن، هلاک گشتن، نابود شدن	بوار
محلي، منطقوي	بومي
نیزار، نیستان، جنگل کوچک	بیشه
تخم مرغ	بیضه
عقل، هوشیار، خردمند	بخرد

شایسته، لایق، زیبند	برازنده
بلند شد، ارتفاع گرفت	برکشید
میوه	بار
<b>پ</b>	
وداع، خدا حافظی، ترک کردن	پدرود
جایی بلند که احتمال سقوط از آن رود، لغزشگاه	پرتگاه
روشنی، شعاع، فروغ	پرتو
درشتی و تندی، جنگ و جدال، پیکار	پرخاشگری
محققان، کسانی که کاوش و تحقیق می‌کنند	پژوهشگران
رونده، دونده، جاری، بدون توقف	پویا
جستجو کننده	پوینده
تاری که در عرض نسج بافته می‌شود	پود
<b>ت</b>	
قسمت اعلای هر چیز، قله، سر، فرق	تارک
شلاق، قمچی، آنچه بدان چهارپایان را زند و راند	تازیانه
اندیشه کردن، فکر کردن، دقت کردن در امری	تأمل
بیان کردن، تعبیر کلام، بازگردانیدن، بازگشت کردن از چیزی	تأویل
دور کردن، راندن، کسی را از شهری بیرون راندن	تبیعد
بلوری شدن، درخشنده شدن	تباور
دبال کردن، در پی چیزی رفتن، جستجو کردن	تتبع
همجنس بودن، از یک جنس بودن، همجنسی	تجانس
جلوه گر شدن، هویدا شدن، نمایان شدن	تجلى
جمع تجهیز به معنای سامان‌ها، لوازم، ساز و برگ‌ها	تجهیزات
برانگیختن، ترغیب کردن، تحریک کردن	تحریض
تغییر و تبدیل، برخی از حروف یک کلمه را عوض کردن	تحریف
حقیقت، واقعیت، راستی، به حقیقت پیوستن	تحقیق
رسیدن، به حقیقت پیوستن، پژوهیدن	تحقيق
دیگر گون شدن، برگشتن از یک حالت به حالت دیگر	تحول
اختصاص، ویژه‌گی، مخصوص گردانیدن به چیزی	تخصص
گرد آوردن، فراهم کردن، جمع آوری کردن، تألیف	تدوین
نرم خواندن، آهسته خواندن، قرآن را با قرائت درست خواندن	ترتیل
دو دله شدن، دو دلی، رفت و آمد کردن	تردد
بازگردانیدن، مردد بودن، دو دله بودن	تردید

به رغبت درآوردن، خواهان کردن، راغب کردن، متمایل ساختن	ترغیب
گرد آمدن مردم در یکجا و فشار آوردن به هم	تراحم
آسان کردن، سهول کردن	تسهیل
مساوی کردن، برابر کردن، یکسان کردن	تسویه
به یکدیگر شبیه شدن، مانند هم بودن، همانندی	تشابه
تمیز، چیزی را از دیگری بازشناختن	تشخیص
لرزیدن، درهم کشیده شدن، لرزش	تشنج
شكل پیدا کردن، صورت پذیرفتن، خوب صورت شدن	تشکل
دسته دسته کردن، صنف‌بندی، صنف صنف کردن	تصنیف
خودنمایی کردن، خود را به داشتن صفتی وانمود کردن	تظاهر
میزان برابری، باهم برابرشدن	تعادل
بلند شدن، برترشدن، بلند پایه شدن، ترقی	تعالی
عذر و بهانه	تعذر
عرق کردن، به عرق درآوردن	تعريف
درک کردن، سخن یکدیگر را فهمیدن	تفاهم
کوتاهی کردن در کاری، ضایع کردن	تغیریط
یاد دادن، داناکردن، فهماندن	تفهیم
ترتیب دادن، مرتب کردن، دو چیز را به هم آوردن	تلفیق
پذیرفتن، پذیرش	تلقی
شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن	تمدن
مسخره کردن، ریشخند زدن	تمسخر
کشمکش موجودات با همدیگر برای حفظ بقای خود	تنازع
پاکیزه کردن، خالص کردن، اصلاح کردن	تنقیح
سختی، فشار، راه تنگ	تنگنا
بی‌پروایی، گستاخی	تهوّر
باهم، همراه	توأم
یگانه کردن، یکی ساختن	توحید
واضح کردن، آشکار ساختن، شرح دادن	توضیح
وهمن داشتن، گمان بردن، خیال و گمان	توهم
دویدن، جستجو، شتاب	تکاپو
به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن	تکامل
متعهد شدن، به عهده گرفتن	تکفل

ج

ترس، بیم، هراس، جبران کردن، اعاده کردن تخته‌های باریک که شکسته‌بند موضع شکسته استخوان را با آن‌ها می‌بندد	جبن
پایین رفتن آب دریا	جبیره
جمع جعبه به معنای: صندوق، صندوق کوچک، هرچیزی شبیه صندوق شاخه تازه درخت، جوانی، شباب	جزر
زره، سلاحی که از حلقه‌های آهن سازند.	جبات
زحمت، مشقت	جوانه
گناه	جوشن
	جور
	جُرم

## ج

سخنان لطیف و دلکش، چیزی که به اندازه چشیدن باشد.	چاشنی
ساشه‌بان کوچک، آنچه که چیزهایی را در زیر سایه خود قرار دهد.	چتر
چراگاه، علفچر.	چراخور
زه کمان، نخی که از تارهای باریک تاییده شود، تار کمان.	چله
چوب نیزه‌بازی که دسته آن راست و باریک است.	چوگان

## ح

حمایت کننده، نگاهدارنده، پشتیبان	حامی
جمع حد به معنای اندازه	حدود
پرهیز کردن، دوری کردن، بیم و ترس	حدر
آلت جنگ، سلاح	حربه
مسلکی، بامهارت	حرفوی
گردآگردخانه، اندرون سرا، داخل خانه	حرم
اندوهگین، غمگین، اندوهناک	حزین
عظمت، شکوه، جاه و جلال و بزرگواری	حشمت
کندن کاری، کاوش کردن	حفریات
کسی که بار برپشت خود حمل کند، باربر	حمل
بندهای شمشیر، آنچه به شانه و پهلو آویزند	حملایل
سرخ	حمراء
علم، دانش، عدل	حکمت

## خ

انگشت، مهر، نگین	خاتم
قلم نی	خامه
آگاهی داشتن به حقیقت، مجرب بودن	خبرت
نوعی چوب سخت و تیری که از چوب خنگ ساخته باشند	خدنگ

افسانه‌ها، سخنان بیهوده	خرافات
ماه گرفته‌گی، زمانی که زمین بین خورشید و ماه قرار می‌گیرد	حسوف
فراوانی، حاصل خیزی	خصب
شهربزرگ، ناحیه، مملکت، کشور	خطه
گشادگی بین دو چیز، رخنه، سوراخ	خلل
خفک کردن، بند آمدن نفس	خناق
جمع خان، امیران، سرلشکران، پادشاهان	خوانین
نام شهربیست	خلج

## ۵

دفتری که در آنجا نامه‌ها، فرامین و دستورات پادشاه و مقامات را می‌نویسند	دارالانشا
بزرگی، عظمت، شان و شکوه	دببه
نویسنده، منشی، کاتب	دیبر
مزاج، خوی، عادت، دانستن، عقل، دانش	درایت
گنجانیدن، جا به جا کردن، نوشتن مطلبی در کتاب، رساله و مانند اینها	درج
واحد پول قدیمی، پول نقره‌یی، مسکوک نقره‌یی	درهم
دزدی، چپاول، غارت، تصرف	دستبرد
ترس، بیم، تشویش	دغدغه
روزگار، زمانه، زمان دراز، جهان	دهر
سرگشته‌گی، سراسیمه‌گی، ترس و خوف	دهشت
اتفاقی که در جایی بلند قرار داشته باشد	دکان
راهرو	دهلیز
واحد پول قدیمی، پول طلایی، مسکوک طلایی	دینار

## ذ

خوار، پست، زبون، حقیر	ذلیل
آب شدن، گداخته شدن	ذوب

## ر

ردیف، قطار	راستا
مهربانی، شفقت، رحم، ترحم	رأفت
سوار	راكب
سوراخ، شگاف، چاک	رخنه
رسته، رده، صف، پشت سرهم	ردیف
بزرگ شدن، نمو کردن	رشد
آرام گرفن، ایستادن، کسادی، تنبیلی، کاهله	ركود

زشت، قبیح، سخیف	رکیک
ایما، اشاره، راز نهفته	رمز
مرکب دونده فراخگام و خوش سواری	رهوار
نقل کردن مطلب، خبر یا سخن از کسی	روایت
باضم حرف {ر}: جان، روان	روح
بافتح حرف {ر}: نسیم خوش آیند، بوی خوش	روح
خواب خوش، متضاد کابوس	رویا
منسوب به ریه به معنای شش (همردیف جگر)	ربوی
تحمل رنج و تعب، زحمت و رنج کشیدن	ریاضت

### ز

پاک کردن، پاکیزه ساختن	زدودن
کسانی که کار شان استخراج طلاست	زرکش
پیشوای قوم، حاکم، کسی که اداره امور کشور را در دست دارد	زمامدار
امان، پناه، مهلت	زنها
طاقت، توان	زهره

### ژ

گود، عمیق، دور و دراز	ژرف
شوریده، آشفته، درهم، پریشان	ژولیده

### س

سوال کننده، طلب احسان، گدایی	سایل
پیشی گرفتن، تقدم جستن، پیش دستی	سبقت
حکم لازم الاجرا	سجل
بقیه حیات را نگاه داشتن، گرسنه گی را بند آوردن	سد رقم
صد سال، یک قرن	سده
پُر، لبریز، لبالب	سرشار
روش، رفتار، سازش	سلوک
عنوان، مقام، رتبه	سمت
مضمون، مایه	سوژه
راندن، حرکت دادن	سوق
ماتم، مصیبت، غم، عزا، اندوه	سوگ
چرت، فکر	سوداء
خرید و فروش، داد و ستد	سودا
لایق، درخور	سزاوار

<b>ش</b>	نفع، خد (نقص) درخت عرعر	سود سپید دار
<b>ص</b>	کسانی که فکر بدی دارند اتفاق افتادن، به وقوع پیوستن ناگهانی و بدون دلیل آسیب، آزار، مصیبت آشکاری، روشنی، خلوص، بی‌آمیخته‌گی استواری، محکمی، سختی، مخوف بودن قدرت جمع صورت به معنای شکل، طریق، روی، چهره پیروان طریقة تصوف، اهل طریقت هیبت، قدرت، خشم، غلبه جلا، درخشش، زدوده‌گی چرک و زنگ صبحگاهی	شارع عام شرایین شرر سلط‌العرب شفاهی شکال شکوه شیوه
<b>ض</b>	باطن انسان، آنچه اندرون دل بگذرد، اندیشه بی‌فایده، بی‌بهوده، بی‌ثمر، تلف، تباہ شیرقوی، شیر درنده	صاحب غرضان صفه صدمه صراحت صلابت صور صوفیه صولت صیقل صبا
<b>ط</b>	طریقه، نمط، روش شاد شدن، شادمانی، نشاط از حد خود درگذشتن، از اندازه تجاوز کردن جمع طایفه به معنای گروه، جماعت، دسته آثار باستانی مصر قدیم مربوط عصر فرعون یا زدهم از سلسله رامسس دوم	طراز طربر طغیان طوابیف طوتان خامون

که در سال ۱۹۲۲ م کشف گردیده است

گبید

طارم

## ع

باستانی، قدیم	عتیقه
نیستی، نابودی، ضد وجود	عدم
شماره، شمرده شدن، زیاد، بسیار، فراوان	عديد
فلک الافلاک، سقف، قصر	عرش
محوطه، میدان، فضاء، ساحه	عرصه
پیشنهاد، نمایش، ارائه	عرضه
رسم و رواج، عادت	عرف
قصد کردن، آهنگ کردن، دل به کاری نهادن	عزیمت
بدبو شدن، گندیده‌گی، بدبویی	عفونت
مجازات	عقوبت
بیخ، اصل، ریشه	عنصر
به زور و به ناخواست	عنف و کره
پیمان، شرط، میثاق	عهد
مسؤولیت، ذمه، متقبل شدن	عهدہ
جمع عاطفه به معنای شفقت، مهر و علاقه و مهربانی	عواطف

## غ

زیاده روی در کاری یا در وصف کسی یا چیزی، گزاره گویی	غلو
توانگری، بی نیازی، دولتمندی	غنا
جانور ترس آور، بزرگ جثه و بد هیکل	غول
آب باز	غواص

## ف

آن که چیزی یا کسی از دست او رفته باشد، نادر	فاقت
جستجو کردن، کاوش، تحقیق کردن	فحص
آنسوی دریا، ماوراء النهر، آنسوی دریای آمو	فرارود
پادشاه مصر قدیم قبل از میلاد	فرعون
جمع فرع به معنای شاخه، آنچه از اصل چیزی جدا شود	فروع
جمع فضیلت به معنای افزونی در علم و معرفت، برتری، فزوی	فضایل
سخت پلید، ناروا، نامشروع، سرخ فام، سرخ رنگ	فقاع
گمشده، از دست رفته، وفات یافته	فقید
جمع فیلسوف به معنای حکیم یا دانشمندی که چندین علم را بداند	فلاسفه

فرجام  
فیروزی

آخر، سرانجام، پایان هر کار  
کامیابی، مؤقتیت

## ق

جای گرفتن شمشیر، کارد، کمان و خنجر  
طبع، ذوق و قدرت طبیعی در سرودن و نوشتن شعر و نثر  
عرض حال  
داوری  
منطقه حکومت، ناحیه حکمرانی، حوزه فرمانروایی  
چراغ دان، شمع دان، چراغ آویز  
بازگشت به عقب، پس پس رفتن  
جمع قید به معنای بند، بستن، درحبس ماندن  
حیوان دارای پوست سفید و نرم  
تقدیرم

قبضه  
قریحه  
قصه  
قضا  
قلمرو  
قندیل  
قهقرا  
قیود  
قاقم  
قدرم

## ك

مرکز، محل اصلی  
مدیر، اداره کننده یک اداره  
بزرگی ورزیدن، خارق عادتی که از ولی و صالحان دیده می شود  
آفتاب گرفته گی، زمانی که ماه میان زمین و خورشید واقع شود  
آنچه برای چرخاندن زنده گی کافی باشد  
قول، گفتار، سخنی که دارای معنای کامل باشد  
سخنان کوتاه

کانون  
کدر  
کرامت  
کسوف  
کفاف  
کلام  
كلمات قصار  
کنایه  
کنیشکا  
کوتاه دست  
کیفر

## گ

صندوق بسیار بزرگ که در برابر حوادث مقاوم باشد  
میل، رغبت، خواهش، تمایل  
جمع کردن  
پهنا، سطح  
شکوه و شکایت، گله  
لهجه، گفتار، کلام، سخن  
یکی از نشانه های نگارشی، قوس کلان

گاوصندوق  
گرایش  
گرد کردن  
گستره  
گلایه  
گویش  
گیومه

# ل

فرومایه، سفله، ناکس	لئیم
لحظه، قسمت کوچکی از زمان	لخت
چیستان، کلام پیچیده، سخن سربسته	لغز
آلایش، آلوده کردن، آلودهگی	لوث
<b>م</b>	
تأکید کرده شده، محکم و استوار	مؤکد
گردآگرد، پیرامون، اطراف	ما حول
تنبیه کردن	مالش دادن
در پس و در عقب طبیعت، آنسوی طبیعت	ماوراء الطبيعى
در پس و در عقب طبیعت، دنیابی که برای ما قابل دید نیست	ماورای طبیعى
پیشی گرفتن، شتاب کردن، تعجیل	مبادرت
افراط و زیاده روی در مرح کسی یا چیزی	مبالغه
پیش پا افتاده، بی ارزش، خوار و ناپسند	مبتدل
محکم، ثابت، قاطع، استوار شده	مبرم
بیان کننده، آشکار کننده، واضح و روشن کننده	مبین
بلور شده، چیزی که شبیه بلور شده باشد، انعکاس یافتن	متبلور
بلند، رفیع، بلند پایه، بلند مرتبت	متعالی
مردمان زمان گذشته، پیشینیان، گذشته گان	متقدمین
چیزی که اجزای آن از هم گسیخته و پراگنده شده باشد	متلاشی
طولانی، دائمی، دراز	متمادی
مالدار، ثروتمند	متمول
هماهنگ، دارای تناسب	متناسب
فرمان	مثال
کسی که در مناظره مغلوب شود، جواب داده شده	مجاب
چرب زبانی، خوشامد گویی	مجامله
از روی کوشش، با جدیت، از روی سعی و تلاش	مجданه
جذب شده، شیفتنه و فریفته	مجذوب
جای روان شدن، محل جریان یافتن	مجرما
مختص، کوتاه، خلاف مفصل	مجمل
جمع مَحَمَّدَه به معنای کسی را ستودن، ستایش کردن	محامد
گفتگو کردن، باهم سخن گفتن	محاوره
دارنده حشمت و بزرگی و شکوه	مُحتَشم

کسی که احادیث پیامبر ﷺ را نقل کند، دانشمند علم حدیث	محدث
چیزی که وجود و اثر آن احساس شود	محسوس
جای چرخش، آنچه گرد بگردد، چرخه دولاب	محور
ترسیدن، خوف داشتن، بیمناک شدن	مخافت
جای خارج شدن، محل خروج	مخرج
خراب شده، ویران شده	مخرب
محل رهایی، راه خلاص، راه نجات	مخلص
بالارفتن آب دریا	مد
جای دور زدن و گردش، جایی که چیزی دور می‌زند	مدار
جمع مدرک به معنای سند	مدارک
ادامه دهنده، دوام دهنده، همیشه‌گی	مداوم
جمع مرثیه	مراثی
مقصود، آرمان، هدف	مراهم
شعر یا سخنی که درسوگواری میت و ذکر نیکی‌های او خوانده می‌شود	مرثیه
جوانمردی، مردمی، نرم دلی	مروت
آمیزش، اختلاط، درهم آمیختن	مزج
کهنه، دیرینه، آنچه که زمان درازی بران بگزدید	مزمن
افزونی، برتری	مزیت
افزون، زیاد، بسیار	مزید
سعی‌ها، کوشش‌ها، تلاش‌ها	مساعی
عوضی، بدلی، چیزی که به عاریت گرفته شده باشد	مستعار
بینیاز، ثروتمند، توانگر	مستغنى
آنچه که چیز دیگری را لازم دارد	مستلزم
بینوا، بیچاره، اندوهگین	مستمند
جمع مستوره به معنای پوشیده درپرده، عفیف، پاکدامن، با ستر	مستورات
سلط شدن، غلبه یافتن	مستولی
سحر زده، جادو شده، فریفته شده	مسحور
باورکرده، سپرده شده، قبول شده، پذیرفته شده	مسلم
رفتن، روان شدن، جای سیر و گردش	مسیر
شهریه، ماهانه	مشاهرت
پیران، بزرگان	مشايخ
چیزی که از چیز دیگری جدا شده باشد	مشتق
تصریح شده، روشن و آشکارشده	مُصرَّحَه

حرفى که حرکت ضمه ( پیش ) دارد	مضموم
برابر کردن، برابر شدن، متحدد شدن	مطابقه
شوخی و مزاح کردن، خوش طبیعی کردن	مطابیه
مظالم جمع مظلمه به معنای ظلم و ستم که به کسی شده باشد و یا آنچه به ظلم و ستم از کسی گرفته شده باشد.	مظالم
با اعتبار، امین و محل اعتماد	معتبر
مشکل، سخت، دشوار، زشت	محضل
پسندیده عقل، آنچه که به وسیله عقل درک شود	معقول
اندازه و پیمانه، مقیاس و آلت سنجش	معیار
مرد روحانی، زردشتی، آتش پرست	مخ
چیزی که بدان افتخار کنند، چیزی که بدان نازند	مفخرت
شايسه‌ها، حاجات، ضرورات	مقتضيات
حرفى که حرکت کسره ( زیر ) دارد	مکسور
کنایه‌دار، کنایه داده شده	مکنیه
نیکوبی و نرمی کردن، مهربانی کردن به کسی	ملاطفت
عالم غیب، دنیای آسمانی	ملکوت
تمرین کردن، به کاری پرداختن و همیشه به آن مشغول بودن	ماراست
جمع منصب به معنای مقام، رتبه، شغل رسمی	مناصب
مباحثه و مجادله	منظاره
انتقاد کننده، نقد کننده، کسی که کتابی یا نوشه‌یی را بخواند و محسن و معایب آن را بگوید	منتقد
منتهی شونده	منجر
آلتش مرکب از فلاخن مانندی بزرگ، که برسر چوبی قوى جابه‌جا می‌شد و در جنگ‌های قدیم به وسیله آن سنگ و آتش به طرف دشمن پرتاب می‌کردند.	منجنيق
انحصار یافته، محدود و محصور	منحصر
کهنه، فرسوده، پاره پاره	مندرس
پاک و پاکیزه، پاکدامنی، بی آلایش، دور از بدی و زشتی	منزه
کسی که از مردم دوری گزیند و در گوشه‌یی بنشیند	منزوی
اصل، مبدأ، جای پیدایش، محل نشوونما	منشا
مطابق و برابر	منطبق
نقل شده، روایت شده	منقول
مربوط، وابسته، بسته شده	منوط

زمام، افسار، کنترول کردن	مهار
هلاک کننده، کشنده، نابودکننده	مهلک
مجموعه لوازم و وسائل نظامی، شامل انواع اسلحه و ابزار جنگ	مهمات
سهمناک، خوفناک، ترساننده	مهیب
هیجان‌انگیز، به هیجان آورنده، بر انگیزنده	مهیج
برابر، یکسان، باهم	موازی
جمع مانع، بازدارنده‌ها	موانع
مورد وثوق و اطمینان، عهد و پیمان و استواری	موثق
به وجود آورنده، ایجاد کننده، آفریننده	موجد
آنچه که درمدمی محدود و معین باقی می‌ماند. متضاد دائم، پایدار	موقت
محل، مقام، مسکن	موقف
بخشش، دهش، آنچه که به کسی ببخشند	موهبت
بخاری تیره که نزدیک به زمین پدید آید، مه غلیظ، ابر	میخ

## ن

دقیق	نازک
نظم دهنده، به نظم آورنده، کسی که کاری را نظم دهد	نااظلم
ناآشنا، ناشناخته، دور از ذهن	نامأنوس
تیر، تیر انداز، هرچیز میان خالی	ناوک
یابنده، بهره‌مند، به مقصود رسیدن	نایل
جنبیدن رگ، حرکت قلب، ضربان قلب	نبض
طریقه، روش	نحوه
خسته‌گی ناپذیر، کسی که از کار و کوشش به ستوه نیاید	نستوه
نشنل جیوگرافیک انجمن ملی جغرافیایی، جغرافیای مردمی، نام یکی از مؤسسات	نظرارت
مراقبت کردن، نگریستن، نظرکردن	نقض
باطل کردن، منهدم کردن، شکستن عهد و پیمان	نکوهش
بدگویی کردن، مذمت، ناستوده	نکوهیده
سرزنش شده، عیب گفته	نگارش
تحریر، نگاشتن، نوشتن	نمط
راه، روش، طریقه	نهاد
ساختمان، بنیاد، باطن	نوامیس
جمع ناموس به معنای شرف، عصمت، عزت	نوسان
جنبیدن و تکان خوردن چیزی در جای خودش	نیاز
حاجت، ضرورت، میل و خواهش	

نیایش  
نیل  
نیوشیدن  
نگارنده  
ناگزیر  
نماینده  
نیاز  
نیرو  
نگونسار

دعا، ستایش، پرستش، دعا از روی تصرع  
رسیدن به مقصود، به دست آوردن مراد  
شنیدن، گوش کردن و پذیرفتن  
نقش کننده  
ناچار، بیچاره  
نشان دهنده  
حاجت  
توانایی، قدرت  
سرچپه، واژگون

## ه

هجو  
 Hazel  
 هلاهل  
 همسان  
 هوا  
 هولناک  
 هویدا  
 هیولا  
 هین  
 هیکل  
 همان  
 هیمه

بدگویی کردن، برشمودن معايب کسى  
شوخی، مزاح کردن، سخن غير جدي  
گياهی است سمی که دارای قویترین زهر است  
همانند، شبیه، مانند همديگر  
هوی: میل، خواهش، هوس  
پریم و ترس، خطرناک، چجزی که ازان بیم و هراس آید  
آشکار، واضح، روشن  
صورت، هیکل، حیوان ترسناک  
حرف تنبیه به معنای هوشدار، هشیارباش، توجه کن  
جهه، اندام، قالب آدمی  
همچنان  
هیزم، چوب سوخت

## و

وثيقت  
وجاهت  
وجه  
وصمت  
ولوله

آنچه عهد و پیمان را استوار سازد، سند  
خوبروبي، زيبايی، مقبوليت عام  
پول يا چيز ديگري که به وسیله آن زنده گي گذراند  
ننگ، عار، عيب  
شور و فرياد

## ي

يارا  
يزك  
يغما

توانایی  
پيشرو سپاه، مقدمه لشکر، در اينجا به معنی اشعه خورشيد  
چور و چپاول

## فهرست منابع

۱. احمد نژاد، کامل (دکتر)، فنون ادبی، چاپ چهارم، انتشارات پاپا، تهران، ایران، ۱۳۸۲
۲. اخگر، مطهرشاه، آگاهی از خطرات ماین، مهمات منفجرناشده و معلولیت، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷
۳. انصاری، خواجه عبدالله، علی پناه (زیرنظر)، مناجات خواجه عبدالله انصاری، چاپ پنجم، کتابفروشی فروغی عرب‌اختری، واصف، پیشینه تاریخی ادب فارسی دری، آریانا برونمرزی، سال هشتم، شماره اول ۱۳۸۱
۴. بلخی، محمد حنیف حنیف، پرطاووس، چاپ دوم، نشر مؤلف، پشاور، پاکستان، ۱۳۸۱
۵. بلخی، مولانا جلال الدین، مثنوی معنوی، چاپ نهم، انتشارات پژوهش، تهران، ایران، ۱۳۸۶
۶. بنوال، محمد افضل (دکتور)، فولکلور و پیوند آن با ادبیات (دستنویس) ۱۳۸۰
۷. بیدل، میرزا عبدالقدیر، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعة وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲
۸. پژواک، عبدالرحمن، بانوی بلخ (مجموعه اشعار دری و پشتو)، مؤسسه پژواک، پشاور، ۲۰۰۱
۹. حبیب، اسدالله (دکتور)، ادبیات در نیمة اول سده بیستم ۱۳۸۴
۱۰. خانلری، پروین ناتل (دکتر)، وزن شعرفارسی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ایران، ۱۳۶۷
۱۱. خسته، مولوی خال محمد، معاصرین سخنور، چاپ دوم، انجمن نشراتی دانش، پشاور، پاکستان، ۱۳۸۶
۱۲. دانشگر، دکتر محمد، نامه‌نگاری گام به گام، انتشارات طالیه، چاپ دوم، تهران، ایران، ۱۳۸۴
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (دکتر)، آشنایی با نقد ادبی، چاپ چهارم، انتشارات سخن، تهران، ایران، ۱۳۷۶
۱۴. زوبل، محمد حیدر، تاریخ ادبیات افغانستان، نشرات فاکولته ادبیات، پوهنتون کابل، افغانستان، ۱۳۳۳
۱۵. سعدی، شیخ مصلح الدین، دکتر خلیل خطیب رهبر (به کوشش)، گلستان، چاپ چهارم، انتشارات صفوی علیشاه، تهران، ایران، ۱۳۶۶
۱۶. سلجوقي، صلاح الدین (علامه)، افسانه فردا، شورای ثقافتی جهاد افغانستان، چاپ اول، ۱۳۶۹
۱۷. سلجوقي، صلاح الدین، تحلی خدا در آفاق و انفس، چاپ سوم، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان، ۱۳۸۵
۱۸. شریعت، محمد جواد (دکتور)، آیین نگارش، چاپ چهارم، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸
۱۹. شمیسا، سیروس (دکتر)، انواع ادبی، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۷۳
۲۰. صمیمی، محمد عبدالحق، روش جدید نامه‌نویسی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات الازهرا، پشاور، پاکستان ۱۳۳۳
۲۱. علوی مقدم، محمد (دکتر) و دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران، ایران، ۱۳۸۴
۲۲. غبار، میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ اول، مطبعة دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۶
۲۳. فانی، رازق، دشت آینه و تصویر، کالجورنیا، امریکا، ۱۳۸۳
۲۴. هاله، حبیب الرحمن (پروفیسور)، افکار عامه و تبلیغات، چاپ اول، اتحادیه نویسنده‌گان افغانستان آزاد، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۱
۲۵. هزاره، ملافیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج ۱-۳، مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ، تهران، ایران، ۱۳۷۳
۲۶. واصفی، میربهادر، کلیله و دمنه منظوم، چاپ اول، انتشارات واقفی، مشهد، ایران، ۱۳۸۴
۲۷. کشاورز، کریم، هزارسال نشریارسی، چاپ اول، جلد ۲، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ایران، ۱۳۴۵
۲۸. کشاورز، کریم، هزارسال نشریارسی، چاپ اول، جلد ۳، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ایران، ۱۳۴۵
۲۹. یمین، حسین، رهنمای املای دری و نقطه‌گذاری، نشرات دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل، (چاپ گستنتر)